



دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

تقریرات درس:

تاریخ حقوق کیفری

استاد:

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم:

ایرج خلیل زاده - سید پوریا موسوی

دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

این جزوه، توسط سرکار خانم دکتر سودابه رضوانی و آقای غلامرضا قلی‌پور دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تحت نظارت و بازبینی استاد، در اسفند ۱۳۹۵ ویرایش نهایی شده است.

نیمسال اول سال تحصیلی

۱۳۹۴ - ۹۵

(ویراست دوم - بهار ۱۳۹۷)

فهرست مطالب

موضوع‌های مقدماتی.....	۶
فصل اول: ویژگی‌های حقوق کیفری مدرن.....	۱۶
۱.۱. تخصّصی شدن حقوق.....	۱۶
۲.۱. اصول مندشدن حقوق.....	۱۷
۳.۱. تفکیک حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی.....	۱۸
۴.۱. تعریف جرم.....	۱۹
۵.۱. تفکیک جرایم براساس ماهیت.....	۱۹
۶.۱. برابری در برابر مجازاتها.....	۲۰
فصل دوم: اهمیت مطالعات تاریخ حقوق کیفری.....	۲۳
۱.۲. جرایم.....	۲۴
۲.۲. ضمانت اجراها.....	۲۷
۳.۲. مسئولیت کیفری.....	۳۰
۴.۲. آیین دادرسی کیفری.....	۳۱
فصل سوم: خاستگاه کنترل اجتماعی جرم.....	۳۳
۱.۳. انتقام‌گیری خصوصی.....	۳۳
۲.۳. مراحل تدریجی انتقام خصوصی.....	۳۴
فصل چهارم: مقررات کیفری قانون نامهٔ حمورابی.....	۳۸

.....	۱.۴. تساوی در برابر مجازاتها	۴۱
.....	۲.۴. شخصی بودن مجازاتها	۴۲
.....	۳.۴. قانونمندی	۴۴
.....	۴.۴. مجازاتها در قانوننامهٔ حمورابی	۴۵
.....	۵.۴. جرایم در قانون نامهٔ حمورابی	۵۰
.....	۶.۴. ادلهٔ اثبات جرم	۵۴
.....	فصل پنجم: مقررات کیفری قانوننامهٔ هیتی‌ها: ضمانت اجراها، جرایم و ادله	۵۴
.....	فصل ششم: مقررات کیفری یونان	۶۰
.....	پیوست‌ها	۶۷
.....	پیوست شمارهٔ ۱: تحولات تاریخی قتل در فراش	۷۰
.....	پیوست شمارهٔ ۲: اصل تراز در قانون اساسی مشروطه و اصول مربوط به شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۷۵
.....	پیوست شمارهٔ ۳: قانوننامهٔ کُنت	۸۳
.....	پیوست شمارهٔ ۳: قانوننامهٔ جزای عرفی نصرت الدولة فیروز	۹۷
.....	کتاب‌شناسی فارسی	۱۹۳

موضوع‌های مقدماتی^۱

شاخه‌های علوم جنایی، جایگاه تاریخ حقوق کیفری و تاریخ تحولات حقوق کیفری در این شاخه‌ها و سرانجام حقوق کیفری مدرن موضوعه در ایران را مختصر بررسی می‌کنیم. همان گونه که می‌دانید، علوم جنایی به طور کلی، یعنی علمی که به مطالعه بزه، بزه‌کار، بزه‌دیده و کیفر می‌پردازد، به چهار شاخه کلی علوم جنایی حقوقی، علوم جنایی تجربی، فلسفه کیفری و سیاست جنایی^۲ تقسیم می‌شود. علوم جنایی حقوقی، هنجارمند (دستوری - نورماتیو) و ضابطه‌مند است. این علوم به عبارتی، به دو شاخه اصلی و تکمیلی تقسیم‌بندی می‌شوند. شاخه‌های اصلی شامل حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی، آیین دادرسی کیفری و حقوق اجرا و اعمال مجازات‌ها است؛ شاخه‌های تکمیلی آن شامل حقوق کیفری بین‌المللی، تاریخ حقوق کیفری، تاریخ تحولات حقوق کیفری، حقوق کیفری کسب و کار، حقوق کیفری سایبری و... می‌شود. براین اساس، جایگاه درس تاریخ حقوق کیفری در شاخه تکمیلی علوم جنایی حقوقی و در کنار تاریخ تحولات حقوق کیفری است.^۳

تاریخ تحولات حقوق کیفری، مطالعه تاریخی شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن است که در پرتو و تحت تأثیر اندیشه‌ها، آموزه‌ها و مکاتب فلسفی، حقوقی، جرم‌شناختی و... متولد شده‌اند. به این ترتیب، تاریخ تحولات حقوق کیفری عبارت است از مطالعه چگونگی تولد حقوق کیفری مدرن، آموزه‌ها و مکاتبی که در این تولد و تحول نقش

۱. گفتنی است که این جزوه در واقع خلاصه و اهم مطالب کلاس است. دانشجویان برای تفصیل و تکمیل مطالب، حتماً

به منابع و کتاب‌های معرفی و داده شده در کلاس و یادداشت‌های خود مراجعه نمایند.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره اصطلاح سیاست جنایی، دیپاچه در: لازرژ، کریستین،

درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۶.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، دیپاچه در: علوم جنایی -

مجموعه مقاله‌ها در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.

داشته‌اند؛ اما، تاریخ حقوق کیفری عبارت از مطالعه چگونگی تولد مقررات کیفری و تحوّل آنها در دوران باستان است. مطالعات مربوط به تاریخ تحولات حقوق کیفری عموماً از سال ۱۷۶۴ میلادی یعنی سال انتشار رساله جرایم و مجازاتهای بکاریا^۱ شروع می‌شود؛ به عبارت دیگر، دوره مطالعاتی این رشته عمری حدود دویست و پنجاه سال دارد، حال آن که بازه زمانی مطالعات تاریخ حقوق کیفری عموماً در محدوده خاور نزدیک، خاورمیانه، یونان و روم و اروپای غیر از یونان و روم (به تعبیری، اروپایی‌های بربر - غیر یونانی و غیر رومی) از حدود سه هزار سال پیش از میلاد شروع تا سده پنجم میلادی یعنی فروپاشی امپراتوری روم غربی، ادامه پیدا می‌کند. تاریخ تحولات حقوق کیفری، همان‌طور که گفته شد، در واقع مطالعه تاریخی آن دسته اندیشه‌ها و مکاتب فلسفی، حقوقی، جرم‌شناختی و... است که زمینه تولد حقوق کیفری مدرن^۲ یعنی مدون شدن حقوق را فراهم کردند: مانند مکتب کلاسیک، مکتب نئوکلاسیک، مکتب تحقیقی، مکتب دفاع اجتماعی، مکتب دفاع اجتماعی نوین و...^۳ ولی، به هنگام مطالعات تاریخی حقوق کیفری، به عنوان مثال، بررسی می‌کنیم که نخستین مقررات و قانون‌نامه‌هایی که مقررات کیفری نیز پیش‌بینی کرده‌اند، چگونه و در کدام منطقه تدوین و اجرا شده‌اند؟ چرا پاره‌ای قوانین کیفری در بین‌النهرین (میان رودان)، غرب ایران و در عراق کنونی تنظیم و اجرا شده‌اند؟ چرا برخی تاریخ‌دانان حقوق معتقدند که تولد تمدن حقوق

۱. رک: بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.

۲. حقوق کیفری مدرن فرآیند تدوین حقوق یا تدوین قوانین و مقررات شامل مدون کردن تخصصی مقررات هر رشته حقوق در قالب کد یا قانون نامه مبتنی بر اصول عمومی، دسته‌بندی، تعاریف، جرم‌نگاری، کیفرگذاری، مقررات ناظر به جرایم و مجازاتها و آثار آنها توضیح داده خواهد شد. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تولد و تحوّل حقوق کیفری در ایران، دیباچه در: رحمدل، منصور، تولد و تحوّل حقوق کیفری عمومی، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۵ و بعد.

۳. در خصوص مکاتب کیفری رک: پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۶؛ رحیمی‌نژاد، اسمعیل، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.

کیفری، با نخستین مقررات کیفری در روم و یونان باستان یعنی در *باختر باستان* رقم خورده است؟ حال آن‌که در مقابل، *عده‌ای* معتقدند که نخستین مقررات کیفری در *خاورمیانه و خاور نزدیک* - غرب آسیا - متولد شده است؟

همین جا باید گفت که قدیمی‌ترین مقررات کیفری - دست کم در حال حاضر در این تاریخ - به تعبیری از هزاره سوم پیش از میلاد در *بین‌النهرین*، عمدتاً، جنوب ترکیه، غرب ایران و عراق کنونی تدوین، تنظیم و اجرا شده است. به این ترتیب، بخش عمده‌ای از تمدن حقوقی از آن *بین‌النهرین* یا *میان رودان* است. بدین‌سان، عمدتاً عراق کنونی، جنوب ترکیه و غرب ایران، گهواره تمدن حقوقی به شمار می‌آید. حقوق در این منطقه اشکال اولیه خود را پیدا کرده و متحول شده است. پیش از کشف الواح سنگی و گلی در کاوش‌های باستان‌شناسان در منطقه *بین‌النهرین* و... در اواخر سده نوزدهم تا نیمه نخست سده بیستم، عقیده تاریخ‌دانان حقوق بر این بوده که مهد تمدن حقوقی، روم و یونان یعنی غرب (*باختر*) باستان بود؛ اما پس از آن کاوش‌ها و استخراج لوح‌های گلی و سنگی ترجمه آنها به انگلیسی و زبان‌های دیگر، مانند قانون‌نامه حمورابی و قانون‌نامه هیتی‌ها، متوجه شدند که فرضیه تولد مقررات حقوقی در یونان و روم «*باختر باستان*» درست نیست و نخستین مقررات حقوقی در *خاور باستان* تنظیم، تدوین و اجرا می‌شده است.

قانون‌نامه‌های باستانی به ترتیب تاریخ

فرمان اوروکاگینا	در شش کتیبه	حدود ۲۳۵۰ قبل از میلاد ^۱
قانون‌نامه اور - نمود	۳۷ ماده	حدود ۲۱۰۰ قبل از میلاد
قانون لیبت - ایشتر	۳۸ ماده	حدود ۱۹۳۰ قبل از میلاد
قانون‌نامه اشوننا	۶۰ ماده	حدود ۱۷۳۰ قبل از میلاد
قانون‌نامه حمورابی	۲۸۲ ماده	حدود ۱۷۵۰ قبل از میلاد
قانون‌نامه هیتی‌ها	۲۰۰ ماده	حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد
قانون‌نامه آشوریان	۱۲۰ ماده	حدود ۱۰۷۶ قبل از میلاد
مقررات عبرانی (یهود) در کتاب عهد عتیق (تورات) شامل آسفار پنج گانه حدود ۹۰۰ قبل از میلاد		

۱. بادامچی، حسین، جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۳۹ - ۵۹.



در میان مقررات، مواد یا بندهای این قانون‌نامه‌ها، مقررات کیفری شکلی و ماهوی نیز پیش‌بینی شده است،^۱ در این نیمسال فقط مقررات کیفری قانون‌نامه حمورابی، قانون‌نامه هیتی‌ها و مقررات کیفری عبرانی (آیین کیفری یهود) در خاور باستان را بررسی می‌کنیم. سپس به بررسی مقررات کیفری یونان در باختر باستان می‌پردازیم. مقررات کیفری روم باستان و نیز مقررات کیفری دیگر جاری در خاور باستان مانند قانون‌نامه‌های اور-نمور، لیپیت - ایشتر و... را در منابع معرفی شده، خود دانشجویان مطالعه نمایند. در جلسات مقدماتی کلاس اشاره‌ای هم به تاریخ حقوق کیفری ایران می‌کنیم.



در مورد تولد حقوق به معنای امروزی کلمه در ایران و پیدایش حقوق کیفری، باید اشاره کرد که قانون اساسی مشروطه، یعنی نخستین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۸۵ خورشیدی و متمم آن یک سال بعد یعنی در ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید؛ اما، حدود سی و دو سال پیش از تصویب قانون اساسی مشروطه، که امروز، عمری حدود یکصد و ده سال دارد، مقرراتی با عنوان قانون یا بهتر است بگوییم قانون‌نامه (کُد) کنت^۲ در سال ۱۲۵۸ خورشیدی، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، تهیه و تنظیم شد. این دوره زمانی مصادف با امپراتوری عثمانی بود که آنها نیز درصدد تنظیم مقررات حقوقی بودند. کنت آنتوان دومونت فورت،^۳ نجیب‌زاده ایتالیایی، بود که ناصرالدین شاه^۱ از وی

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: بادامچی، حسین «به کوشش»، تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۷ و بعد.

۲. آنچه که به عنوان «قانون کنت» مشهور است در واقع «مقررات نامه‌ای» است که به تأیید ناصرالدین شاه قاجار و امیرکبیر، صدر اعظم وقت رسیده است و جنبه قانونی به معنای امروزی نداشت. مقررنامه کنت به طور کامل در پیوست شماره ۳ این جزوه آورده شده است.

3. Conte / Comte de Monte Forte.

تقاضای تنظیم مقررات کرد. این مقررات که مشتمل بر ۵۸ ماده است مشتمل بر مواد حقوقی، کیفری^۲، اداری و... می‌باشد^۳ و به نوعی جزء میراث حقوقی ایران محسوب می‌شود؛ متعاقب آن، با توجه به این که یکی از مطالبات اساسی مشروطه خواهان، ایجاد عدالت‌خانه، یعنی دادگستری مدرن بوده است، فیروز میرزا فیروز(نصرت الدوله) در اجرای متمم قانون اساسی، قانون (قانون نامه) جزای عرفی را در اسفند سال ۱۲۹۵ خورشیدی (برابر با جمادی الاول ۱۳۳۵ هجری قمری و برابر با ۱۹۱۴ میلادی) تنظیم و

۱. اندیشه تشکیل و تأسیس نظمی (شهربانی) به شیوه کشورهای اروپایی، به زمان ناصرالدین شاه قاجار می‌رسد. او در دومین سفر خود به اروپا در سال ۱۲۹۵ق با مشاهده قوای پلیس و نظم و انضباطی که در شهرهای اروپایی برقرار بود، تصمیم گرفت در ایران نیز چنین تشکیلاتی به وجود آورد. وی پس از مراجعت از اروپا، مستشاری ایتالیایی به نام «کنت دو مونت فورت» را استخدام کرده و از اتریش با خود به ایران آورد. قبل از تأسیس نظمی ناصرالدین شاهی، امور انتظامی شهر توسط قراولها انجام می‌شد و محل اجتماع و پایگاه آنان قراولخانه بود. در تبریز بیست قراولخانه و در تهران چهل عدد از آنها وجود داشت. امیرکبیر در دوران صدارت کوتاه خود تعداد آنان را افزایش داد و بسیاری از قراولخانه‌ها را به مفهوم پاسدارخانه در راه‌ها و اطراف شهر ایجاد نمود. قراولها به دسته‌های ده - ۱۰ - تایی تقسیم می‌شدند؛ اما، پس از بازگشت ناصرالدین شاه از فرنگ به قول صاحب منتظم ناصری «بر حسب اراده همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر توسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه به ریاست "مسئو کنت دو مونت فورت" در دارالخلافه برقرار گردید». پس از تدارک مقدمات کار روز ۱۶ ذی القعدة ۱۲۹۵ ق نخستین تابلو شهربانی تهران سردر عمارت واقع در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب گردید. در تابلو عبارت «دارالخلافه» نقش شده بود که از همان روز مردم با واژه پلیس آشنا شدند و دیری نپایید که «کنت» به لقب «نظام الممالک» ملقب و به منصب امیر تومانی (سرلشکری) مفتخر و به اخذ نشان و حمایل آن ممتاز گردید. سال بعد، یعنی ۱۲۹۶ ه.ق، کنت قوانینی را که به کتابچه «قانون کنت» معروف شد به شاه ارائه کرد. با تصویب این نظامنامه، دیری نگذشت که اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتساییه به «وزارت نظمی» تبدیل گردید و صورت و قیافه جدیدتری یافت و دارای دوایر و تشکیلات ویژه‌ای گشت. این مطالب از تارنمای پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران به نشانی زیر گرفته شده است:

<http://bcir.pchi.ir/show.php?page=contents&id=19510,11/10/1394,09:28>

۲. به عنوان مثال، می‌توان به ماده ۵ مقررات نامه کنت اشاره داشت: کسی که قاطع طریق یا دزد باشد و یا رفاقت با آنها نماید چه شغل دائمی او باشد و یا این که اتفاقاً رفاقت کرده باشد از راه ضرورت باندازه (به اندازه) تقصیر او از یکسال الی پانزده سال حبس خواهد شد. همچنین در ماده ۹ این مقررنامه آمده است: کسی که تهمت زند مکتوباً یا لساناً بدرجه تقصیر او از یکسال الی پنج سال محبوس خواهد شد و از پنج تومان الی یکصد تومان جزای نقدی خواهد داد.

۳. در خصوص موارد غیر کیفری این قانوننامه، به عنوان مثال، می‌توان به ماده ۵۷ آن در خصوص عدم مسئولیت مدنی پلیس (دولت) اشاره داشته است. در ماده ۵۷ مقرر شده است: کسی که اسباب خود را بدون هیچ محافظه و پاسبان مخصوص جانی میگذارد و اگر اسباب او را ببرند پلیس ابداً ضامن نیست اما تجسس دزد را خواهد کرد.

به تصویب هیأت وزیران رسانید.^۱ این قانون‌نامه (کُد)، به تعبیر امروز، "قانون مجازات" محسوب می‌شده است و از دو بخش حقوق کیفری عمومی، اصول و مقررات عمومی و حقوق کیفری اختصاصی و جرایم تشکیل شده بود. به عنوان مثال، در ماده ۱ این قانون آمده است: مجازات جنایت بر دو قسم است: اول ترهیبی و ترذیلی باهم، دویم ترذیلی فقط. مجازات جنحه تأدیبی است. مجازات خلاف تکذیری است (رجوع بفصل اول از باب سیم قانون موقتی اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱).^۲

این قانون‌نامه توسط فیروز میرزا فیروز(نصرت الدوله)^۳ تنظیم شده است و به همین جهت، قانون نصرت الدوله نیز گفته می‌شود. آنچه مسلم است، عبارت از این است که تعطیلی مجلس وقت (مجلس سوم)، به دلیل جنگ جهانی اول، مانع از تصویب این مقررات در مجلس به صورت قانون شد، ولی اندکی بعد در هیأت دولت، بنا به درخواست فیروز میرزا فیروز(نصرت الدوله) تصویب شد؛ لکن، به دلایلی از جمله این که مطابق مقررات شرعی ارزیابی نمی‌شد، مورد قبول فقها واقع نشد؛ اما، زمینه را برای تنظیم و تصویب قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه ۱۳۰۴ خورشیدی آماده کرد. متن قانون‌نامه جزای عرفی نصرت الدوله در واقع به عنوان یک الگو برای «تنظیم و تدوین» قانون مجازات عمومی دی ماه ۱۳۰۴ استفاده شد و به این ترتیب مبنای قانون

۱. متن کامل قانون‌نامه جزای عرفی نصرت الدوله فیروز در پیوست شماره ۴ این جزوه آورده شده است.

۲. از مفهوم این ماده استنباط می‌شود که جرایم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف تقسیم بندی می‌شوند. قانون اصول محاکمات جزایی (۱۲۹۱.ش)، چهار سال زودتر از قانون ماهوی نصرت الدوله به تصویب رسید که بعدها با تصویب در کمیسیون حقوقی مجلس جامه قانون به تن کرد، بر خلاف قانون جزای عرفی که هیچ گاه در مجلس تصویب نشد.

۳. نصرت الدوله فیروز علاوه بر تنظیم قانون جزای عرفی، کتاب "اصول حقوق جزا" را نیز نوشت. او در این اثر به بررسی اصول حقوق جزا و بررسی مکاتب حقوق کیفری می‌پردازد. به عنوان مثال، در قسمت اول کتاب خود به بررسی "مبنای حق مجازات دادن" و "مبنای مجازات در قوانین قدیمه" پرداخته است. او مجازات را چنین تعریف می‌کند: «مجازات به کار بردن قوه و زور است از راه قانون بر علیه یک نفر؛ یعنی: تهدیدی است نسبت به عموم افراد جامعه، یا به عبارت دیگر نسبت به مجرمین احتمالی. این تهدید وقتی عملی شده و از قوه به فعل می‌آید که جرمی واقع و مجری موجود گردد....»

مجازات عمومی - نخستین قانون نامه کیفری - که جنبه رسمی و اجرایی - البته به صورت آزمایشی تا پایان دوره پهلوی - پیدا کرد، قرار گرفت.

بدین سان، می توان گفت که ایران، به دنبال انقلاب مشروطه و تصویب قانون اساسی و تنظیم و تصویب قانون های مجازات، مدنی، آیین دادرسی و... در پرتو اصول قانون اساسی، صاحب حقوق مدون یا حقوق موضوعه گردید و بدین ترتیب، جزء نخستین کشورهای منطقه است که وارد عصر حقوق مدرن شد. حال اگر حقوق کیفری را به یک درخت تشبیه کنیم، تنه اصلی آن، حدود یک سده عمر دارد. این تنه از جمله تشکیل شده از: قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون موقتی اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱؛ اصلاحات و تحولات بعدی مرتبط با این دو قانون در واقع شاخ و برگ های این تنه را تا سال ۱۳۶۰ تشکیل می دهد.^۱

موضوعی که می توان مطرح و بررسی کرد عبارت از این است که چرا حقوق مدرن ایران از حقوق فرانسه که جزء خانواده حقوق نوشته (Civil Law) است، اقتباس کرده و الهام گرفته است؟ در پاسخ می توان چند دلیل را مطرح کرد:

حقوق دانان وقت ایران از جمله تصرت الدوله و سپس علی اکبر داور - وزیران دادگستری وقت خود - تحصیلات عالی را در فرانسه و سوییس که هم خانواده حقوق فرانسه است، انجام داده بودند و بنابراین با کدهای ناپلئون و حقوق دانان فرانسوی آشنایی داشتند. به همین جهت دولت های وقت، به عنوان نمونه، از مشاوره های قاضی فرانسوی، آدولف پرنی،^۲ برای تنظیم قانون نامه های کیفری و قوانین دیگر و نیز تدریس در مدرسه عالی حقوق (محل تربیت قضات آینده که در مهر ۱۲۹۸ خورشیدی تأسیس

۱. گفتنی است که قانون جزای عرفی ۱۲۹۵، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و قانون موقتی اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱ از قانون مجازات ۱۸۱۰ و قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ فرانسه مشهور به کدهای ناپلئون اقتباس شده است. برای اطلاعات بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی - مجموعه مقالات نكوداشت نامه دکتر سلویا تلنباخ، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، ص ۴۵۷ و بعد.

2. Francais Adolphe Perny.

شد) استفاده کرد؛ وانگهی، فرانسه در مقایسه با انگلستان رویکردهای استعماری و مداخله جویانه به ایران نداشته است و بدین سان، فرهیختگان ایرانی وقت، نگاه مثبتی نسبت به فرانسه داشتند. دلیل دیگر این بود که، گداهای قانونی ناپلئون در حوزه کیفری و مدنی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، الگوی جنبش تدوین حقوق (Codification) و مدون کردن قوانین و مقررات در خاورمیانه، از جمله در عثمانی (ترکیه) و نیز در مصر بود.^۱

۱. همچنین رک: هریسی نژاد، کمال الدین، تأملی در عوامل تأثیرپذیری حقوق نوین ایران از نظام حقوقی رومی - ژرمنی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۶۹ و بعد.

فرآیند تاریخی پیدایش حقوق کیفری موضوعه در ایران

متن حقوقی که شامل مقررات جزایی هم می‌شد ← قانون‌نامه کُنت ← سال ۱۲۵۸ خورشیدی (دوره قاجار)



قانون اساسی مشروطه و متمم آن ← سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون موقتی اصول محاکمات جزایی (قانون آیین دادرسی کیفری) ← سال ۱۲۹۱ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون (قانون‌نامه) جزای عُرفی (فیروز میرزا فیروز) ← اسفند ماه سال ۱۲۹۵ خورشیدی

(دوره قاجار)



قانون مجازات عمومی ← سال ۱۳۰۴ خورشیدی

(دوره پهلوی)



تحولات بعدی مرتبط با دو قانون جزایی ماهوی و شکلی، مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، اقدامات تأمینی و تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار در دوره پهلوی اول و دوم صورت گرفت.

فصل اول: ویژگی‌های حقوق کیفری مدرن

یکی از منابع نظری مهم حقوق کیفری مدرن را به طور کلی رساله جرایم و مجازاتها (سال ۱۷۶۴ میلادی)، به قلم سزار بکاریا، می‌دانند. حقوق کیفری مدرن دارای ویژگی‌هایی است که موجب تمایز آن از حقوق کیفری تاریخی می‌شود. ناگفته پیداست که اصول امروزی حقوق کیفری در قانون‌نامه‌های باستانی موضوعیت نداشته، لیکن، برای سهولت آموزش مطالب، مفاد این قانون‌نامه‌ها را در پرتو اصول حقوق کیفری امروزی بررسی می‌کنیم.

۱.۱. تخصّصی شدن حقوق

در حقوق کیفری مدرن قوانین و مقررات کیفری از مقررات رشته‌های دیگر حقوق، جدا می‌شوند؛ مقررات کیفری شکلی و ماهوی نیز به نوبه خود از یکدیگر تفکیک می‌شوند و در مجموعه‌های مستقل از هم به تصویب می‌رسند. بدین‌سان، قانون (قانون‌نامه) مجازات از قانون مدنی، قانون تجارت و... جدا شد و قانون آیین دادرسی کیفری از قانون مجازات عمومی تفکیک می‌گردد. به این ترتیب، قوانین از یکدیگر به لحاظ موضوعی، ماهیتی و نیز شکلی، مستقل، مدون و گُد بندی (Codification) و منجر به تدوین حقوق می‌شوند؛ حال آن‌که به عنوان مثال، در قانون‌نامه حمورابی مقررات ناظر به امور مدنی، تجاری، کیفری و... در کنار هم و در مواد مختلف، بدون دسته‌بندی، آورده شده است، به طوری که حدود ۹۰ ماده این قانون‌نامه، جنبه کیفری دارند. حقوق کیفری امروزی مبتنی بر اصول کیفری قانون اساسی است که قوانین عادی در پرتو آن‌ها و طی یک فرآیند خاص قانونگذاری به تصویب و اجرا گذاشته می‌شود.

۲.۱. اصول مندشدن حقوق

دوّمین خصیصه حقوق کیفری مدرن، عبارت از این است که در هر قانون (قانون نامه)، قانونگذار یک سلسله قواعد و اصول کلی یا عمومی و مشترک را برای آیین دادرسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری و حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی، در قانون مجازات تعریف و پیش بینی می کند. به عبارت دیگر، حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری، تحت اصول مشترک خود، که در آغاز هر قانون احصاء و تعریف می گردند، اجرا می شوند. این اصول و تعاریف در حوزه حقوق کیفری عمومی، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از ماده ۱ الی ۲۱۶ و در حیطة آیین دادرسی کیفری، در محدوده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از ماده ۲ الی ۷ و مواد بعدی - به مناسبت به عنوان مثال مواد ۸، ۱۰ و ۱۴ - را شامل می شود. به این ترتیب، در قانون مجازات اسلامی در کتاب اول «کلیات»، بخش اول آن مواد عمومی، فصل اول تعاریف، فصل دوم قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان و... اصولی کلی مانند اصل قانون مندی جرایم و مجازاتها، اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و سپس تعریف، شرایط و موانع مسئولیت کیفری، تعریف جرم و مجازات و... آورده شده است که بر همه جرایم و مجازاتها اعمال می شود.

بدین سان، چنانچه قانونگذار در قوانینی خاص مانند قانون مبارزه با پولشویی، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، قانون تجارت الکترونیکی و ... به جرم انگاری و کیفرگذاری مبادرت ورزد که خارج از قانون مجازات اسلامی است، آن جرایم و مجازاتها از منظر اصول عمومی قاعداً تحت حاکمیت اصول عمومی قانون مجازات اسلامی قرار دارد. قانون مجازات اسلامی، به عنوان قانون مادر تلقی می شود، مگر آن که آن قانون خاص، برای جرم، مجازات، مسئولیت کیفری و... قواعد خاص

خود را پیش‌بینی کند که اصطلاحاً به آنها، قواعد و مقررات افتراقی^۱ گفته می‌شود. به عنوان مثال، قانون مبارزه با مواد مخدر، به طور کلی، تکلیف خود را از قانون مجازات اسلامی جدا کرده است. این قانون، خاص است که آیین دادرسی، جرایم، مجازاتها، قواعد تکرار جرم و... خاص خود، مانند قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ را دارد؛ اما، اگر این استثناء، کنار نهاده شود، در سایر قوانین، برای مثال مقررات ناظر به مجازاتها، عفو و مسئولیت باید به اصول عمومی قانون مجازاتها رجوع شود. این امر در حوزه دادرسی کیفری نیز با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری مجری است؛ حال آن‌که در قوانین باستانی مانند قانون حمورابی، قوانین هیتی‌ها، اشنونا و... اصول عمومی، تعاریف و قواعد ناظر بر جرایم و مجازاتها وجود ندارد.

۳.۱. تفکیک حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی

ویژگی دیگر حقوق کیفری مدرن عبارت از این است که مقررات و اصول عمومی کیفری از مقررات حقوق کیفری اختصاصی شامل جرایم، ارکان اختصاصی هر جرم، ضمانت اجراهای کیفری جدا پیش‌بینی می‌شود. جرایم برحسب معیارهایی همچون موضوع جرم، موقعیت مرتکب یا بزه‌دیده طبقه‌بندی و نظام حقوقی آن با توجه به اصول عمومی قانون مجازات مشخص می‌شود. افزون بر جرایم تعریف و پیش‌بینی شده در قانون مجازات، حقوق کیفری اختصاصی شامل آن دسته از اعمال و رفتارهایی می‌شود که در قوانین خاص نیز جرم‌انگاری و برای آنها کیفرگذاری شده است. در قوانین باستانی، همان‌گونه که اشاره شد، قانون مجازات به طور مستقل وجود ندارد، بلکه مواد کیفری در کنار مقررات مربوط به رشته‌های دیگر حقوق آمده، اصول کلی کیفری نیز

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره افتراقی شدن سیاست جنایی، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۶؛ رک: پاک نیت، مصطفی، افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.

وجود ندارد، بدین‌روی، تفکیک حقوق کیفری عمومی از حقوق کیفری اختصاصی در این قانون‌نامه‌ها منتفی است.

۴.۱. تعریف جرم

در حقوق کیفری مدرن، افزون بر یک تعریف کلی از جرم، برای هر جرم یک تعریف خاص آورده شده، به طوری که قاضی در پرتو آن تعریف و تعیین ارکان اختصاصی آن جرم، اقدام به انطباق عمل ارتكابی با تعریف قانون می‌نماید، یعنی تعیین مصداق عملی منطبق با جرم بر عهده او گذاشته شده است. به عنوان مثال، قانونگذار سرقت را به طور کلی تعریف می‌کند، ولی تشخیص عمل ارتكابی و اتهام از نظر انطباق آن با سرقت را به مقام قضایی واگذار می‌کند؛ ولی، در قانون‌نامه‌های باستانی به تعداد سرقت‌های ارتكابی، با توجه به موضوع سرقت‌ها، ماده اختصاص داده شده است و اثری از یک تعریف کلی برای سرقت نیست. به عنوان مثال در *قانون‌نامه حمورابی*، بیش از سی و پنج نوع سرقت در مواد مختلف، آن هم نه به صورت پی در پی، جرم‌انگاری و کیفرگذاری شده است.

۵.۱. تفکیک جرایم براساس ماهیت

خصیصه دیگر حقوق کیفری مدرن، طبقه‌بندی جرایم و مجازات‌ها بر حسب موضوع جرم و مصلحت و ارزشی که جرم علیه آن واقع می‌شود، است. قانونگذار جرایم را به جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و... تقسیم‌بندی و بر حسب شدت یا ضعف مجازات و نوع کیفری که برای جرایم پیش‌بینی شده است، جرایم را به عنوان مثال، به جرایم جنایی، جنحه‌ای، جرایم خلافی یا به جرایم حدی، قصاصی، دیوی و تعزیری تقسیم می‌کند.

کیفرها در حقوق کیفری مدرن، از یک‌سو شناور، یعنی دارای کمینه و بیشینه هستند و بدین‌روی مجازات ثابت در این حقوق اصولاً موضوعیت ندارد و از سوی دیگر،

متنوع هستند، به طوری که قاضی می‌تواند یک یا چند مجازات را از میان آنها انتخاب کند و بدین‌سان، دست به شخصی کردن مجازات بزند؛ حال آن‌که در مقررات باستان، مجازات‌ها عمدتاً بدنی و ثابت هستند و طبقه‌بندی جرایم برحسب نوع یا میزان کیفر، مطرح نیست. بنابراین، شخصی کردن مجازات‌ها (شامل اشخاص حقیقی و حقوقی) هم دیگر معنایی ندارد. اصل فردی کردن و شخصی کردن مجازات‌ها در واقع از دستاوردهای حقوق کیفری مدرن در پرتو یافته‌های مطالعات جرم‌شناختی است. در حقوق کیفری تاریخی، به عنوان مثال در پاسخ به جرم قتل، قتل با سبق تصمیم یا قتل ناگهانی قاعدتاً هیچ تفاوتی از نظر کیفر در نظر گرفته نشده است، حال آن‌که در حقوق کیفری مدرن میان این قتل‌ها تفاوت می‌گذارند و انگیزه را در مواردی مداخله می‌دهند و در نتیجه قانونگذار ضمانت اجرای کیفری متفاوتی پیش‌بینی می‌کند.

۶.۱. برابری در برابر مجازات‌ها

حقوق کیفری مدرن در پرتو آورده‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی، طبقاتی نیست، یعنی همه در مقابل آن برابر هستند؛ تعلق نژادی، قومی، دینی، طبقاتی در جرایم و مجازات‌ها تأثیری ندارد. موقعیت اجتماعی مرتکب یا بزه‌دیده - قاعدتاً - در وضعیت کیفری او تأثیری ندارد. البته قانونگذار به عنوان مثال، برپایه معیار سن و به دلایل علمی صغار را از کبار تفکیک می‌کند و بنابراین دو نوع حقوق کیفری شکلی و ماهوی مطرح می‌شود:

۱. حقوق کیفری بزرگسالان

۲. حقوق کیفری کودکان و نوجوانان

بدین‌سان، چه از منظر حقوق کیفری ماهوی و چه از نظر آیین دادرسی کیفری، حقوق کیفری مدرن برای صغار بزه‌کار حکم و آیین متفاوتی تعیین می‌کند. بدین ترتیب، امروزه بر پایه معیار سن حقوق کیفری اصطلاحاً افتراقی شده است.

نکته مهم اینکه، هنگامی که سخن از حقوق کیفری مدرن به میان می‌آوریم، به معنای نفی میراث کیفری بشریت، یعنی مقررات کیفری باستانی، مقررات دینی و... نیست؛ حقوق کیفری مدرن بخشی از میراث کیفری بشریت را با توجه به تحولات صورت گرفته، مدون، اصول‌مند و ضابطه‌مند کرده است. حقوق کیفری مدرن، همان طور که اشاره شد، از جمله بر پایه اصولی که بکاریا در نیمه دوم سده هجدهم در کتاب خود بررسی و تحلیل کرد بنا گذاشته شده است. به همین جهت در حوزه حقوق عرفی و موضوعه، وی را رهبر انقلاب کیفری و اثر او را منشور انقلاب کیفری نامیده‌اند،^۱ همان گونه که پدر جرم‌شناسی را، سزار لمبروزو و منشور جرم‌شناسی را، کتاب انسان/مرد بزهارکار تلقی کرده‌اند.^۲

بکاریا، همان طور که در جلسات قبل هم اشاره شد، در سال ۱۷۶۴ رساله جرایم و مجازاتها را منتشر کرد. او فردی اشراف‌زاده بود. در جوانی و در زمان مداخله آباء کلیسای کاتولیک در حوزه عدالت کیفری، کتاب خود را در واقع در اعتراض به عدالت کیفری کلیسایی نوشت، به نظر بکاریا عدالت کیفری کلیسایی ضابطه‌مند و اصول‌مند نبود و منجر به نوعی بی‌عدالتی و عدم رعایت حقوق مردم می‌شد.^۳ این کتاب نه ماه پس از انتشار، به زبان فرانسه برگردانده شد. جالب آن‌که مطالب و اصول آن مورد توجه انقلابیان فرانسه قرار گرفت، به طوری که در مطالبات خود اجرای آن اصول از جمله خواستار گشایش یک عدالت کیفری عادلانه و انسانی را مطرح کردند.

۱. بنگرید به: پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۶، ص ۴۲ به بعد.

۲. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم دیباچه ویراست دوم - سوم - چهارم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۷، ص ۱۳ به بعد.

۳. درباره حقوق کلیسایی رک: محقق داماد، سید مصطفی، حقوق جزای شرعی کلیسای کاتولیک، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ - ۳۰، ۱۳۷۹، ص ۲۹ و بعد.

رسالة جرایم و مجازاتها	←	سال ۱۷۶۴ میلادی
	و	
انقلاب فرانسه	←	سال ۱۷۸۹ میلادی

رسالة جرایم و مجازاتها مشتمل بر چهل و دو فصل است. بکاریا در این کتاب، حقوق کیفری را به عبارتی، نظام‌بخشی^۱ کرد.^۲ نظام‌مند کردن و نظم بخشیدن به حقوق کیفری یعنی جرم‌انگاری و کیفرگذاری و دادرسی کیفری را تابع اصول معینی درآوردن. اصول حقوق کیفری امروزی به طور غیرمستقیم حدود یکصد و چهل سال بعد، از طریق قانون‌نامه جزای عرفی ۱۲۹۵ (۱۳۳۵ق) نصرت الدوله فیروز و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ که مقتبس از قانون‌نامه کیفری فرانسه بود، وارد حقوق کیفری ایران شد، به این معنا که پس از انقلاب مشروطه، قانونگذار ایرانی به هنگام تدوین و تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ خورشیدی، به قانون مجازات (کُد ناپلئون) ۱۸۱۰ فرانسه رجوع کرد.^۳

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مانند قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم شده؛ لیکن، با توجه به مضامین فقه کیفری امامیه، تلفیقی از اصول حقوق عرفی موضوعه و فقه امامیه در آن وارد شده است؛ به عنوان

1. Systemization of Criminal Law

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی براساسی سازی حقوق کیفری، در: گرجی، علی اکبر «به کوشش»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۹۸۸ به بعد.
۳. برای مطالعه بیشتر رک: خلیل‌زاده، ایرج و صبوری‌پور، مهدی، قانون جزای عرفی و نقش آن در شکل‌گیری حقوق کیفری ایران، مجله پژوهش حوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷، ص ۲۲۵ و بعد؛ رک: خلیل‌زاده، ایرج و خلیل‌زاده، غلامرضا، حقوق کیفری عصر قاجار در قانون جزای عرفی (۱۲۹۵ ش) و قانون کُنت (۱۲۸۵ش)، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶؛ همچنین رک: صبوری‌پور، مهدی و. خلیل‌زاده، ایرج، تحلیل کیفرشناختی قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۵ شمسی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی شهر دانش، شماره ۱۲، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳ و بعد.

مثال، در کنار مجازاتهای جدید و شناور بین حداقل و حداکثر، مجازاتهای ثابت و بدنی پیش بینی شده است؛ یا اصل قانونمندی جرم و مجازات در پرتو ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی به نوعی به "اصل قانونمندی - شرع مندی" تبدیل شده است؛ در مواردی وضعیّت کیفری جنس مؤنث و شخص غیرمسلمان با جنس مذکر و وضعیّت فرد مسلمان متفاوت شده است؛ آشکال تاریخی کیفر مرگ مانند سنگسار و به صلیب کشیدن نیز در کنار به دار آویختن برای جرایم، پیش بینی شده است؛ ادله جرم نیز در جرایم شرعی حکم خاصی دارد. بدین سان، حقوق کیفری ایران در پرتو اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۱ به این سو از دو منطق فقهی و حقوقی پیروی می کند.

فصل دوم: اهمیت مطالعات تاریخ حقوق کیفری

تاریخ حقوق کیفری اگرچه به عنوان یک درس اختیاری در دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی ارائه می شود ولی، برای دانشجوی حقوق که قاضی، وکیل، مشاور حقوقی و استاد آینده می شود، فوایدی دارد:

(۱) حقوق کیفری ماهیتی

- حقوق کیفری عمومی

- حقوق کیفری اختصاصی

(۲) حقوق کیفری شکلی، آیین دادرسی کیفری، سازمان و تشکیلات قضایی و ضابطان.

این دو گونه حقوق کیفری، به ترتیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تفصیل، تعریف و ضابطه مند شده است، به گونه ای که ماده ۲۱۶ نخست قانون مجازات، بخش کیفری عمومی و از ماده ۲۱۷ به بعد، بخش کیفری اختصاصی را تشکیل می دهد. البته باید متذکر شد، جرایم حدی، قصاصی و دیوی در مواردی تابع قواعد خاص خود می باشد که قانونگذار در فصل های مربوط، در قسمت

حقوق کیفری اختصاصیِ قانون مجازات آورده است. حال آن‌که از نظر اصول قانونگذاری، قواعد عمومیِ ماهوی و شکلیِ ناظر به حدود، قصاص و دیات نیز باید در قسمت حقوق کیفری عمومیِ قانون مجازات و قسمت مربوط در قانون آیین دادرسی کیفری آورده می‌شد.

بدین ترتیب، حقوق کیفری شکلی شامل آیین دادرسی کیفری و سازمان و تشکیلات قضایی می‌شود. ادله اثبات جرم، اجرای احکام، دو درجه‌ای بودن رسیدگی، حقوق متهم، محکوم علیه، شاکی و جامعه، تشریفات دادرسی، اعمال و اجرای مجازاتها و... در آیین دادرسی کیفری بررسی می‌شود. بررسی چگونگی جرایم، کیفرها و مسئولیت کیفری، از یک سو و شیوه دادرسی و تشکیلات قضایی، از سوی دیگر، در درس تاریخ حقوق کیفری جالب است.

۱.۲. جرایم

آیا همه جرایم در طول عمر بیش از چهار هزار ساله حقوق کیفری همواره ثابت بوده‌اند؟ مطالعه تاریخی جرایم در حقوق کیفری این امکان را فراهم می‌کند تا تحولات اجتماعی، فرهنگی و باورهای جوامع بشری که حمایت از آنها به عهده حقوق کیفری گذاشته شده است، بررسی شوند. مطالعات تاریخ حقوق کیفری این امکان را فراهم می‌سازد تا منشاء پیدایش برخی جرایم که امروزه نیز همچنان در قوانین پیش‌بینی شده است و تحولاتی که پیدا کرده‌اند، مطالعه شوند.

به عنوان مثال، در *قانون‌نامه حمورابی* انواع سرقت با توجه به موضوع سرقت یعنی سرقت محصولات کشاورزی، سرقت اموال معبد، سرقت حیوانات و... جرم‌انگاری شده است؛ اما، آیا امروزه موضوع و مال مورد سرقت همچنان همان موارد است؟ بی‌تردید، پاسخ منفی است. سرقت عبارت از ربودن مال غیر است که همچنان در قانون مجازات موضوعیت دارد؛ اما، اولاً، نحوه ارتکاب آن و ثانیاً موضوع بزه سرقت یعنی اموال

ربودنی متحول و افزایش یافته است، به طوری که امروزه سرقت‌های سایبری^۱، سرقت‌های ادبی^۲، سرقت‌های هنری، سرقت برق و... جرم‌انگاری شده است که این خود، بیان‌گر تحول ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و فنی و به طور کلی تمدن بشری در بستر تاریخ نیز است. بدین‌سان، مطالعات جرایم در نخستین مقررات کیفری این فرصت را فراهم می‌سازد تا سیر تحول ارزش‌ها، اعتقادات، باورها و درجه اهمیت آنها را از گذر جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌ها در حقوق کیفری بررسی کنیم؛ از گذر مطالعات تاریخی جرایم، مصلحت و ارزش مورد حمایت در جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌ها روشن می‌گردد، مانند آن که قانونگذار در بزه سرقت به دنبال حمایت از حق مالکیت و در بزه قتل در جهت پاسداری از حق حیات، به عنوان یکی از حق‌های ذاتی انسان، برآمده است. حال سؤال این است که آیا قانونگذار همچنان با وضع جرایم جدید به دنبال حمایت از افراد است یا نظم عمومی و امنیت حاکمیت؟ آیا به عنوان نمونه، جرم‌انگاری‌های سرقت امروزه همان معنا و مفهومی را دارد که در گذشته داشته است؟ سرقت در مقطعی از تاریخ حقوق کیفری شامل ربودن اموال همشهریان، هم‌قبیله‌ای‌ها یا هم‌طایفه‌ای‌ها می‌شده است. بنابراین، ربودن اموال متعلق به بیگانه، یا ربودن اموال قبیله مجاور، سرقت

۱. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیپاچه در: پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵؛ رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره جرم‌شناسی سایبری «گفتگو»، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۳۶، شهریور ۱۳۸۸، ص ۷ و بعد؛ ویلیامز، ماتیو، بزهکاری مجازی: بزه، انحراف و مقررات‌گذاری بر خط، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱؛ جیشانکار، کی «ویراستار»، جرم‌شناسی فضای مجازی: کشف جرایم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴؛ ابوذری، مهرانوش، جرم‌شناسی جرایم سایبری، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵؛ عالی‌پور، حسن، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵؛ سالاری، مهدی، حقوق کیفری اختصاصی: سرقت تعزیری و رایانه‌ای «حاوی مباحث استدلالی، حقوقی و فقهی»، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۲. رک: آلبنیز، جی اس، سرقت و کلاهبرداری مالکیت فکری، ترجمه و تحقیق: حمیدرضا دانش‌ناری و سید امین روح‌الامینی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳؛ الستی، ساناز، حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری (در ایران و بررسی تطبیقی آن با آمریکا و قراردادهای بین‌المللی)، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۶.

محسوب نمی‌شده است، بلکه نوعی مهارت، لیاقت و دلیل بر شهامت مرتکب بوده و گاه در برخی جوامع، ارتکاب سرقت برای پسران و جوانان، نوعی آزمون برای ورود به جامعه و شرط کُنشگر اجتماعی شدن و به عبارتی "مرد شدن" تلقی می‌شده است.

امروزه جرایم چندی، همان‌طور که گفتیم، وارد قلمرو حقوق کیفری شده‌اند که حاکی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر است. در گذشته قتل، با توجه به موقعیت و مقام بزه‌دیده، عنوان خاصی داشته است؛ مانند شاه‌کشی، پدرکشی، مادرکشی، فرزندکشی و... این وصف‌گذاری مستقل برای تأکید بر حمایت حقوق کیفری از آن بزه‌دیده خاص به لحاظ موقعیت اجتماعی و معنوی او بوده است؛ ولی، امروزه، این وصف‌گذاری کیفری منتفی است؛ صرف حق حیات یک ارزش مشترک بشری است و نه جایگاه اجتماعی و معنوی شخص. بنابراین، قانونگذار سلب حیات را با عنوان قتل، جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌کند. در مقابل، مطالعات تاریخی جرایم نشان می‌دهد که جادوگری همواره جرم بوده و کیفر مرگ داشته است، یعنی به‌رغم گذر زمان و تحولات پیش گفته، این عمل از نظر اجتماعی - اعتقادی ناپسند تلقی می‌شده است. شایان ذکر است که در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «سحر و جادو» در کنار «بدعت»، به عنوان مصادیق جرایم حدی پیش‌بینی شده بود.

مطالعات تاریخی حقوق کیفری نشان می‌دهد که سحر و جادو و ساحران و جادوگران به دو گونه سیاه و سفید تقسیم می‌شدند. جادوگری سفید برای خوشبختی و کامیابی دیگری صورت می‌گرفته است که این نوع ساحری معمولاً واجد وصف مجرمانه نبوده و آن را امری ایجابی و مثبت تلقی می‌کردند. ولی، زمانی که هدف سحر و جادو، بدبختی و نابودی دیگری بوده، جادوگری سیاه نام داشته که نوعاً کیفر سلب‌کننده حیات را به دنبال داشته است. آنچه مهم است عبارت از این است که، چنین عملی در طول تاریخ از نظر عرفی و مذهبی همواره موضوع جرم‌انگاری بوده است.

به این ترتیب، مطالعات تاریخی جرایم از یک سو، ثبات و استمرار بعضی جرایم مانند قتل را نمایانگر می‌کند و از سوی دیگر، نوع مصلحت و ارزش سیاسی، اقتصادی، دینی و... را که مورد حمایت حقوق کیفری است، مشخص می‌کند و سرانجام، نسبی بودن پاره‌ای جرایم را در طول تاریخ نشان می‌دهد.

۲.۲. ضمانت اجراها

مقوله مهم دیگر در حقوق کیفری، ضمانت اجراهای آن است. ضمانت اجرا در حقوق کیفری جنبه قهرآمیز دارد، به طوری که موضوع آن، تنبیه بدنی انسان، دارایی او، آزادی یا حیات و سایر حق‌های او است مانند کیفر سلب کننده حیات، کیفر سلب و محدود کننده آزادی، شلاق، کیفر مالی، سلب حق یا حقوق مدنی و سیاسی؛ شدیدترین و قهرآمیزترین ضمانت اجراها، در حقوق کیفری پیش‌بینی می‌شود، به طوری که رشته‌های دیگر حقوق نیز به مناسبت، از ضمانت اجرای کیفری استفاده می‌کنند (مانند ترک نفقه در حقوق مدنی و ورشکستگی در حقوق بازرگانی).

به این ترتیب، ضمانت اجراهای کیفری یعنی امروزه مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، وجه تشخیص حقوق کیفری نسبت به سایر رشته‌های حقوق است. حال سؤال این است که آیا مجازات‌ها در طول تاریخ حقوق کیفری متحول بوده یا ثابت؟ در حوزه جرایم، همان طور که قبلاً هم گفته شد، همواره تعدادی از بزه‌ها به عنوان هسته اصلی حقوق کیفری اختصاصی موضوعیت دارند. اعمالی همچون قتل، ضرب و جرح و تجاوز جنسی از جمله بزه‌های کیفری هستند که همواره با خصیصه مجرمانه پیوند و قرابت دارند، چنان‌که قانونگذار امروزی نیز نمی‌تواند این پدیده‌ها را از دایره جرم‌انگاری خارج سازد؛ زیرا، مالکیت، حیات و تمامیت معنوی - اخلاقی انسان و انسانیت همواره محترم است و بحث جرم‌زدایی از آنها منتفی است. در کنار این «جرایم تاریخی» و به تعبیر جرم‌شناسان، «جرایم طبیعی»، جرایم جدیدی، به لحاظ ظهور ارزش‌های جدید که گاه عنوان «جرایم قراردادی» یا به تعبیر جرم‌شناسان «جرایم ساختگی» نام‌گذاری شده،

به حقوق کیفری اختصاصی اضافه شده است. بدین سان، در حوزه جرایم ثبات، استمرار و در عین حال نسبت مطرح است.

اما در خصوص پایداری و ثبات کیفرها در تاریخ حقوق کیفری، باید گفت که براساس مطالعات، کیفرها بیش از آن که موضوعیت داشته باشند، طریقت داشته‌اند، یعنی مجازات در طول تاریخ حقوق کیفری وجود داشته، اما گونه و میزان آن متغیر بوده است. بدین سان، مجازاتها همواره در حال تحول بودند، به طوری که امروزه - به عنوان مثال - به جای کیفر سلب کننده حیات که به موجب آمار عفو بین‌المللی^۱ در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، تعداد یکصد و چهل کشور آن را قانوناً یا عملاً از زرادخانه کیفری خود حذف کرده‌اند، حبس جایگزین شده است. طریقت داشتن مجازاتها به این معنا است، که کیفر همواره لازم است، لکن نوع و میزان آن بسته به زمان و مکان متغیر است، چنان که کیفر سالب آزادی که در مقایسه با اعدام، جدید است، گاه به عنوان جایگزین کیفر مرگ و گاه به عنوان کیفر مستقل پیش بینی می‌شود. اعدام در مقررات بین‌النهرین باستان نیز وجود داشته، اما سلب آزادی به معنای کیفر، به طور خاص در زرادخانه کیفری باستان موضوعیت نداشته و عمدتاً از حدود دو سده پیش به عنوان مجازات وارد حقوق کیفری شده است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کیفرهای اجتماعی مانند خدمات عمومی به عنوان جایگزین حبس موضوعیت یافته است؛ اما، سؤال این است که آیا خدمات عمومی (عام‌المنفعه) به عنوان جایگزین زندان، کیفر سده بیست و یکم به شمار می‌آید یا این که در طول تاریخ شکلی از خدمات عمومی به عنوان ضمانت اجرای کیفری وجود داشته است؟ بدین سان، مطالعات تاریخی این امکان را فراهم می‌سازد تا به تبارشناسی کیفرها و به طور کلی، انواع آنها، کارکردهای آنها و... ضمانت اجرای کیفری بپردازیم.

1. Amnesty International.

مطالعات تاریخی حقوق کیفری نشان می‌دهد^۱ که خدمات عمومی یا کار به نفع جامعه در گذشته تحت عنوان بیگاری یا *اعمال شاقه* مطرح بوده است.^۲ به عنوان مثال، در برهه‌هایی از تاریخ، تجارت دریایی، حفر معادن یا فتح و آباد کردن مستعمرات با نیروی بازوی محکومان کیفری صورت می‌گرفته است؛ زیرا، عمده پاروزنان کشتی‌های تجاری را مجرمان تشکیل می‌دادند. از نیروی بازوی مجرمان به سود جامعه و دولت بهره‌برداری اقتصادی می‌شده است، چنان‌که حفر کان‌ها و استخراج مواد کانی با استفاده از نیروی بازوی محکومان انجام می‌شده است. کار رایگان "اجباری" به نفع جامعه و نهادهای عمومی به عنوان ضمانت اجرا مرسوم بوده است.

به این ترتیب، در بحث ضمانت اجرای کیفری آن‌چه واجد اهمیت است، اینکه مجازاتها به چه نحو تغییر شکل داده‌اند، علت تغییر چه بوده است؟ آیا تناسب میان جرم و مجازات و انسانی بودن مجازاتها همواره رعایت می‌شده است؟ آیا مجازاتها، علاوه بر کارکرد سزادهی، کارکردهای بازدارندگی و اصلاحی - درمانی بزهکار را نیز لحاظ می‌کرده است؟

امروزه اصل شخصی بودن مجازاتها در نظام عدالت کیفری موضوعیت پیدا کرده است. برپایه این اصل، شخصی که مرتکب جرم شده است باید خود متحمل مجازات گردد و نه دیگری؛ نکته مهمتر آن‌که، هدف از اجرای مجازاتها در گذشته عمدتاً سزادهی بوده است؛ اما، سؤال این است که عذاب و رنج کیفری لزوماً جنبه جسمانی با اعمال و اجرای شلاق و قطع عضو داشته یا آن‌که در قالب ضمانت‌اجراهای ترمیمی یا جبران خسارت بزه‌دیده نیز نمود پیدا می‌کرده است؟ متهم، به عنوان مثال محکوم می‌شود به اینکه، به جای حبس و یا شلاق، به مدت دو ماه، خدمات عمومی رایگان به

۱. برای مطالعه بیشتر رک به: سلیمانی، حسین، *مطالعه تاریخی - کیفرشناختی کیفرهای بدنی*، رساله دکتری حقوق

کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مهرماه ۱۳۹۳.

۲. برای مطالعه بیشتر رک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *کیفرهای جامعه‌مدار دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی،*

ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.

قرار ۲۰ ساعت در هفته در یک سازمان یا نهاد عمومی ارائه دهد. آیا این مجازات نیز رنج و عذاب به دنبال دارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که خدمات عمومی رایگان، در مقایسه با کیفر مرگ یا شلاق یا قطع عضو، آن رنج و فشار را برای مرتکب ندارد؛ ولی، از آنجایی که این ضمانت اجرا، به مرتکب تحمیل می‌شود، برای او محدودیت‌آور و بنابراین عذاب‌آور است؛ در اینجا نوع عذاب‌آوری و رنج دادن، بدین‌سان، تغییر ماهیت داده است.

از جمله مجازاتهای معمول حقوق کیفری تاریخی، به عنوان نمونه، این بوده که مرتکب قتل محکوم می‌شد با بیوه مقتول ازدواج کند و در واقع خانواده مقتول را تا آخر عمر سرپرستی، تأمین و اداره کند. این پاسخ، در ظاهر امر سزادهنده و رنج‌آور نیست؛ اما، در حقیقت یک تکلیف تحمیلی است؛ زیرا، قاتل مکلف می‌شد از خانواده‌ای که در اثر جرم قتل بی‌سرپرست شده تا پایان عمر، نگهداری کند. بنابراین، مجازاتها از نظر شکل و محتوا و میزان رنج و فشار و محدودیت اشکال گوناگونی به خود گرفته است که مطالعات تاریخی ضمانت اجراها این جنبه‌ها - به عنوان مثال، بدن مرتکب، آزادی مرتکب، دارایی مرتکب یا ترکیبی از آنها و نیز میزان هریک و چگونگی اجرای هریک از آنها - را آشکار می‌سازد.

۳.۲. مسئولیت کیفری

با مطالعه تاریخی برخی مقررات حقوقی باستان مانند مقررات یونان، مشاهده می‌شود که در سده هفتم پیش از میلاد، به ابتکار دراکن^۱، سردار آتنی (یونان) که مقررات زیادی نیز وضع کرد، حیوانات یا اشیاء متهم یا مسبب قتل یا جرح انسان محاکمه می‌شدند؛ در مقاطعی از تاریخ حقوق کیفری، کودکان و نوجوانان و دیوانگان نیز دارای مسئولیت کیفری بودند؛ به عبارت دیگر، در کنار انسان‌های بالغ و عاقل، تابعان یا سوژه‌های حقوق کیفری محسوب می‌شدند؛ به این معنا که اگر شاخه درختی در اثر وزش باد بر فردی

1. Dracon.

آسیب وارد می‌ساخت، آن شاخه را محاکمه و محکوم می‌کردند، چنان‌که حیوانات نیز به نوعی مسئولیت کیفری داشتند.

ناگفته پیداست که امروزه این قبیل مسئولیت‌ها موضوعاً منتفی است. اما مسئولیت کیفری/اشخاص حقوقی که اخیراً وارد حقوق کیفری ایران شده است در واقع موجب ورود اشخاص حقوقی به حقوق کیفری شده است که قصد و نیت نمی‌توانند داشته باشند و بنابراین قابلیت انتساب عمل مجرمانه به چنین اشخاصی از نظر ارکان سستی مسئولیت کیفری قابل تصور نیست؛ ولی اغلب قانونگذاران این مقوله را به لحاظ حضور و شرکت گسترده این اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و زندگی امروزی، به طور قراردادی پذیرفته‌اند. حقوق کیفری به موازات پذیرش این نهاد جدید، ناگزیر کیفرهای خاص/اشخاص حقوقی را نیز پیش بینی و تعریف کرد که از یک‌سو، تحولات مسئولیت کیفری و از سوی دیگر، تحولات مجازاتها و تولد کیفرشناسی/اشخاص حقوقی را نشان می‌دهد. نکته مهم دیگر در مطالعه تاریخی این که آیا شخصی/فردی بودن مسئولیت کیفری در مقررات کیفری، همواره پیش‌بینی و رعایت می‌شده است؟

۴.۲. آیین دادرسی کیفری

مطالعات آیین دادرسی کیفری، تشریفات دادرسی، سازمان و تشکیلات قضایی در تاریخ، نسبت به حقوق کیفری ماهوی روی هم رفته کمتر انجام شده است.^۱ به گواهی تاریخ، تشریفات دادرسی پیچیده نبود و ادله اثبات جرم همیشه عقلانی نبودند، بلکه سده‌ها در کنار ادله اصطلاحاً عقلانی یعنی اقرار، گواهی و سوگند، از دلیل دیگری با عنوان *اوردالی* یا *اوردالیا* یا به تعبیر فارسی *آزمایش ایزدی* استفاده می‌شده است.

۱. رک: لنگی، آندره و لوبیگر، آرلت، تاریخ آیین دادرسی جنایی، ترجمه و تألیف: محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵؛ آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، تهران، جلد اول، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، ۱۳۹۵.

امروزه در ادله کیفری، شاکی و به تعبیر فنی بزه‌دیده و دادستان باید براساس مدارک، شواهد و ادله مجرمیت متهم را اثبات کند؛ ولی، در اوردالی، فرد متهم شده، عموماً خود باید با شرکت در یک آزمون روی هم‌رفته سخت، بیگناهی خود را به منصفه ظهور بگذارد. به عبارت دیگر، بار اثبات دلیل از دوش بزه‌دیده (شاکی) بر عهده خود متهم گذاشته می‌شود، مانند عبور از حلقه آتش یا نوشیدن آب جوش یا غوطه‌ور کردن دست در سطل یا تشت آب جوش و برداشتن سکه از کف آن و... .

عده‌ای از تاریخ‌دانان حقوق کیفری بر این عقیده‌اند که به‌رغم روشن بودن نتیجه چنین آزمون‌ها یا مسابقتی، این آزمایش تابع نوعی عقلانیت بوده است. هدف در واقع آن بوده است که فرد متهم شده، با تعیین نوع اوردالی یا آزمایش توسط دادگاه و نیز شدت و سختی آن آزمون، خود به ارتکاب عمل خود قبل از شرکت در آزمون و اجرای اوردالی، اقرار نماید. در واقع، تهدید اوردالی، خود، متهم را وادار می‌کرده است که واقعیت را بگوید. عقیده دیگر درباره اوردالی آن بود که وقتی قاضی، با فقدان ادله عقلانی مانند اقرار، سوگند و گواهی روبه‌رو بوده، ولی خود با راه‌های مختلف علم حاصل می‌کرده است که فرد متهم، مجرم است یا مجرم نیست، برای مستند کردن حکم خود، به آن نوع اوردالی متوسل می‌شده که نتیجه آن، همانا شکست یا پیروزی متهم در آزمون بوده و در نتیجه، براءت یا مجرمیت او ثابت می‌شده است؛ از این‌رو، نوع اوردالی، زمان و مکان اجرای آن تابع نظر قاضی و نوع حکمی بود که می‌خواسته صادر کند (براءت، مجرمیت - محکومیت کیفری).

بررسی نوع سوگند، شیوه اتیان سوگند، انواع شهادت، چگونگی ادای شهادت، تعداد شاهدان، اقرار و انواع آن و نحوه اقرار نیز در مطالعات تاریخ آیین دادرسی کیفری مهم است. ناگفته پیداست که مطالعه تشکیلات قضایی، شرایط قضاوت و پلیس نیز در تاریخ حقوق کیفری موضوعیت دارد. بدین‌سان، مطالعات تاریخ حقوق کیفری می‌تواند منشاء نهادهای حقوق کیفری، کارکردهای حقوقی - اجتماعی آنها و همزمان ثبات،

استمرار و یا تحول آنها را برای ما روشن کند و همچنین، اجازه می‌دهد در صورت وجود ابهام در نهادهای حقوق کیفری امروزی با مطالعات تاریخی و منشاء تاریخی آنها از نظر زمان و مکان، گونه و چگونگی اجرا و... ابهام را رفع نمایم.

فصل سوم: خاستگاه کنترل اجتماعی جرم

اصولاً سؤال این است که منشاء و چگونگی کنترل جرم در طول تاریخ حقوق کیفری چگونه بوده است؟ تحولات چگونگی کنترل جرم یا مقابله با بزهکاری چیست؟ چگونه بشر اجتماعی در آغاز، اعمال خلاف عُرف و مقررات اجتماعی را مجازات کرده؟ اهمیت این سؤال از آن جهت است که در همه جوامع همواره درصدی از اعضا با ارتکاب جرم، خلاف مقررات و لوازم همزیستی مشترک عمل می‌کنند. زمانی که جامعه دچار بحران‌های اجتماعی و اقتصادی شود، بر تعداد چنین اعضای افزوده می‌شود. حال باید دید تحولات حقوق کیفری از نظر تاریخی در برخورد با این اعضا چگونه بوده است؟

۱.۳. انتقام‌گیری خصوصی

اولین مرحله مقابله با جرم یا کنترل جرم معمولاً و عموماً، انتقام‌گیری خصوصی است. انتقام بزه‌دیده باید از بزهکار ستانده شود؛ ولی، این انتقام‌گیری اصول‌مند و ضابطه‌مند نبوده است. چه بسا به عنوان انتقام‌گیری از بزهکار، اقدام‌هایی فراتر از جرم ارتكابی نسبت به او صورت می‌پذیرفت و آثاری فراتر از پیامدهای جرم ارتكابی مرتکب ایجاد می‌کرد. چنانچه بزه‌دیده خود قادر به انتقام‌جویی از بزهکار نبود و یا به قتل رسیده بود، بستگان او، به عنوان یک تکلیف قبیله‌ای و خانوادگی، باید این کار را می‌کردند؛ جامعه محلی که عبارت از خویشان و اولیاء بزه‌دیده بودند، تکلیف داشتند تا جرم ارتكابی را بدون پاسخ نگذارند.

بنابراین، در دوره انتقام‌جویی از بزه‌کار، بحث تناسب میان جرم ارتكابی و انتقام‌جویی (پاسخ‌دهی) اغلب اوقات رعایت نمی‌شده و گاه این پاسخ‌دهی انتقام‌جویانه به جرم توسط بزه‌دیده، منجر به کارزار میان دو طایفه، قبیله یا دو خانواده می‌شد که خود، انتقام‌جویی متقابل را بر می‌انگیخته است. به دیگر سخن، انتقام‌جویی از یک جرم توسط بزه‌دیده یا قبیله او به انتقام‌جویی متقابل توسط بزه‌کار یا طایفه، قبیله یا خانواده او می‌انجامیده و بدین‌سان، *دور بی وقفه خشونت* پدیدار می‌گشته، چنان که گاه نابودی دو خانواده یا طایفه و قبیله را سبب می‌شده است.

هر انتقام‌جویی، کینه و مطالبات جدیدی را پدیدار می‌ساخت که در پرتو این تسلسل انتقام‌جویی در جوامع انسانی و استمرار آن، گاه اضمحلال جوامع و جنگ‌های داخلی، نتیجه آن بود. در این کارزار انتقام‌جویانه میان قبایل، عده‌ای با داعیه حمایت از بزه‌دیده و دسته‌ای با هدف پشتیبانی از بزه‌کار بقاء جامعه را تهدید می‌کردند. البته بعضی انسان‌شناسان حقوقی عقیده دارند که در انتقام‌جویی نیز اصولی به طور ضمنی (نا نوشته) رعایت می‌شده است. به عنوان مثال، نوع رابطه میان بزه‌کار و بزه‌دیده - رابطه نسبی، خویشی - در انتقام‌جویی یا عدم انتقام‌جویی نقش داشته است.^۱

۲.۳. مراحل تدریجی انتقام خصوصی

در تحولات بعدی کنترل اجتماعی جرم،^۲ تعدیل انتقام‌جویی مطرح می‌شود. کیفیت انتقام‌جویی و سازوکار اجرای آن باید به گونه‌ای می‌شد که در حدود و چهارچوب جرم

۱. رولان، نوربر، انتقام‌جویی، کفر و تکامل؛ رویکرد انسان‌شناختی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص کنترل اجتماعی جرم ر.ک به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی «سیاست کیفری عمل‌گرا - عوام‌گرا»، تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهیه و تنظیم: زینب باقری نژاد، سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹ در: ابراهیمی،

ارتكبابی و متناسب با آن صورت می‌گرفت، به طوری كه افراد دیگر را تحريك نکنند و منجر به يك كارزار بين خانوادگی و طایفه‌ای نشود. به عبارت دیگر، باید تدابیری اندیشیده می‌شد كه انتقامجویی هدایت شود و خشونتى كه بنا است بر مجرم، به عنوان پاسخ به جرم، وارد شود، سامان‌دهی و متوازن با بزه ارتكبابی باشد.

- نخستین تدبیری كه برای تعدیل انتقامجویی، به عنوان پاسخ به بزه، اندیشیده شد، این بود كه جامعه برای بزه‌دیدگان مهلتی تعیین كرد كه فقط طی آن مهلت مقرر، امکان پاسخ‌دهی انتقامجویانه نسبت به مرتكب بزه وجود داشته باشد. از این‌رو، پس از انقضاء مدت مقرر، بزه‌دیده یا خانواده او فرصت و حق انتقامجویی را از دست می‌دهند؛ بدین صورت است كه به نوعی، نهاد مرور زمان ظهور می‌كند و نخستین جلوه هدایت و تعدیل انتقامجویی كه منتهی به كاستن از میزان خشونت‌ها می‌شود، شكل می‌گیرد.

به این ترتیب، اگر بزه‌دیده یا اولیاء او در فرصت تعیین شده، نسبت به پاسخگویی به بزه ارتكبابی اقدام نکنند، انتقامجویی، دیگر منتفی است و چنانچه به این اقدام مبادرت ورزند، در واقع، مرتكب رفتار مجرمانه شده‌اند. بنابراین، مرور زمان یعنی حق مجرم بر فراموش شدن و حق جامعه بر فراموش كردن جرم، با گذر زمان موجب زدودن تسلسل خشونت و خشونت متقابل می‌شود. مرتكب حق دارد كه پس از گذشت مدتی فراموش شود، بتواند دوباره در جامعه زیست و كار كند و گذشته مجرمانه او فراموش شود.

- اما گام دوم برای مهار خشونت و كارزار ناشی از اجرای حق انتقامجویی میان اولیاء بزه‌دیده و بزهكار و خانواده او، این بود كه برای بعضی جرایم، بزهكار مكلف شود كه به بزه‌دیده مال یا پول مسترد و تأدیه نماید كه نوعی دیه بود. بنابراین، می‌توان گفت كه رد مال یا پول به بزه‌دیده جای انتقامجویی را می‌گرفته است كه جلوه‌ای دیگر از مهار خشونت انتقامجویانه به شمار می‌آید؛ زیرا، تكلیف رد مال به بزه‌دیده توسط

بزهکار باعث می‌شود که رابطه خشونت‌آمیز ناشی از ارتکاب جرم به رابطه مبادله و تبادل تبدیل شود؛ زیرا، بزه‌دیده یا اولیاء یا خانواده او با بزهکار یا خانواده او در مواردی می‌توانستند بر سر نوع مال، میزان یا مبلغ پول گفتگو کنند (به نوعی، عدالت ترمیمی).

- در گام بعدی، جوامع برای پیشگیری از ورود مشکلات در فرآیند توافق بین بزه‌دیده و بزهکار درباره مبلغ یا میزان یا نوع شیء یا مال یا پول، نوع و مقدار آنها را از پیش تعیین می‌کردند (مقدر)، به گونه‌ای که طرفین جرم باید از مقررات مربوط پیروی کنند. ولی در جرایمی که تمامی جامعه جریحه‌دار گشته و آسیب می‌بیند و بزه‌دیده جرم، به عبارتی نظم عمومی و جامعه است مانند توهین به مقدسات، خیانت به کشور و توهین به مقام سلطنت، ضمانت اجرای عمومی که همان کیفر باشد برای دفاع از جامعه و حاکمیت، پیش بینی و اعمال می‌شده است. بدین‌سان، در این مرحله است که مجازات در معنای عمومی آن مطرح می‌شود.

در *قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲* همه جرایم، مجازات به معنای حقوقی واژه ندارند، لیکن دارای ضمانت اجرا هستند؛ ولی، این ضمانت اجرا لزوماً مجازات نیست. به عنوان مثال، در قتل عمد قانونگذار ضمانت اجرایی به نام *قصاص نفس* پیش‌بینی کرده است. *قصاص نفس* مجازات نیست، زیرا، *قصاص نفس*، پاسخ اولیاء دم - که جزء جامعه مدنی هستند - به قاتل است (البته با مداخله و نظارت دستگاه قضایی) و نه پاسخ جامعه و حاکمیت. در حالی که، به عنوان مثال، برای توهین به مقدسات دینی یا تجاوز جنسی یا کلاهبرداری، انواع مجازات پیش‌بینی شده است که به نام جامعه و برای حفظ نظم عمومی اعمال می‌شود. در جرم قتل، چنانچه اولیاء دم از پاسخ خود به مرتکب منصرف شوند، ضمانت اجرای قتل یعنی *قصاص ساقط* می‌شود.^۱ اما در جرایمی که بزه‌دیده آن

۱. البته قانونگذار در این موارد، مطابق برخی مواد مانند ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) مقرر کرده است: وقتی که *قصاص نفس ساقط* شود، به قاضی اجازه داده تا مرتکب را به سه الی ده سال حبس محکوم کند که خود یک مجازات عمومی است.

جامعه، اخلاقیات، باورهای اجتماعی و اعتبار بین‌المللی یا امنیت^۱ کشور است، مجازات عمومی معنا پیدا می‌کند.

پاسخ اولیاء دم به قتل یا ضرب و جرح ← از گونهٔ جامعی، در قالب قصاص یا دیه

و

پاسخ جامعه به جرم ← از نوع دولتی، در قالب کیفرهای سلب حیات، سلب آزادی، جریمه و...

مجازات ضمانت اجرایی است که به نام جامعه و برای جامعه علیه بزهکار اعمال می‌شود. چنان‌که بزه‌دیده و شاکی از آثار آن مستقیماً بهره‌ای نمی‌برد، مانند کیفر سلب آزادی. بنابراین در این معنا دیه، دیگر مجازات نیست، لیکن جریمه یک کیفر است (کیفر نقدی).

- شیوهٔ تعقیب مرتکبان آن دسته از جرایمی که بزه‌دیدهٔ آنها اشخاص حقیقی بودند، به اختیار و ابتکار بزه‌دیده / شاکی بوده، به این معنا که با متهم کردن شخصی، خود باید دلایل مجرمیت او را ارائه می‌کرد که روش اتهامی نام گرفت.

- آن دسته از جرایمی که بزه‌دیدهٔ آن جامعه، باورها، اعتقادات و اخلاقیات مردم به عنوان یک کل بوده یعنی جنبهٔ عمومی داشته با نظام تفتیشی، تعقیب و محاکمه شده است.

تاریخ‌دانان حقوق، روش اتهامی را به دوئیل یا کارزار قضایی تشبیه کرده‌اند، به این معنا که اتهام‌زننده (شاکی) و فرد متهم شده دلایلی که خود و علیه یکدیگر در برابر مقام قضایی مطرح می‌کنند. قاضی و هیأت منصفه اظهارات طرفین را استماع می‌نمایند و سپس به صدور حکم مبادرت می‌ورزند. چنان‌که دادگاه‌های متشکل از هیأت منصفه در عصر نوین نیز بر این اساس رسیدگی می‌کنند: از یک‌سو، شاکی و دادستان ادعاها و

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص تأمین امنیت رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حق بر تأمین تا حق بر امنیت، دیپاچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۰ و بعد.

اتهامات را مطرح می‌کنند و از سوی دیگر، متهم دفاعیات خود را بیان می‌کند و در نهایت هیأت منصفه، مجرمیت یا برائت را اعلام می‌کند و دادگاه (قاضی) تصمیم کیفری می‌گیرد (کیفرگزینی - کیفردهی).

با گذر زمان، روش مختلط دادرسی پدیدار گشت، مرحله تحقیق و تعقیب از مرحله دادگاه، رسیدگی ماهوی یعنی قضاوت، تفکیک شد و با ایجاد دادرسی، روش تفتیشی در مرحله تحقیقات به کار گرفته شد.

فصل چهارم: مقررات کیفری قانون نامه حمورابی

قانون یا قانون‌نامه حمورابی مشتمل بر ۲۸۲ ماده^۱ است که بدون تفکیک موضوعی مقررات از یکدیگر در کنار هم آورده شده است. در این قانون، علاوه بر موارد خاص کیفری، تعدادی از مواد مربوط به مقررات مدنی، بازرگانی، کشاورزی و... است.^۲ بنابراین، قانون حمورابی صرفاً کیفری نیست، بلکه تنها حدود یک سوم مواد آن واجد خصیصه کیفری است که در میان سایر مواد و بدون نظم خاصی از منظر ماهیت، توزیع و انشاء شده است.

به تعبیر پاره‌ای تاریخ‌دانان حقوق، ۲۸۲ ماده قانون حمورابی شامل احکامی می‌شود که حمورابی در مقام رسیدگی به دعاوی، با رعایت عدالت و در اجرای مأموریتی که خداوند آفتاب به وی، به عنوان پادشاه، سپرده بود، صادر کرده است. عده‌ای دیگر معتقدند که این موارد در واقع، مکتوبِ عُرفِ شبه قضایی حاکم در زمان قوم آموریت که حمورابی پادشاه آن بوده است، می‌باشد و عیناً توسط کاتبان دربار حمورابی ثبت شده است؛ سرانجام، برخی تاریخ‌دانان حقوق اعتقاد دارند که قانون‌نامه حمورابی اعتبار

۱. گفتنی است که متن مواد یا بندهای ۶۶ تا ۹۹ مخدوش و پاک شده است.

۲. به عنوان مثال در ماده ۴۵ قانون‌نامه حمورابی آمده است که: اگر کسی مزرعه‌اش را به یک کشاورز اجاره دهد، و اجاره مزرعه‌اش را دریافت کند، و سپس ادد (خداوند طوفان) مزرعه را نابود کند یا سیلابی محصول را (بشوید و) ببرد، خسارت به عهده کشاورز است.

حقوقی نداشته، بلکه بیشتر ارزش ادبی دارد، یعنی کاتبان دربار عُرف و آداب و رسوم قضایی جاری میان مردم یعنی فرهنگ شبه قضایی را با نثر زیبا مکتوب می‌کردند و با کاتبان دربارهای دیگر به نوعی مسابقه ادبی می‌دادند. به هر حال مقررات قانون‌نامه حمورابی، فرهنگ حقوقی - قضایی عصر خود را معرفی می‌کند.

قانون‌نامه حمورابی، یک مقدمه، متن اصلی یعنی ۲۸۲ ماده قانونی و یک مؤخره دارد. در مقدمه این قانون، خداوند آفتاب یا منبع الهام مقررات، حمورابی و قوم آموریت را به اجرا و تبعیت از مقررات این قانون دعوت می‌کند و اعلام می‌دارد که صلاح، رستگاری و خوشبختی آن قوم در گرو رعایت این مقررات است. بخشی از مقررات جنبه ارشادی، اخباری و اخلاقی دارد، یعنی ضمانت اجرا ندارد. در این قانون، علاوه بر مقررات ماهوی تعدادی از مواد جنبه شکلی یعنی آیین دادرسی و به مراجع رسیدگی اختصاص دارد.

قانون حمورابی بر ستونی سنگی نقش بسته بود که باستان‌شناسان فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم - اواخر سال‌های ۱۸۰۰ و اوایل سال‌های ۱۹۰۰ میلادی - در شوش، جنوب غربی ایران، از دل خاک استخراج کردند. تا پیش از کشف و ترجمه متن این قانون‌نامه، مورخین حقوق، به ویژه تاریخ‌دانان غربی، توگد تمدن حقوقی را در یونان و روم باستان، یعنی خاور، اعلام می‌کردند؛ زیرا، همان گونه که در جلسات قبل هم گفته شد، از وجود این قانون‌نامه و لوح‌های دیگری که به تدریج تا اواسط سده بیستم در منطقه بین‌النهرین کشف و ترجمه شد اطلاعی نداشتند.

لوح حاوی مقررات در خاور (شرق) باستان یعنی در عراق، جنوب ترکیه و غرب و جنوب غربی ایران جملگی - همان‌طور که در جلسات قبل هم اشاره شد - در نیمه نخست قرن بیستم، با تلاش باستان‌شناسان فرانسوی، آلمانی و تا میزانی ترک شناسایی شدند. لوح سنگی حاوی مقررات حمورابی بیش از ۲/۵ متر طول و ۱/۵ متر عرض دارد

و اصل این سنگ نوشته هم اکنون در موزه لوور پاریس و بدل آن در موزه ملی ایران باستان به نمایش گذاشته شده است.

حمورابی چهل و دو سال سلطنت کرد و این قانون در بیست و دو سال آخر سلطنت او به تدریج تنظیم شده است. قانون نامه (Code) یا قانون حمورابی در میان قانون نامه های باستانی از جمله مفصل ترین آنها است و منبع الهام و اقتباس قانون نامه های دیگر در بین النهرین محسوب می شود. (قانون نامه هیتی ها که به نوبه خود نیز قانون مفصلی به شمار می آید از ۲۰۰ ماده یا بند تشکیل شده است). در بالای لوح سنگی ای که مقررات حمورابی بر آن نقش بسته شده، تصویر موجودی مشاهده می شود - ظاهراً خداوند آفتاب - که در حال اعطاء یک لوح به شخصی زانو زده که ظاهراً حمورابی است.

قوم عاموریت یا آموریت، قومی که تحت حکومت حمورابی زندگی می کردند، جامعه ای طبقاتی را تشکیل می دادند و بر حسب اینکه افراد به کدام طبقه تعلق داشتند از حقوق متفاوتی برخوردار بودند. مانند طبقه بردگان که در گذشته انسان به شمار نمی آمدند، بلکه به اندازه یک مال ارزش داشتند و جزء میراث مالی متوفی به شمار می آمدند. از این رو، از منظر حقوقی برده شبیه انسان بوده و نه خود انسان و از حقوق انسانی برخوردار نبود.

بدین سان، در مقررات قانون نامه حمورابی، هرگاه مرتکب یا بزه دیده، برده، غلام یا کنیز بود از حقوق متفاوتی نسبت به اعضاء طبقات دیگر جامعه برخوردار بود. به این ترتیب، بردگان یا کنیزان جزء اموال مولای خود محسوب می شدند و در صورتی که برده ای یکی از برده های شخص دیگری را به قتل می رساند، صاحب برده قاتل باید یک برده به صاحب برده مقتول مسترد می کرد. بدین سان، اصل تساوی در برابر قوانین کیفری - مجازات - رعایت نمی شده است. باید اشاره کرد که فرزندان بردگان اعم از کنیز و غلام نیز برده زاده می شدند. بنابراین، بردگی ارثی بوده و تحت شرایطی، به عنوان

یک امتیاز یا پاداش، گاه از طبقه بردگان خارج و آزاد می‌شده و به فردی آزاد تبدیل می‌شده است و به طبقه مسکینو و اشراف - که دو طبقه دیگر در جامعه حمورابی بودند - راه می‌یافت و دارای امتیاز و اعتبار آن دو طبقه می‌شد.

یک طبقه در جامعه حمورابی، طبقه عملو (آملو) یا به تعبیر امروزی طبقه اشراف شامل روحانیون، درباریان یا صاحبان ثروت، مکنت و مال یا نظامی‌ها بوده که از حقوق ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. چنانچه فردی در این طبقه بزه‌دیده یا مرتکب بزه واقع می‌شد، اگر میان بزه‌دیده و مرتکب برابری در طبقه وجود داشت، حکم یکسان بوده، اما اگر یک برده، مال متعلق به طبقه عملو را به سرقت می‌برد، مجازات شدیدتری برای او لحاظ می‌شد. طبقه دیگر، مسکینو بوده، بین طبقه بردگان و طبقه اشراف^۱.

اکنون لازم است بررسی کنیم که آیا اصول حقوق کیفری امروزی در قانون‌نامه حمورابی مطرح بوده است؟ ناگفته پیداست - همان‌طور که پیشتر هم ذکر شد - برای سهولت در آموزش، مقررات کیفری باستانی را در پرتو این اصول کیفری امروزی مطالعه می‌کنیم، این اصول در مقررات کیفری باستان موضوعیت نداشته است.

۱.۴. تساوی در برابر مجازاتها

در مواد ۲۰۹ تا ۲۱۴ قانون حمورابی بیان شده بود که هرگاه شخصی مرتکب ضرب و جرح زن بارداری شود و آن زن جزء طبقه آزاد یا اشراف بوده و جنین او سقط شود مرتکب باید ده - ۱۰ - شِکِل «شِقِل» نقره به ولی‌دم بپردازد و چنانچه این ضرب و جرح موجب مرگ زن شود، مجازات مرگ برای او لحاظ می‌شود. حال اگر زن باردار، کنیز باشد و این صُور حادث شود، چنانچه مرتکب، فردی آزاد باشد باید دو شِکِل «شِقِل» نقره بپردازد و اگر کنیز فوت کند، مرتکب باید ثلث نقره را تأدیه نماید. بدین

۱. رک: آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، در: عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص به بعد؛ همچنین رک: بادامچی، حسین «مترجم»، قانون حمورابی، انتشارات نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.

سان، مجازات مرتکب، اعدام نخواهد بود. ماده ۲۱۸ قانون حمورابی مقرر می‌دارد: اگر پزشکی با چاقوی برنزی جراحی مهمی را روی یک اویلوم انجام دهد و باعث فوت آن اویلوم شود، یا با چاقوی برنزی شقیقه یک اویلوم را بشکافد و باعث کوری چشم آن اویلوم شود، آنها (قضات) دست او را قطع می‌کنند. براساس این ماده عضوی از اعضاء بدن مرتکب که مقصر است، یعنی دستی که باعث نابینایی شده، مجازات می‌شود. حال اگر پزشک برده‌ای را معالجه کند و برده فوت نماید، مسترد کردن یک برده به صاحب یا مولای آن برده، مجازات پزشک است؛ زیرا، برده مالیت داشته و بنابراین به جای قطع انگشتان پزشک، باید برده مسترد کند.

در قانون نامه حمورابی نوع مجازاتها، عمدتاً علیه بدن مرتکب بوده است، مجازاتهای سالب آزادی وجود نداشته و به ندرت جبران خسارت مطرح است. مجازاتها نیز ثابت بودند. حال آن‌که در حقوق کیفری مدرن، مجازاتها برای یک جرم - همان‌طور که در جلسات اول کلاس گفته شد - متنوع و دارای بیشینه و کمینه است. قانونگذار کیفرگذاری را برعهده دارد و کیفردهی یا کیفرگزینی برپایه مجازات‌های تعیین شده در قانون در اختیار قاضی است. مقابله به مثل، نوعی قصاص، در مقررات حمورابی پیش بینی شده است. به عنوان نمونه ماده ۲۰۰ قانون حمورابی مقرر کرده است که: اگر یک اویلوم دندان ایلومی دیگر را که هم‌رتبه او است بشکند، آنها (قضات) دندان او را خواهند شکست. یعنی به نوعی مقابله مثل انجام می‌شود.

۲.۴. شخصی بودن مجازاتها

در حقوق کیفری امروزی - همان‌طور که قبلاً هم گفته شد - دو موضوع مهم تحت عنوان‌های اصل شخصی بودن مجازاتها و اصل شخصی کردن مجازاتها وجود دارد. فردی یا شخصی کردن مجازات، یعنی تعیین و صدور "مجازات مناسب‌تر به حال متهم" به عنوان مثال، چند متهم به علت اتهام مشابهی محاکمه می‌شوند. قاضی می‌تواند در مرحله تعیین مجازات، برای یک متهم جریمه، دیگری، حبس و متهم دیگر تبعید و

برای آخری تعویق صدور حکم صادر کند. این اقدام قاضی، با توجه به جهات تخفیف و اوضاع و احوال جرم و ویژگی‌های مرتکب و گاه بزه‌دیده صورت می‌گیرد؛ ولی، به موجب اصل شخصی بودن کیفر، مرتکب جرم، خود باید رنج و عذاب مجازات را متحمل شود. از این‌رو، در حقوق ایران و در اوایل انقلاب، نهاد عاقله بحث‌های زیادی را در حوزه اصل شخصی بودن مجازات‌ها برانگیخت.^۱

به این ترتیب، اصل شخصی بودن مجازات‌ها و نیز اصل شخصی کردن کیفرها از دستاوردهای حقوق کیفری مدرن است که از منظرهای مختلف مانند حقوق بشر و جرم‌شناسی قابل بررسی است. ولی باید افزود، زمانی که بزه‌کار مجازات می‌شود، پیامدهای جانبی و غیرمستقیم برای خانواده و افراد تحت تکفل او، امری اجتناب‌ناپذیر است.

در قانون حمورابی در چند مورد اصل شخصی بودن نقض شده است، مانند موردی که به موجب ماده^{۲۳۰} چنانچه معماری خانه‌ای را بنا کند و آن خانه فرو بریزد، اگر فرزند صاحب‌خانه زیر آوار کشته شود، فرزند معمار به قتل می‌رسد و اگر مالک در اثر ریزش کشته می‌شد، شخص معمار کشته می‌شود یا در ماده^{۱۱۶} این قانون‌نامه آمده

۱. در این خصوص رک: زمانی فرد، مهرداد، استثنائات وارد بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۲؛ رک: حیدری، عباسعلی، نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۴؛ احمدی، ذکراالله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱؛ حسینجانی، بهمن و مظاهری تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹؛ و جباری، مصطفی، ضمان عاقله، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.

۲. به دلیل این که مواد ۲۲۹ و ۲۳۱ باید به همراه یکدیگر ذکر شوند، از این‌رو، هر سه ماده تبیین می‌شود. ماده^{۲۲۹} قانون حمورابی: اگر معمار برای کسی خانه‌ای بسازد اما کارش را خوب انجام ندهد، (پس) خانه‌ای که ساخته است فرو بریزد و باعث مرگ صاحب‌خانه شود، آن معمار کشته خواهد شد.

ماده^{۲۳۰} قانون حمورابی: اگر باعث مرگ پسر صاحب‌خانه شود، آن‌ها پسر معمار را خواهند کشت.

ماده^{۲۳۱} قانون حمورابی: اگر باعث مرگ برده صاحب‌خانه شود، برده‌ای مشابه آن برده به صاحب‌خانه خواهد داد.

است که: اگر گروگان در خانه گروگان‌گیرنده، در اثر ضرب و جرح یا سوء استفاده جسمانی فوت کند، ولی گروگان این امر را علیه تاجرش (منظور طلب‌کار) ثابت خواهد کرد، اگر قربانی پسر شخص بود، آن‌ها پسر وی را می‌کشند؛ اگر برده شخصی بود، ۲۰ شِقْل نقره خواهد پرداخت. در این ماده رفتار حقوقی متفاوت بر پایه تعلق طبقاتی افراد را نیز شاهد هستیم.^۱

۳.۴. قانونمندی

در تحولات جدید، اصل قانونمندی نه تنها در حوزه حقوق کیفری ماهوی، بلکه در حقوق کیفری شکلی یعنی آیین دادرسی کیفری نیز مورد توجه قانونگذاران واقع می‌شود. چنان‌که در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر این اصل تأکید شده است: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»^۲ در این ماده، در واقع، دو اصل قانونمندی و تساوی سلاح‌ها^۳ بیان شده است. فرآیند کیفری و تأسیس و کار مراجع و تشکیلات قضایی باید مبتنی بر قانون باشد تا اقدام‌های قضایی - شبه قضایی خودسرانه انجام نشود یا به موجب آیین نامه و بخشنامه، مرجع قضایی ایجاد نگردد.

۱. همچنین رک: مواد ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک: ساقیان، محمدمهدی و موسوی، سید پوریا، اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری؛ مفاهیم، مبانی و قلمرو، در: الفت، نعمت الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - مجموعه مقالات در یادنامه استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان‌نیا، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۶؛ موسوی، سید پوریا، مبانی و آثار حقوقی - جرم‌شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛ موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۹۵.

۳. در این خصوص رک: ساقیان، محمد مهدی، اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۰، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز ۱۳۸۵، ص ۷۹ و بعد.

این قاعده به صراحت در مقررات حمورابی پیش‌بینی نگردیده و ماده‌ای به طور مستقیم و غیرمستقیم به اصل قانونمندی جرم و مجازات و مراجع قضایی اختصاص داده نشده است. در واقع، بخشی از مقررات *قانون‌نامه حمورابی* به احصاء جرایم و مجازاتها (حقوق کیفری اختصاص) مربوط می‌شود (حدود یک سوم)، در نهایت این که ممکن است قانون‌نامه موجود - همان طور که قبلاً هم گفته شد - مکتوب آداب و رسوم و عُرف شبه قضایی جاری بین مردم یا شامل احکامی است که *حمورابی* به مناسبت رسیدگی به دعاوی و اختلاف‌های کیفری و حقوقی صادر کرده و اعتبار *قانون* به خود گرفته است.

۴.۴. مجازاتها در *قانون‌نامه حمورابی*

در *قانون حمورابی*، همان‌گونه که بارها اشاره شد، کیفرها عمدتاً بدنی است. در اعمال مجازاتها بر مرتکب جرم، بدن وی و عضو مقصّر بدن وی - به عنوان مثال دست یا چشم - و نه شخص انسان مجازات می‌شد که کیفرهای بدنی از جمله شامل اشکال مختلف کیفر مرگ شده است. در کنار اعدام یا کیفر مرگ ساده، کیفرهای مرگ اصطلاحاً *مشدد*، یعنی همراه با رنج و عذاب، همچون غرق کردن و سوزاندن و... موضوعیت داشت. به طور کلی، تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که مجازاتهای بدنی که در رأس آنها، کیفر مرگ قرار دارد، سده‌ها اعمال شده است؛ اما، در کنار کیفر مرگ ساده، اشکال *مشدد* کیفر مرگ که همراه با رنج و عذاب است، وجود داشت. به این معنا که از محکوم‌علیه سریعاً و به یک باره سلب حیات نمی‌شد، بلکه فاصله زمانی میان شروع اعمال مجازات تا حادث شدن مرگ، مدتی می‌گذشته است؛ به این ترتیب، محکوم در واقع متحمل مجازات مضاعف یعنی رنج، عذاب و شکنجه، از یک سو و سلب حیات، از سوی دیگر می‌شده؛ حال آن‌که فقط یک حیات به جامعه «بدهکار» بوده است. به همین جهت است که امروزه در بسیاری از کشورهایی که کیفر مرگ پیش‌بینی

و اجرا می‌شود، مانند آمریکا، راحت و سریع‌ترین روش ممکن مانند اتاق گاز یا صندلی الکتریکی انتخاب می‌شود.^۱

اگر بخواهیم سیاهه کیفرها را در قانون نامه حمورابی احصاء و بررسی کنیم: کیفر سلب حیات که با قید "کشته خواهد شد" آمده، شامل به آب انداختن (مواد ۱۲۹، ۱۳۳ و ۱۵۵) و در آتش سوزاندن (مواد ۲۵، ۱۱۰ و ۱۱۷)؛^۲ شلاق در مواد ۱۲۷ و ۲۰۲ (شصت ضربه)؛ تراشیدن موی سر (ماده ۱۲۷)؛ تبعید (ماده ۱۵۴)؛ به میخ کشیدن (ماده ۱۵۳)؛ قطع اعضاء بدن شامل: قطع زبان (ماده ۱۹۲) در آوردن چشم (مواد ۱۸۶ و ۱۹۳)؛ قطع دست (مواد ۱۹۵، ۲۱۸، ۲۲۶ و ۲۵۳ برای سرقت) قطع گوش (مواد ۲۰۵ و ۲۸۲)؛ و قطع پستان (ماده ۱۹۴)؛ قصاص عضو (مواد ۱۹۶، ۱۹۷ و ۲۰۰)؛ پرداخت خسارت، دیه، رد مال یا برده (مواد ۲۴، ۱۱۶ و ۱۹۸)؛ محروم شدن از ارث (مواد ۱۵۷ و ۱۶۹).

همان‌گونه که در جلسات پیشین هم اشاره شد، با توجه به طبقاتی بودن اعضاء جامعه در قانون حمورابی، مجازات مقابله به مثل یا به تعبیر امروزی قصاص نیز، تابع

۱. در قانون حمورابی کیفر مرگ نوعاً با عبارت کشته خواهد شد به اجرا در می‌آمد. ولی، در برخی مواد این قانون در خصوص کیفیت اجرای این کیفر مصادیقی را ذکر کرده است که در ذیل چند مورد از آن ذکر می‌گردد:
الف «ماده ۲۱ از قانون حمورابی: اگر کسی (با حفر سوراخ) از خانه‌ای سرقت کند، آنها وی را در مقابل همان سوراخ می‌کشند و آویزان می‌کنند.

ب «ماده ۱۰۸ از قانون حمورابی: اگر زن می‌کده دار بابت بهای آبجو غله قبول نکند، و نقره را براساس وزنه‌های سنگین (یعنی سنگین‌تر از استاندار) دریافت کند، بدین سان مقدار آبجوی (داده شده) را در برابر مقدار غله (دریافت شده) کاهش دهد، آنها این اتهام را علیه زن می‌کده دار ثابت خواهند کرد، سپس آنها او را به آب می‌اندازند.

ج «ماده ۱۱۰ از قانون حمورابی: اگر یک ندیتو یا انتو که در صومعه زندگی نمی‌کند، (در) می‌کده را باز کند یا برای آبجو به می‌کده وارد شود، آنها آن زن را در آتش می‌سوزانند.

د «ماده ۱۲۹ از قانون حمورابی: اگر همسر کسی (= زوجه ی مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود آنها را می‌بندند و در آب می‌اندازند.

۲. در قانون‌نامه حمورابی، حدود ۳۴ مورد کیفر سالب حیات پیش بینی شده است.

تعلق طبقاتی و جنس مرتکب بوده است. از این رو، برحسب اینکه متهم و بزه دیده عضو کدام دسته از طبقات اجتماعی و از چه جنسی باشد، نوع پاسخ متفاوت بوده است. ضمانت اجرایی شبیه دیه به شرحی که گفته شد نیز در قانون حمورابی با لحاظ طبقاتی بودن جامعه پیش بینی شده است.

رد مال یا پول به بزه دیده یا اولیاء دم در واقع رابطه خشونت و تنش آمیز میان مرتکب و بزه دیده را به رابطه مذاکره و گفتگوی ترمیمی تبدیل می کند. در حقیقت، دیه نوعی ضمانت اجرای ترمیمی می شود که مرتکب و بزه دیده درباره آن گفتگو کنند می کنند و به توافق می رسند تا میزان مبلغ یا نوع کالا یا شیئی که در قانون مشخص شده را بپذیرند (ضمانت اجراهای کیفری توافقی). البته ضمانت اجرای قصاص هم می تواند نوعی ضمانت اجرای ترمیمی تلقی شود چون ممکن است زمینه گفتگو را میان بزه کار و بزه دیده و اولیاء دم به منظور اجتناب از قصاص فراهم می کند. ضمانت اجراها و کیفرهای ترمیمی در واقع بیشتر برای تأمین نیازها و خواسته های بزه دیده توسط بزه کار پیش بینی می شود (ضمانت اجراهای بزه دیده مدار).

اشاره به این نکته ضروری است که کیفرهای ترمیمی، نمودی از توافقی شدن عدالت کیفری به شمار می آیند. توافقی شدن عدالت کیفری یعنی این که مقام قضایی در پرتو توافق میان بزه دیده و بزه کار حکم خود را صادر می کند. به عبارت دیگر، در توافقی شدن عدالت کیفری مقام قضایی برای صدور حکم، تحت شرایطی، تابع نظر کنشگران جرم یعنی بزه دیده و بزه کار است؛^۱ اما، از میان کیفرهای اجتماعی پیش بینی شده، می توان به کیفر خدمات عمومی رایگان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد که حقوق کیفری را به عبارتی "قراردادی" کرده است.

۱. در خصوص توافقی شدن رک: نیازپور، امیرحسن، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.

در تعیین پاسخ کیفر خدمات عمومی، دادگاه زمانی می‌تواند متهم را به انجام کار معین محکوم کند که محکوم علیه رضایت خود را در تعیین این نوع پاسخ اعلام کرده باشد. از این رو، اگر محکوم علیه از انجام کار تحمل کیفر خدمات عمومی استنکاف کند، قاضی، کیفر اصلی یعنی حبس را به اجرا می‌گذارد. بنابراین، در این گونه موارد کیفر خدمات عمومی رایگان، بدیل مجازات حبس است. بدین ترتیب، خدمات عمومی مصداق عدالت کیفری قراردادی شده یا قراردادی شدن عدالت کیفری میان مقام قضایی و متهم است. تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: ... در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود؛ زیرا، در حقوق کیفری، برخلاف حقوق مدنی، مقام قضایی است که پس از محاکمه یا تعقیب، خود تصمیم می‌گیرد و نظر متهم را جویا نمی‌شود؛ اما، امروزه، در مواردی، به طوری که گفته شد، مقام قضایی به مذاکره با متهم برای کسب رضایت او درباره صدور حکم می‌پردازد. بر این اساس، برای مواردی که جنبه یا مصداق قراردادی شدن عدالت کیفری را به خود گرفته‌اند ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است. چنان‌که ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه، برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

توافقی شدن عدالت کیفری ← گفتگو و مذاکره میان متهم و بزه‌دیده برای تعیین سرنوشت اختلاف کیفری میان خود: با نظارت مقام قضایی ← عدالت کیفری افقی

و

قراردادی شدن عدالت کیفری ← مذاکره میان متهم و مقام قضایی برای تعیین سرنوشت پرونده کیفری و موقعیت کیفری متهم ← عدالت کیفری عمودی



در مواردی، چنانچه بزهکار فراری، معسر یا ناشناخته باشد چه سازوکاری برای تأمین خسارت بزه‌دیده اندیشیده شده است؟ امروزه بحثی در پرتو مطالعات بزه‌دیده‌شناسی^۱ در حقوق کیفری وارد گشته که جلوه‌هایی از آن در *قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲* نیز آمده شده است و آن، تکلیف دولت بر جبران خسارت بزه‌دیده است، زمانی که مرتکب در دسترس نیست یا توانایی جبران خسارت بزه‌دیده را ندارد، اگرچه دولت مرتکب تقصیری در ارتکاب جرم نشده است - بحث شخصی بودن مسئولیت کیفری - اما به عنوان مثال در حقوق *فرانسه* تکلیف دارد که در جرایم علیه اموال تا سقف معینی و در جرایم علیه اشخاص بدون تعیین میزان، به صورت موقت خسارت بزه‌دیده را تأدیه نماید و او را از حالت عسرت و تنگدستی برهاند و پس از شناسایی بزهکار و تمکن و شناسایی دارایی او، مبالغی را که به بزه‌دیده پرداخت نموده است در قالب طرح یک دعوی حقوقی از وی بازپس ستاند. در *فقه اسلامی* که حقوق کیفری ایران نیز ملهم از آن است، در مواردی چند از قبیل آن که اگر جسدی در شوارع یافت شود، فردی در اثر ازحام کشته شود، دیه مقتول از خزانه عمومی یا بیت‌المال تأدیه خواهد شد.^۲

در *قانون حمورابی* سرقت، یک جرم بزرگ (Capital Crime) محسوب می‌شود که مجازات بزرگی Capital Punishment به نام کیفر سلب کننده حیات (اعدام) برای

۱. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، *دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از جرم*، نشر میزان، تهران، دو جلد، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۳.

۲. در این راستا موادی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که در ذیل به چند مورد آن اشاره می‌شود:

الف «ماده ۴۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوٹ نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر موارد لوٹ چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ب «ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.

آن پیش بینی شده است. در ماده ۳۲ قانون حمورابی آمده است که: اگر کسی مرتکب سرقت (به عنف) شود و سپس دستگیر شود، آن کس کشته خواهد شد؛ ولی، در قانون نامه حمورابی، تحت شرایطی از یک سو، طبق ماده ۲۳^۱ دولت «حاکم شهر» خسارات مال باخته ناشی از سرقت را به عهده می‌گیرد و از سوی دیگر، برابر ماده ۲۴: اگر جان کسی (در حین سرقت به عنف از دست رفته است)، شهر و حاکم شهر یک مینای نقره به خویشان وی پرداخت خواهند کرد. آنچه که از این ماده مستفاد می‌شود، پرداخت نوعی خسارت یا دیه توسط حاکمیت به بزه‌دیده (اولیاء دم) است. در حقوق ایران، افزون بر پرداخت دیه توسط خزانه عمومی (دولت) به بزه‌دیده یا اولیاء دم - همان گونه که قبلاً اشاره شد - برابر با اصل ۱۷۱ قانون اساسی^۲ و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۳ دولت تحت شرایطی خسارات بزه‌دیدگان را - تحت شرایطی - می‌پردازد.

۵.۴. جرایم در قانون نامه حمورابی

جرایم پیش‌بینی شده در قانون حمورابی را می‌توان به عبارت امروزی، جرایم علیه اشخاص و اموال تقسیم کرد که در حوزه جرایم علیه اموال - همان‌گونه که در جلسات قبل هم گفته شد - بیشترین مواد به جرم سرقت اختصاص داده شده است. مجازات

۱. ماده ۲۳ قانون حمورابی مقرر می‌دارد: اگر سارق به عنف دستگیر نشود، کسی که قربانی سرقت به عنف شده است، در برابر خدا (وقوع سرقت به عنف و خسارت وارده را) اثبات می‌کند؛ سپس شهر و حاکم شهری که در حوزه و قلمرو ایشان سرقت به عنف اتفاق افتاده است، خسارت اموال به سرقت رفته او را پرداخت می‌کند.

۲. اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

۳. ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.

سرقت علاوه بر مرگ، قطع ید هم می‌باشد. به عنوان مثال، در ماده ۲۵۳ این قانون آمده است که: اگر کسی کس دیگری را برای مراقبت / اداره کردن مزرعه‌اش اجاره کند، انبار غله را به او بسپارد، گاوها را به او بسپارد و برای کشت و زرع با او قرارداد ببندد، اگر آن شخص بذر یا مواد غذایی را سرقت کند و اموال مسروقه در دست وی توقیف شود، آنها دست او را قطع خواهند کرد. بدین سان، سرقت کارگر از اموال کارفرما مجازات شدیدتری داشته است و به نوعی کیفیات مشدده به شمار می‌آمده است؛ ضمناً آن دست مرتکب سرقت، مقصر تلقی شده، و قطع می‌شده است یا به موجب ماده ۲۲: اگر کسی مرتکب سرقت به عنف شود سپس دستگیر شود، آن کس کشته خواهد شد.^۱

مواد چندی در *قانون حمورابی* - به تعبیر امروزی - به بزه‌های اقتصادی تخصیص یافته است. از جمله جرایم مربوط به اوزان، بهای کالا، تقلب در کالا، احتکار، عدم عرضه کالا، کم‌فروشی، گران‌فروشی و...^۲، به طوری که می‌توان برپایه مقررات *قانون حمورابی* و قوانین باستانی دیگر مانند *قانون‌نامه امور - نمور*، بیان داشت که مقررات کیفری اقتصادی (حقوق کیفری کسب و کار)، قدیمی‌ترین مقررات کیفری است. به این معنا که هم‌پایه حمایت از تمامیت جسمانی اشخاص، حمایت از نظام اقتصادی آن جامعه بسیار مهم بوده است. به عنوان نمونه در ماده ۱۰۸ *قانون حمورابی* آمده است که: اگر

۱. همچنین به عنوان نمونه رک: مواد ۶، ۷، ۸، ۲۵۳، و ۲۶۵.

۲. در این راستا موادی چند از *قانون حمورابی* ذکر می‌گردد:

الف) ماده ۱۰۴ *قانون حمورابی* مقرر می‌دارد: اگر تاجری به عامل، غله، پشم، روغن، یا هر کالایی را برای توزیع و فروش بدهد، عامل به طور مرتب نقره (یعنی پول حاصل) از هر معامله را به تاجر باز می‌گرداند؛ عامل باید هر نقره‌ای که به تاجر می‌پردازد، رسید کتبی دریافت کند.

ب) ماده ۱۰۵ *قانون حمورابی* بیان می‌دارد: اگر عامل کوتاهی کند و بابت نقره‌ای که به تاجر پرداخت می‌کند، رسید کتبی نگیرد، در محاسبات نهایی نقره‌ای که بدون اخذ رسید کتبی پرداخت شده باشد، با حساب نمی‌آید.

ج) در ماده ۱۰۶ *قانون حمورابی* آمده است: اگر عامل از تاجر نقره بگیرد ولی بعداً (دریافته نقره از) تاجر را انکار کند، آن تاجر باید در حضور خدا و (با آوردن) شهود ثابت کند که عامل نقره گرفته است، و عامل سه برابر نقره‌ای را که گرفته است به تاجر خواهد داد.

زن میکده دار بابت بهای آبجو غله قبول نکند، و نقره را براساس وزنه‌های سنگین (یعنی سنگین‌تر از استاندارد) دریافت کند، بدین‌سان مقدار آبجوی (داده شده) را در برابر مقدار غله (دریافت شده) کاهش دهد. آنها این اتهام را علیه آن زن میکده‌دار ثابت خواهند کرد، سپس آنها او را به آب میاندازد. در همین مقوله در ماده ۱۰۹ نیز آمده است: اگر زن میکده داری (هست) که در خانه او بزهکاران اجتماع می‌کنند، و او آن بزهکاران را دستگیر نمی‌کند و به دربار معرفی نمی‌کند، (یعنی زمینه تعقیب و محاکمه آنها را فراهم نمی‌کند) آن زن میکده‌دار کشته خواهد شد. این ماده حاوی دو نکته است: از یک سو، حمایت از امنیت و سلامت محیط کسب و کار و امنیت مشتریان و مراجعان و از سوی دیگر، نوعی ترک فعل مبتنی بر عدم گزارش یا عدم دستگیری و معرفی بزهکاران است.^۱

در کنار حمایت کیفری از کسب و کار، قانون‌نامه حمورابی به حمایت کیفری از محیط زیست نیز می‌پردازد و حقوق حیوانات را نیز پاسداری می‌کند. به عنوان نمونه، براساس ماده ۵۹: اگر کسی در باغ کسی دیگر، بدون اجازه مالک باغ، درختی را قطع کند، سی شِقل (شِکل) نقره پرداخت کرد. در برابر ماده ۲۲۵: اگر وی (دامپزشک) جراحی مهمی را روی گاو یا خر انجام دهد و باعث مرگ او شود، یک چهارم قیمت آن را به صاحب گاو یا خر خواهد پرداخت.

مواد چندی در قانون حمورابی مربوط به اختفاء و خرید و فروش اموال مسروقه^۲ و فراری دادن بردگان است، زیرا، برده جزء اموال مولی یا صاحب برده به شمار می‌آید و

۱. برای مطالعه در این خصوص رک: جمشیدی، علیرضا و موسوی، سید پوریا، اهمیت کسب و کار در حقوق باستان، در: نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶.

۲. اگر کسی اموال متعلق به خدا یا دربار را سرقت کند، آن کس کشته خواهد شد و آن کسی که اموال مسروقه را از دست وی دریافت کرده نیز کشته خواهد شد (ماده ۶)؛ اگر کسی نتوانست فروشنده‌ای که مال مسروقه را به او فروخته است یا شهودی که در حضور ایشان، مال را خریده است، به دادگاه بیاورد، مالک مال مسروقه توانست شهودی را بیاورد که مال مسروقه وی را شناسایی کنند، در این صورت، آن خریدار سارق است، او کشته خواهد شد (ماده ۱۰).

فراری دادن، نوعی ورود خسارت مادی محسوب می‌شود و در مواردی، کیفر مرگ برای آن لحاظ شده است.^۱

در حوزه حقوق کیفری پزشکی، یعنی جرایمی که توسط پزشکان و در حوزه پزشکی ارتکاب می‌یابد، نیز مواد چندی در قانون‌نامه حمورابی به آن اختصاص یافته است. مانند مواردی که پزشک به هنگام درمان، موجب نابینایی فردی می‌شد، پزشک را نابینا می‌کردند و اگر بزه‌دیده، برده بود پزشک باید خسارت می‌پرداخت.^۲

در حوزه جرایم جنسی،^۳ جرایم علیه خانواده یا جرایم علیه نکاح، در قانون حمورابی، زنا ساده، زنا محصنه، رابطه نامشروع، زنا با محارم، زنا به غنیمت و... جرم‌انگاری و کیفرگذاری شده است. بدین‌سان، قانون حمورابی نکاح و علقه زوجیت را محترم می‌شمرد و به این ترتیب زنا محصنه یا به طور کلی، رابطه خارج از علقه زوجیت را مذموم و بنابراین قابل مجازات می‌دانسته است. به عنوان نمونه، اگر همسر کسی (یعنی زوجه مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود، آن‌ها را می‌بندند و در آب می‌اندازند (ماده ۱۲۹)؛ یا به موجب ماده ۱۳۳ ب: اگر آن زن، پاکدامنی خود را حفظ نکند و به خانه مردی دیگر وارد شود، آنان تقصیر آن زن را ثابت خواهند کرد و او را به آب خواهند انداخت، یا «اگر کسی بعد از فوت پدرش با مادرش همبستری کند، هر دوی آنها را خواهند سوزاند (ماده ۱۵۷).

۱. ماده ۱۵ قانون حمورابی مقرر می‌داشت: اگر کسی باعث شود که غلام دربار یا کنیز دربار یا غلام یک مشکنوم یا کنیز یک مشکنوم از دروازه شهر بیرون برود، او کشته خواهد شد. همچنین به عنوان نمونه رک: مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰.

۲. به عنوان نمونه رک: ماده ۲۱۸ قانون حمورابی مقرر کرده بود: اگر پزشک با چاقوی برنزی جراحی مهمی را روی یک اویلوم انجام دهد و باعث فوت آن اویلوم شود، یا با چاقوی برنزی شقیقه یک اویلوم را بشکافد و باعث کوری چشم آن اویلوم شود، آن‌ها دست او را قطع می‌کنند.

۳. به عنوان مثال رک: ماده ۱۳۰ قانون حمورابی که مقرر می‌داشت: اگر کسی همسر باکره کس دیگری را که هنوز در خانه پدرش اقامت دارد، ازالۀ بکارت کند، و آن‌ها وی را در حال همبستری با آن زن دستگیر کنند آن مرد کشته خواهد شد؛ آن زن آزاد خواهد شد.

۶.۴. ادله اثبات جرم

همان گونه که در آغاز نیمسال نیز گفته شد، جادوگری در قانون‌نامه حمورابی جرم‌انگاری شده است و به عنوان یک جرم بزرگ یعنی جنایت، مجازات بزرگ یعنی کیفر سالب حیات برای آن پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال براساس ماده ۱۳۲: اگر همسر کسی به علت مردی دیگر انگشت اتهام به سوی او بلند شده است، اما در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر نشده است، برای خاطر شوهرش، اوردالی رودخانه را انجام خواهد داد؛ یا در ماده ۲ پیش‌بینی شده است که: اگر کسی، کس دیگری را به جادوگری متهم کرد، ولی نتوانست اتهام او را اثبات کند، شخصی که اتهام جادوگری به او وارد شده به رودخانه می‌رود و اوردالی را انجام می‌دهد؛ اگر رودخانه وی را گرفت و مغلوب کرد، اتهام زنده‌ی وی خانه او را تصاحب خواهد کرد؛ اما، اگر رودخانه آن شخص را تبرئه کرد و او به سلامت گذشت، کسی که به وی اتهام جادوگری وارد کرده، کشته خواهد شد. شخصی که اوردالی رودخانه را انجام داد، خانه اتهام‌زنده خود را تصاحب خواهد کرد. بدین‌سان، در کنار سوگند، اقرار و شهادت، قانون‌نامه حمورابی امکان توسل قاضی را به اوردالی که عمدتاً غوطه‌ور شدن یا راه رفتن در آب می‌باشد، پیش‌بینی نموده است.

فصل پنجم: مقررات کیفری قانون‌نامه هیتی‌ها: ضمانت اجراها، جرایم و ادله

الواح گلی که مقررات هیتی‌ها بر آنها ثبت شده است در اوایل سده بیستم یعنی سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ توسط باستان‌شناسان آلمانی در جنوب شرقی ترکیه، در نزدیک مرز با ایران و عراق از دل خاک استخراج شد. به این ترتیب، بیش از پنج سال پس از کشف لوح سنگی حمورابی در جنوب غربی ایران توسط باستان‌شناسان فرانسوی، این بار باستان‌شناسان آلمانی موفق شدند که در شمال بین‌النهرین دو لوح گلی را کشف کنند که مشتمل بر ۲۰۰ بند یا ماده بود که حدود دوازده ماده آن مخدوش است. بعضی از

تاریخ‌دانان حقوق اعتقاد دارند که هیئت‌ها مقررات دیگری داشته‌اند که الواح مربوط به آن‌ها از بین رفته است.

هیئت‌ها قومی هندو و اروپایی بودند که در آناتولی (ترکیه) و شمال عراق زندگی می‌کردند.^۱ در تورات، کتاب مقدس یهودیان، از قوم حَتّی یا حِتّ نیز یاد شده است. در الواح دوگانه هیئت‌ها، بعضی مواد در دو نسخه انشاء شده است. مانند ماده ۴۴ الف و ماده ۴۴ ب. این امر بدین معنا است که نسخه اول قانون هیئت‌ها به سال ۱۶۵۰ تا سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد مربوط می‌شود و نگارش اول این قانون برای آن دوره سلطنتی است که بر هیئت‌ها حکومت می‌کرده است؛ اما، نگارش یا نسخه دوم این قانون به سال ۱۵۰۰ تا سال ۱۱۸۰ پیش از میلاد نگارش یافته و بدین سان مفاد قانون در دوره پادشاهی دیگر، بازبینی شده است.

آنچه قابل ذکر است این که ضمانت اجراها در نسخه دوم قانون‌نامه هیئت‌ها خفیف‌تر شده است. به عنوان مثال، اگر در نسخه اول این قانون ضمانت اجرای یک جرم، ۲۰ شِکِل (شقل) نقره بود، در نسخه دوم به ۱۰ شِکِل (شقل) تقلیل یافته است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، قانون‌نامه حمورابی ۲۸۲ ماده داشت که حدود ۳۵ ماده آن مخدوش است،^۲ حال آن‌که قانون هیئت‌ها، ۲۰۰ ماده دارد. قانون حمورابی نسبت به قانون هیئت‌ها، مواد بیشتری به جرایم اختصاص داده است. در قانون‌نامه حمورابی حدود ۹۲ ماده و در قانون هیئت‌ها، حدود ۱۸ ماده به جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌ها اختصاص داده شده است. در قانون حمورابی ضمانت اجراهای جرایمی چون سرقت و... خیلی سنگین‌تر از قانون هیئت‌ها است. به طور کلی در قانون حمورابی حدود ۳۴ مورد کیفر سلب‌کننده حیات و قانون هیئت‌ها، حدود ۱۰ مورد اعدام پیش‌بینی شده

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: هافر، هری، قوانین هیئت‌ها؛ قانون‌نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، انتشارات حقوقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲. این خدشه از ماده ۶۵ الی ۹۹ قانون حمورابی وجود دارد. برای کسب اطلاعات بیشتر رک به: همان منبع.

است. مجازات قطع عضو در قانون حمورابی در چندین مورد ذکر شده،^۱ در حالی که در قانون هیتی‌ها فقط یک مورد قطع عضو وجود دارد.^۲ در قانون هیتی‌ها کیفر اعدام در یک مورد یعنی تخریب کشت‌زارها یا مزرعه دیگری و در سایر موارد درباره جادوگری و نزدیکی با انواع حیوانات است که این امر به آن معنا می‌تواند باشد که امری مبتلابه و شایع در جامعه آن عصر بوده است.^۳

جامعه هیتی نیز یک جامعه طبقاتی بوده، نظام برده‌داری در آن رایج بوده و نظام سلطنتی حکمرانی می‌کرده است، به طوری که مقام سلطنت دارای قداست خاصی بوده است. پادشاه یا مقام سلطنت یا حاکم به عنوان سایه خداوند آن زمان بر روی زمین، مأمور اجرای ماده ۲۰۰ قانون هیتی‌ها - درست همانند قانون حمورابی - بوده است. قانون هیتی‌ها حکایت از این دارد که جادوگری - ساحری رایج بوده است؛ زیرا، جرم‌انگاری شده و کیفر مرگ هم برای آن پیش بینی شده است. ماده ۴۴ (ب) قانون‌نامه هیتی‌ها مقرر می‌دارد: هرگاه کسی مراسم تطهیر را نسبت به شخصی انجام دهد، باید ترتیب بقایای سوزانیده شده آن را بدهد. اما اگر آن بقایا را در خانه شخص دیگری بگذارد، این امر جادوگری تلقی شده و به دادگاه شاهی ارجاع خواهد شد. ساحری یک جنایت است. ارجاع به دادگاه شاهی به آن معنا است که ضمانت اجرای آن، کیفر مرگ

۱. به عنوان مثال در ماده ۱۹۵ قانون حمورابی آمده است که: اگر پسری پدرش را کتک بزند، آنها دست وی را قطع می‌کنند.

۲. بر اساس ماده ۹۹ قانون هیتی‌ها: هرگاه برده‌ای خانه‌ای را به آتش کشد، مالکش باید خسارات وارده را جبران نماید و گوشها و دماغ برده بریده خواهد شد و به مالکش برگردانده می‌شود اما اگر مالک از جبران خسارت امتناع کند، برده را از دست خواهد داد.

۳. به عنوان مثال در ماده ۱۸۷ قانون هیتی‌ها مقرر شده است: اگر مردی با ماده گاوی آمیزش کند، رابطه‌ای غیر مجاز بوده و کشته خواهد شد. او را به محکمه پادشاهی می‌برند و خواه پادشاه دستور قتل او را داده یا جانش را ببشخند، حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت (مبادا که اشخاص دربار را بی حرمت و آلوده سازد).

است یا به موجب ماده ۱۱۱، هرگاه کسی خاک رُس را به منظور سحر و جادو شکل دهد، این امر جادوگری است و به محکمه پادشاهی ارجاع خواهد شد (جادوی سیاه).^۱ همچنین درباره تجاوز جنسی، ماده ۱۹۷ قانون هیتهای مقرر می‌دارد که: هرگاه مردی زنی را در کوهستان بدام انداخته و به او تجاوز کند، مرد مجرم خواهد بود، اما اگر آن زن را در خانه‌اش بدام اندازد، در این صورت زن مجرم محسوب شده و کشته خواهد شد. هرگاه همسر آن زن متوجه عمل آنها شود، می‌تواند بدون این که مرتکب جرمی شده باشد آنها را بکشد.^۲

از مصادیق دیگر اعدام، همان‌طور که قبلاً نیز بررسی شد، در ماده ۱۲۱ قانون هیتهای آمده است: هرگاه مرد آزادی گاوآهنی را بدزد و صاحبش آن را پیدا کند می‌تواند گردن سارق را... و توسط احشام کشته خواهد شد. چنان که در ماده ۱۶۶ این قانون با این بیان ذکر شده است: هرگاه کسی بر کشته دیگری دانه پاشد، به گردنش گاوآهن خواهد بست. آنها دو دسته گاو فراهم می‌کنند، یک دسته از یک جهت و دسته دیگر در جهت دیگر می‌چرخند، متهم و گله کشته خواهند شد و شخصی که ابتدائاً بذر پاشیده است، تمامی محصول را درو خواهد کرد.

در ۲۰۰ ماده قانون هیتهای، ضمانت‌اجراهایی همچون استرداد مال، پرداخت غرامت، استرداد برده یا حیوانات نیز برای جرایم چندی پیش‌بینی شده است.^۳ درکنار ضمانت‌اجراهایی مانند قطع عضو و مرگ که کیفر به معنای واقعی کلمه هستند،

۱. همچنین رک ماده ۱۷۰ قانون‌نامه هیتهای که مقرر می‌دارد: اگر مرد آزادی، ماری بکشد و در همان حال نام دیگری

را ببرد، باید ۴۰ شِکِل (شِقْل) نقره بپردازد و اگر برده باشد، کشته خواهد شد (جادوگری سیاه).

۲. ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵)، ابراز می‌دارد: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

۳. به عنوان مثال در ماده ۱۷۴ قانون هیتهای مقرر شده است: هرگاه افرادی با یکدیگر منازعه کنند و یکی از آنها کشته شود، دیگران باید بعنوان غرامت یک برده بپردازند.

ضمانت اجراهای زیادی که جنبه ترمیمی و بزه‌دیده‌مدار دارند در نظر گرفته شده‌اند. بر این پایه، جرایم در قانون هیتی‌ها غالباً جنبه خصوصی دارند. به این ترتیب، قانون هیتی‌ها در مقایسه با قانون حمورابی دارای ضمانت اجراهای خیلی ملایم‌تری است که بیشتر جنبه جبرانی دارند. بدون تردید، ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو جامعه حمورابی و هیتی‌ها را می‌توان در مقررات کیفری آن‌ها از نظر نوع جرایم و کیفرها، مشاهده کرد.^۱

به عنوان "جمع بندی مطالب" باید گفت که اصل قانونمندی و سایر اصل‌های حقوق کیفری امروزی در قانون‌نامه هیتی‌ها نیز موضوعیت نداشته است؛ از آنجایی که هیتی‌ها یک جامعه طبقاتی بودند، اصل برابری مجازاتها و ضمانت اجراها رعایت نمی‌شده است؛ حمایت کیفری از بزه‌دیده بر حسب این که متعلق به چه طبقه‌ای است، متفاوت بوده است. به عنوان نمونه، به موجب ماده ۱۵ قانون هیتی‌ها: هرگاه کسی گوش شخص آزادی را پاره کند، باید ۱۲ شِکِل نقره به او پرداخته و از اموال خود، خسارت وارده به وی را جبران نماید. حال آن که بر اساس ماده ۱۶: اگر گوش مرد یا زن برده‌ای را پاره کند، باید سه شِکِل (شِکِل) نقره به او بپردازد.

در مقررات هیتی‌ها جرایم قتل (به عنوان مثال مواد ۲، ۳ و ۴)، نقص عضو (به عنوان مثال مواد ۷، ۸ و ۹)، سقط جنین (ماده ۱۷)، آدم ربایی (ماده ۱۹)، جادوگری (ماده ۴۴ ب) انواع سرقت شامل سرقت احشام، حیوانات و محصولات کشاورزی و سرقت‌های دیگر (به عنوان نمونه مواد ۴۹، ۵۷، ۸۵، ۱۰۸، ۱۲۴ و ۱۴۳)، جرایم جنسی مانند تجاوز جنسی (ماده ۱۹۷)، زنا با محارم (ماده ۱۸۹)، زنا با محصنه (قسمت اخیر ماده ۱۹۷)، رابطه جنسی مرد با حیوانات (مانند مواد ۱۸۷ و ۱۸۸)، جرایم زیست محیطی (مواد

۱. گفتنی است که در این نیمسال، جرایم و مجازاتها در آیین و مقررات عبرانی - با تکیه بر آیات تورات (کتاب عهد عتیق) - نیز بررسی و تدریس شد؛ ولی، فرصت تنظیم و گردآوری تقریرات و یادداشت‌های کلاس فراهم نشد. در این مورد رک: سلیمانی حسین «مترجم»، عدالت کیفری در آیین یهود، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۱۳)، اخته کردن گاو میش، اسب نر و گوسفند نر (مواد ۶۰، ۶۱ و ۶۲) که بر حسب این که مرتکب یا بزه‌دیده آزاد یا برده است، ضمانت اجرای متفاوت تعیین شده است. بدین‌سان، در قانون‌نامه هیتی‌ها به مانند قانون‌نامه حمورابی به جای ارائه تعریف کلی از قتل، سرقت، جادوگری و... انواع سرقت، قتل و جادوگری به صورت موردی احصاء و جرم‌انگاری، پاسخ‌گذاری یا ضمانت اجراگذاری شده است.

قصاص نفس و قصاص عضو در مقررات هیتی‌ها وجود ندارد؛ ضمانت اجرای کیفری شامل اعدام در مورد رابطه جنسی با حیوانات، تجاوز جنسی، زنا، محصنه، جادوگری و... قطع دماغ و گوش برده سارق فقط یک مورد (ماده ۹۵) و جبران خسارت و رد مال، حیوان یا برده به بزه‌دیده توسط مرتکب جرایمی همچون سرقت، قتل و سقط جنین که سه چهارم ضمانت اجراها در قانون‌نامه هیتی‌ها تشکیل می‌دهد یا به عنوان مثال، هرگاه کسی مرد یا زنی را در حین مرافعه به قتل برساند، باید برای او مراسم تدفین ترتیب داده و چهار نفر مرد یا زن به عنوان غرامت بدهد و از اموال خود خسارات وارده را به وی جبران کند (ماده ۱)؛ هرگاه کسی مرد یا زن برده‌ای را در جریان دعوا به قتل برساند، باید برای او مراسم تدفین ترتیب داده و دو نفر مرد یا زن به عنوان غرامت بدهد و از اموال خود خسارات وارده را به وی جبران کند (ماده ۲)؛ هرگاه کسی فرد آزادی را کور کند یا دندان او را بشکند، سابقاً ۴۰ شیکل نقره پرداخت می‌شد، ولی امروزه باید ۲۰ شیکل نقره بپردازد و از اموال خود خسارات وارده را به وی جبران کند (ماده ۷)؛ هرگاه کسی مرد یا زن برده‌ای را کور کند یا دندان او را بشکند باید ۱۰ شیکل نقره بپردازد و از اموال خود خسارات وارده را به وی جبران کند (ماده ۸)؛ همچنین براساس ماده ۵۷ این قانون‌نامه: هرگاه کسی گاومیش یا گاو نری را برانگیزد، سابقاً سی گاو به عنوان غرامت می‌داد؛ اما، امروزه سارق باید پانزده گاو بدهد.

بدین سان، کارکرد عمده ضمانت اجرای کیفری هیتی‌ها، ترمیمی - جبرانی بوده تا تنبیهی و قهرآمیز؛ سزا دادن از گذرِ اعمالِ خشونت در قالب کیفر در مورد محدودی موضوعیت داشته است.

فصل ششم: مقررات کیفری یونان

بخش آخر کلاس در این نیمسال باید به بررسی مقررات کیفری در باختر (غرب) باستان یعنی حقوق یونان، حقوق رُم و حقوق اقوام اروپایی غیر یونانی - غیر رومی یعنی فرانک‌ها، ژرمن‌ها، ساکسون‌ها و... که به اقوام بربر نام‌گذاری شده بودند، اختصاص داده می‌شد. ولی، با توجه به ضیق وقت، فقط مقررات کیفری حقوق یونان بررسی می‌شود. حقوق کیفری یونان که در واقع، شامل قوانین و مقررات حاکم در آتن بوده است - زیرا، مقررات مجری در آتن معرف مقررات کیفری جاری در سایر شهرهای یونان بود - ویژگی مذهبی داشته، چندان که ارتکاب قتل موجب تباهی و پلیدی و تعفن در جامعه، می‌شده است؛ مرتکب قتل، این پلیدی را به دیگران منتقل می‌کرده است، به همین جهت بوده که محاکمه قاتل در فضای باز صورت می‌گرفته، این امر موجب می‌شده که قضات و شرکت‌کنندگان در جلسات، با قاتل در زیر یک مکان مسقف روبه‌رو و در نتیجه، آلوده به وی نشوند.

محل و چگونگی برگزاری دادگاه‌های صالح برای ضرب و جرح و قتل، یعنی جرایم اصطلاحاً خونین، جنبه مذهبی حقوق کیفری آتن را نشان می‌دهد؛ *آثروپاژ*، "عادلان‌ترین" دادگاه محسوب می‌شده که قتل با سبق تصمیم، ایراد ضرب و جرح با قصد قتل، ایجاد حریق عمدی در خانه‌ای که ساکنان آن حضور دارند و مسموم کردن را، رسیدگی می‌کرده است. دادگاه *افتیس*^۱، بر حسب نوع قتل یا مرتکب یا بزه‌دیده، در مکان‌های مختلف تشکیل جلسه می‌داده است؛ قتل غیرعمد و قتل عمد فرد بیگانه در

1. Ephetes.

محل پالادیون^۱؛ ارتکاب قتل "مشروع" یعنی مرگ در جریان جنگ یا بازی و مسابقات ورزشی یا در پی تحریک، در محل دلفینیون^۲ محاکمه می‌شده است؛ قاتلانی که محکوم می‌شدند؛ ولی، به لحاظ مصالحه با اولیاءدم یا گذشت آنان، از آتن تبعید می‌شدند و دوباره مرتکب قتل شده‌اند، در محل فری‌آتیس^۳ - کنار دریا - محاکمه می‌شدند، دادگاه در ساحل برگزار می‌شده و مرتکب در زورقی که در چند قدمی ساحل قرار داشته به دفاع از خود می‌پرداخته است؛ زیرا، ورود به آتن برای این قبیل متهمان ممنوع بوده است. چنانچه دادگاه آنان را تبرئه می‌نمود، دوباره تبعید می‌شدند و چنانچه مجرمیت آنها، به جهت اتهام جدید قتل، احراز می‌گردید، کیفر مرگ صادر می‌شده است. دادگاه پریتانه^۴، صالح به رسیدگی به اتهام قاتل ناشناس و حیوانات و اشیایی بوده است که موجب مرگ انسان شده‌اند. محکومان این دادگاه و قاتل ناشناخته در صورت دستگیری، به خارج از مرز هدایت و اخراج یا در دریا انداخته می‌شدند.

کیفرهای صادره از دادگاه آئروپاژ^۵، شامل اعدام، تبعید (برای قتل) و مصادره اموال در صورت ارتکاب ضرب و جرح می‌شده است؛ دادگاه پالادیون^۶، کیفر تبعید موقت بدون مصادره اموال را مورد حکم قرار می‌داده است.

در مورد مرتکب قتل، نخستین اقدام قضایی "طرد و اخراج" او از جامعه بوده تا دیگران آلوده به پلیدی و نجاست او نشوند (رویکرد مذهبی مقررات آتن به جرم قتل). در همین چارچوب والدین مقتول مکلف بودند که با نصب نیزه‌ای بر سر گور مقتول به مردم اطلاع دهند که قاتلی در بین آنان حضور دارد. این امر سبب می‌شد تا روحانی بزرگ محل از ورود متهم در مکان‌های مقدس، تا روز محاکمه جلوگیری کند.^۷

1. Palladion.
2. Delphinion.
3. Phreattys.
4. Prytanee.
5. Aeropage.
6. Palladion.

۷. هریک از این دادگاه‌ها تحت ریاست ربّ نوع - الوهیت خاص خود، به رسیدگی و صدور حکم می‌پرداخته است.

در جرایم غیر از جرایم علیه اشخاص (جرایم قتل و ضرب و جرح)، دادگاه‌های مردمی (هلیه) صلاحیت رسیدگی داشتند که با حضور اعضاء هیأت منصفه «ژوری» تشکیل می‌شد؛ هر سال از ده طایفه آتن، به قید قرعه، شش هزار عضو ژوری که «هلیاست» نام داشتند انتخاب و در ده منطقه تقسیم می‌شدند؛ گاه، اتفاق می‌افتاد که در محاکمات جرایم مهم هر شش هزار هلیاست (اعضاء ژوری) در دادگاه شرکت کنند؛ ولی معمولاً کسری از این شش هزار نفر در محاکمات شرکت می‌کردند، مانند محاکمه سقراط که حدود ۳۵۰ هلیاست در آن حضور داشتند؛ علت بالا بودن تعداد اعضاء ژوری در واقع، به نوعی برای پیشگیری از فساد و تطمیع و تهدید آنان و نیز مشارکت آحاد مردم در رسیدگی قضایی بود؛ اعضاء هیأت منصفه معادل نصف دستمزد روزانه خود - برای شرکت در محاکمات - حق الزحمه دریافت می‌کردند.

اما، نوع آیین دادرسی در دادگاه‌های مردمی، اتهامی بود؛ وقتی جرم جنبه عمومی داشته هر شهروند، حق اتهام زدن به دیگری را دارا بوده است؛ یک مقام قضایی (دولتی) اتهام را دریافت می‌کند؛ مأموریت او این است که اتهامات واهی را از اتهامات معتبر تفکیک نماید و پرونده را اصطلاحاً معد رسیدگی در دادگاه هلیاست نماید. بدین منظور، پیامد اتهام واهی را به اتهام زننده (شاکی) اعلام می‌نماید و از او می‌خواهد که سوگند یاد کند که تا قبل از محاکمه از اتهام صرف‌نظر نکند. ضمناً این قاضی موضوع اتهام را نیز آگهی عمومی می‌کند تا مردم ببینند و ترغیب به اقامه گواهی درباره آن اتهام بشوند.

در دادگاه هلیاست که با حضور اعضاء هیأت منصفه، مقام قضایی، اتهام زننده، متهم شده و مردم تشکیل می‌شود، اتهام زننده دلایل خود را ارائه و گواهان خود را معرفی می‌کند و فرد متهم شده، از خود دفاع می‌کند، به طوری که نوعی کارزار یا دوتل قضایی صورت می‌گیرد. سپس دادگاه رأی خود را درباره مجرمیت متهم، بدون شور، به طور مخفی اعلام می‌کند؛ در جرایمی که ضمانت اجرای کیفری آن در قانون مشخص شده،

قاضی حکم به مجازات مربوط را صادر می‌کند؛ ولی در جرایمی که با برآورد و نظر دادگاه هلیه، مجازات تعیین می‌شود، اتهام زننده (شاکی) و فرد متهم شده که حال مجرمیت او احراز و بنابراین محکوم شده، هریک مجازات مورد نظر خود را به دادگاه اعلام می‌کنند؛ دادگاه مکلف است یکی از این دو کیفر را صادر نماید. کیفرهایی که دادگاه هلیه می‌توانسته تعیین و صادر کند: کیفر مرگ، تبعید، محرومیت از حقوق مدنی «مرگ مدنی»، تازیانه، مصادره و جریمه بوده است.

در این چهارچوب، چگونگی محاکمه سقراط قابل بررسی است. سقراط توسط یکی از شهروندان آتنی، به فساد کشاندن و منحرف کردن جوانان و کفرگویی متهم شد و سپس به همین اتهام محاکمه گردید. سقراط، در جریان محاکمه، برای دفاع از خود، در برابر اتهامات وارده، به نوعی نظام اجتماعی - سیاسی - مذهبی حاکم در آتن را به باد انتقاد و اعتراض گرفت و به عبارتی، "اعتراض‌نامه‌ای" علیه نظام سیاسی حاکم قرائت کرد. اظهارات او باعث ناراحتی اعضای هیأت منصفه شد؛ زیرا، فراتر از دفاع از اتهامات خود، از یک حقیقت دفاع کرد: سقراط مخالف جزمیت سیاسی - مذهبی بود و اعتقاد داشت که انسان‌ها با طرح سؤال و مسأله، خود باید با ذهنی زاینده، بارور و بالنده به دنبال پاسخ باشند و پذیرش و پیروی بدون قید و شرط نظر مطلق یک شخص، در هر مقامی که باشد، درست نیست؛ برای سؤالی که به ذهن انسان خطور کند، خود انسان باید تحقیق و تلاش کند تا به پاسخ دست یابد و نه از آن پاسخ و راهکاری که دیگری به عنوان مقام بالای سیاسی - مذهبی ارائه داده و می‌دهد.

این نگرش سقراط منجر به اتهام "کفرگویی" علیه او شد و به این ترتیب او را به اتهام به فساد کشاندن و گمراه کردن عقیدتی جوانان محاکمه کردند و به دلیل آن که در جریان دفاع از خود، نسبت به حاکمیت ایرادهای اساسی می‌گرفت، ایرادهایی که به عبارتی حاکمیت بر نمی‌تابید. به هنگام تعیین مجازات، اتهام‌زننده، مجازات اعدام و سقراط، به لحاظ اعتراض و عدم قبول نظام سیاسی و قضایی حاکم، مجازاتی پیشنهاد

نکر؛ اما، به اصرار مردم و دوست‌داران خود، سرانجام پرداخت جزای نقدی معادل ۳۰ مین نقره را پیشنهاد کرد. هیأت منصفه نهایتاً مجازات اعدام پیشنهادی شخص اتهام‌زننده را انتخاب کرد و در نهایت او محکوم به نوشیدن ماده سمی "شوکران" شد که بعدها به "شوکران اصلاح" معروف گردید؛ زیرا، عقاید سقراط که در مقطعی، نوعی اتهام کیفری محسوب شد، بعد از اعدام او، به عین فضیلت و یک ارزش تبدیل شد و موجب تحول اخلاق سیاسی، اجتماعی و مذهبی جامعه آتن گردید. به عبارتی دیگر، سقراط قربانی شد،^۱ اما اخلاق جامعه و اخلاق حکمرانان و نحوه حکمرانی در جامعه آتن و سپس یونان متحول شد.

این پرونده، سخن امیل دورکیم را به ذهن متبادر می‌کند. دورکیم بیان می‌کند که جرم یک پدیده نرمال و بهنجار است؛ و یکی از دلایل این بهنجاری، عمومیت داشتن جرم است. همه جوامع است؛ هیچ مکان و زمانی را نمی‌توان یافت که عاری از جرم باشد. بنابراین عمومیت جرم ممکن است ناشی از این واقعیت باشد که جرم دارای کارکردهای اجتماعی است؛ یکی از این کارکردها این است که جرم و مرتکب آن، در جامعه را متحول می‌کنند، در واقع، تلنگری به باورها، آداب و رسوم، عقاید و اندیشه‌های غالب و رفتار سیاسی حکمرانان و حکومت وارد می‌کنند. ارتکاب جرم، گاه نوعی اعتراض به آنها باید تلقی شود؛ بدین‌سان، بزهدکار نیز مانند فرد نابغه که می‌تواند با یک اندیشه نو یا یک اختراع یا نگارش مطلبی نو جامعه را متحول می‌کند، با رفتار مجرمانه ارتكابی، به نوبه خود و به عبارتی، می‌تواند جامعه را به فکر بازبینی وضع موجود، باورها، ارزش‌ها و نحوه مدیریت و سازمان‌دهی خود، وا دارد. سقراط، در بحث ما، به اتهام ارتکاب عمل

۱. این موضوع در درس جامعه‌شناسی جنایی، به هنگام مطالعه دیدگاه‌های دورکیم، درباره بهنجار بودن جرم و کارکردهای اجتماعی آن، بیشتر بررسی می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص، و مطالعه دقیق سایر کارکردهای جرم، رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، قابل دسترس در:

جرمانگاری شده در آن مقطع زمانی، محاکمه و اعدام شد؛ اما، از درون کیفر مرگ و محاکمه وی، تحول فکری بزرگی به وجود آمد که منتهی به تحول نظام سیاسی، اجتماعی و... جامعه آتن، یعنی در واقع جامعه یونان آن عصر شد. بدین سان، جرم، می تواند به طور کلی دارای کارکردهای سیاسی - فرهنگی - اقتصادی در جامعه باشد.

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱

تحولات تاریخی قتل در فراش

تحولات تفینینی قتل در فراس

ماده ۷ قانون اور - نمود:

اگر همسر مرد جوانی، به ابتکار و پیش قدمی خود، نزد مردی رود و با او نزدیکی کند، آنان زن را خواهد کشت؛ مرد آزاد می شود.^۱

ماده ۱۲۹ قانون حمورابی:

اگر همسر کسی (= زوجه مردی) در حال همبستری با مرد دیگری دستگیر شود آنها را می بندند و در آب می اندازند. اگر ارباب زوجه (= شوهر) بگذارد همسرش زنده بماند، شاه می گذارد که بنده اش (= تبعه اش) زنده بماند.

ماده ۱۳۰ قانون حمورابی:

اگر کسی همسر باکره کس دیگری را که هنوز در خانه پدرش اقامت دارد، ازالۀ بکارت کند و آنها وی را در حال همبستری با آن زن دستگیر کنند آن مرد کشته خواهد شد، آن زن آزاد خواهد شد.^۲

ماده ۱۹۷ قانون هیتی ها:

هرگاه مردی زنی را در کوهستان بدام انداخته و به او تجاوز کند، مرد مجرم خواهد بود اما اگر آن زن را در خانه اش بدام اندازد، در این صورت زن مجرم محسوب شده و کشته خواهد شد. هرگاه همسر آن زن متوجه عمل آنها شود، می تواند بدون این که مرتکب جرمی شده باشد آنها را بکشد.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: وستبروک، ریموند و دیگران، آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین النهرین باستان، به

کوشش حسین بادمچی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۴.

۲. بنگرید به: قانون حمورابی، ترجمه و تألیف از متن آکدی توسط حسین بادمچی، انتشارات نگاه معاصر تهران، چاپ

اول، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹.

ماده ۲۵۳ قانون جزای عرفی نصرت الدوله فیروز ۱۲۹۳ خورشیدی:

هرگاه یکی از زوجین قاتل دیگری شود معذور نخواهد شد. مگر اینکه در مورد خطر جانی از طرف مجنی علیه واقع شود و قتل را هم در همان حین خطر مرتکب شده باشد ولی هرگاه شوهری زن خود را در منزل خود با مرد اجنبی در هر حال موافقه مشاهده نماید و مرتکب قتل زن یا شخص زانی شود معذور است.

ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی:

هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است. هرگاه، کسی به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم می شود.

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات های بازدارند):

هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

پیوست شماره ۲

اصل تراز در قانون اساسی مشروطه و اصول مربوط به شورای نگهبان در قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مشروطه ایران ۱۲۸۵ خورشیدی و متمم آن مصوب سال ۱۲۸۶ خورشیدی

اصل دوّم متمم قانون اساسی مشروطه

«مصوب سال ۱۲۸۶ خورشیدی برابر با ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ قمری»^۱

مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کم تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیش تر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت

۱ - قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی به نشانی زیر:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414,19/10/1394>, 11:06.

پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده با زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصول مشابه اصل تراز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصول مربوط به شورای نگهبان

اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود.

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رای مجلس انتخاب می گردند.

اصل سابق: اصل نود و یکم: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رای مجلس انتخاب می گردند.

اصل نود و دوم

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند

اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر بیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود.

اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

اصل سابق: اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۳

ماده ۱ - مجازاتهای مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرمهایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات می شوند.

ماده ۲ - هیچ عملی را نمی توان جرم دانست مگر آن چه که به موجب قانون جرم شناخته شده.

ماده ۲۷۹ - اگر کسی قبل از تصویب و انتشار این قانون مرتکب عملی شده باشد که موافق این قانون جنحه یا جنایت تشخیص شده است در مورد تعقیب و برطبق قانون مجازات می شود که اولاً نسبت به آن عمل مرور زمان بر طبق مقررات این قانون حاصل نشده باشد و ثانیاً برای عمل مزبور شرعاً هم حدی معین شده باشد.

ماده واحده قانون تفسیر قسمت اخیر ماده ۲۷۹ مجازات عمومی مصوب ۸ مرداد

ماه ۱۳۰۶ شمسی

قسمت اخیر ماده ۲۷۹ قانون مجازات عمومی از تعقیب قاتلین و مختلسین اموال دولتی و اشخاصی که فعل سند و تزویر نموده و قبل از تصویب و انتشار قانون مزبور مرتکب جرایم مزبور شده اند مانع نمی باشد.

نکته:

قانون نامه کُنت (۱۲۵۸ خورشیدی) و قانون نامه جزای عُرفی نصرت الدوله فیروز (۱۲۹۵ خورشیدی) بیش از یک سده پیش با نثر فارسی، واژه‌های حقوقی، شیوه قانون نویسی و شیوه جرم‌انگاری (وصف گذاری کیفری) و کیفرگذاری رایج در عصر خود نگاشته و تنظیم شده است. از این‌رو، از نظر زبان‌شناسی حقوقی و نیز نحوه جرم‌انگاری - کیفرگذاری قابل مطالعه تطبیقی با زبان‌شناسی حقوقی و شیوه توصیف گذاری - بزه انگاری کیفری و ضمانت اجراگذاری در حقوق امروزی است.

پیوست شماره ۳

قانون نامه کُنت

سواد دستخط مطاع همایون خطاب بحضرت اشرف اسعد اعظم نایب السلطنه
امیر کبیر دامت شوکتہ^۱

(مصوب پنجشنبه هفتم شوال ۱۲۹۶ هجری قمری، برابر با دوم مهر ماه ۱۲۵۸
هجری خورشیدی)

{خطاب به} نایب السلطنه؛ این کتابچه قانونی کنت را خواندم تماماً بسیار
بقاعده و درستست یکدو فقره را ما کم و زیاد کردیم ملاحظه کنید همین کتابچه و
همین دستخط را در مجلس اول دارالشوری که منعقد میشود بدهد قرائت کنند وزرا
هم این کتابچه را امضا کرده بدهند بکنت او هم بدهد چاپ کرده منتشر نمایند و از
تاریخ امضاء وزراء مشغول اجراء این قوانین بوده ذره تخلف نشود همه این
قوانین صحیح و محل ایراد نیست و لزوماً انشاء باید مجری شود و همین دستخط
را بده کنت ملاحظه نماید بداند ما قواعد را پسندیده ایم. سنه ۱۲۹۶

بسمه سبحانه و تعالی

دستگاه پلیس دستگاه اجراییست و مراقبت اجرای جمیع قوانین که از طرف دولت
بدایرهٔ پلیس القا میشود بعهدۀ اوست
پلیس مأمور است بر انتظام ولایت و نگاهداری مردم یعنی تکلیف پلیس است در
تمام تفصیلات و وقوعات کلیه و جزئیّه تحصیل اطلاعات لازمه
پلیس مستقیماً و بلافاصله تعلق باعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه و حکمران
دارالخلافت دارد. پلیس مأمور است بر اینکه مراقبت نماید تا در مملکت بی نظمی و بی-
عدالتی واقع نشود و پلیس مکلفست بر اینکه مواظبت کرده نگذارد احدی حق احدی را

۱- ضمیمه در؛ سیفی فمی «تفرشی»، مرتضی، نظم و نظمیّه در دوره قاجار، تهران، انتشارات یساولی «فرهنگسرا»، ۱۳۶۲،
ص ۲۹۴-۳۱۹.

مستقیماً یا بواسطه مجبوراً ببرد و غضب نماید مقصود از این حقوق عادیه یومیّه است نه مطلق دعاوی و فقط اموریست که بمغلطه و فریب و خُدعه‌الوده باشد که حلّ آن تکلیف پُلّیس است

پُلّیس باید ملاحظه نماید اتفاقات و وقایع عمومی را و همیشه باید در شکوه و ترقّی ولایت مراقبت نماید. پُلّیس لازم است توجّه در آذوقه و مأكولات مردم داشته باشد و بداند حبوبات را کِیها جمع و انبار و حبس مینمایند تا در سال گرانی بکار آید

پُلّیس مامور است بر اینکه هر کسی که باشد شرارت و دزدی و منازعه نماید و یا کسی سکه قلب بزند یا فتنه و فساد نماید یا خط و مَهر بسازد باید تسلّط در گرفتن آنها داشته باشد پُلّیس لازم است ملاحظه حالت متسببان خانواده سلطنت عظمی را نماید پُلّیس مجبور است از اینکه همیشه با اهالی نظام متفق و همدست باشد و همچنین اهالی نظام نیز باید با پُلّیس کمال اتّحاد را داشته باشند

پُلّیس لابد است از اینکه هر وقت از اهل نظام خلافی سر بزند او را گرفته صورت واقعه را پُرت کرده نزد رئیس نظام بفرستد که او را تنبیه نماید

پُلّیس مکلفست بر آنکه اشخاص مقصّر را دستگیر نموده تنبیه نماید تقصیرشان بهر درجه بوده باشد مگر خانواده سلطنت عظمی را که درینصورت باید موافق امر مخصوص شاهنشاه رفتار نماید و باید عدالت و حقانیت را منتشر سازد و احکام و قوانین شریعت مطهّره را معمول و مجری بدارد و خیرخواهی اهالی مملکت را از همه جهت ملاحظه نماید

رئیس پُلّیس حق دارد خود را بلاواسطه تقدیم حضور مبارک نماید و هر کدام قبول و ممضی شد بعد پُلّیس مجبور است بموقع اجرا گذارد

پُلّیس باید مردم را محترم بدارد و مراقب باشد مردم را که همدیگر را محترم دارند و همچنین مردم مجبورند که پُلّیس را محترم بدانند و پُلّیس مجبور است از اینکه مواظبت احکام شریعت و قوانین مذهب را نماید و پُلّیس باید مراقبت کند اسباب قحط و غلا و

موجبات امراض فراهم نشود و دستورالعمل واصله از مجلس حافظالصحه را معمول و مجری سازد

پلیس باید تسلط داشته باشد بر اینکه هر کس خواسته باشد بدون حکم پادشاه برای مداخل خودش از مالیات زیادتیر از مردم بگیرد ممانعت نماید و نگذارد
پلیس باید در کمال دقت مواظبت داشته باشد در خصوص نظافت و تمیزی شهر و وضع ساختن عمارات و نظم و روابط کوچها و همچنین باید در باب آذوقه و آب مردم متتهای مواظبت را داشته باشد و همیشه باید احتیاط قحط و غلا را ملاحظه نماید و ایضاً در باب روشنائی شهر مسئول است و وقتیکه در شهر رئیس احتسایه بوده باشد اجرای فقرات آتیه را پلیس باید بریاست احتساب حکم نماید از قبیل خرید و فروش و نرخ اجناس که در قیمت آنها بهمدیگر ستمشریکی نکنند و خوبی و بدی گوشت و غیره و غیره و پلیس تسلط دارد که رئیس احتساب را مجبور با اجرای اینفقرات نماید

پلیس مکلفست براینکه اعلیحضرت شاهنشاه را از همه چیز مستحضر و با اطلاع دارد و جمیع تفصیلات را بلاواسطه بعرض پادشاه برساند
پلیس مجبور است از اینکه توجه نماید صاحبان ادیان دین خودشانرا محترم بدارند معلوم است هر کس اطاعت قانون و نظم پلیس ننماید اطاعت حکم شاهنشاهی را نکرده است و هر کس از اطاعت پلیس سرپیچد از اطاعت پادشاه سرپیچیده است
در مواد قتل چنانکه شریعت مطهره اسلام حکم فرموده است بلاخلاف و بلااستثنا محاکمه میشود و در قتل عمد و شبه عمد و قتل خطا احکام شارع مقدس مطاع و حتمی الاجرا خواهد بود

- (۱) کسی که بر خلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند و یا اینکه در ضدّ پادشاه و یا خانواده او خیال بدرفتاری و تحریک بد در نظر داشته باشد بعد از تحقیق و ثبوت از یکسال الی پنجسال بدرجه تقصیرات مقصّر با زنجیر محبوس خواهد شد
- (۲) کسی که کنکاش و خیالات و تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریرا و تقریرا بدولت بزند بعد از ثبوت تقصیر او بر حسب حدود تقصیرات از یکسال الی پانزده سال محبوس خواهد شد
- (۳) کسی دستخط و مهر و امضای پادشاه را بسازد باندازه تقصیرات او از ده سال الی بیست و پنجسال حبس خواهد شد و در مدّت حبس دستهای او با دست‌بند آهن بسته و قفل شده کلیدان در خدمت پادشاه یا رئیس پلیس خواهد بود
- (۴) کسی که پول قلب مملکت یا خارجه را سکه بزند و یا بسازد از ده الی بیست و پنجسال با زنجیر کردن محبوس خواهد شد و آن دستی که مرتکب اینگونه عمل خلاف شده است با آهن بسته خواهد شد
- (۵) کسی که قاطع طریق یا دزد باشد و یا رفاقت با آنها نماید چه شغل دائمی او باشد و یا اینکه اتفاقاً رفاقت کرده باشد از راه ضرورت باندازه تقصیر او از یکسال الی پانزده سال حبس خواهد شد
- (۶) کسی که زهر بکسی بدهد و مسموم بمیرد حکم قاتل دارد و اگر تهمت قوی راجع باحدی باشد حبس مؤبد میشود و غیر دواساز و طبیب که برای معالجات بعضی سمومات میفروشند کس دیگر با اطلاع از قصد مرتکب زهری فروخته باشد چون شریک قتلست مستوجب یکسال الی پنجسال حبس خواهد بود
- (۷) کسی که تریاک میکشد از ششماه الی یکسال محبوس خواهد شد
- (۸) کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضدّ مذهب یا دولت و ملت بوده باشد از پنجمه الی پنجسال حبس خواهد شد

۹) کسی که تهمت زند بکسی مکتوباً یا لساناً بدرجه تقصیر او از یکسال الی پنجسال محبوس خواهد شد و از پنجتومان الی یکصد تومان جزای نقدی خواهد داد

۱۰) کسی که ادوات و آلتی را مثل فانوس و غیره خراب نماید باندازه تقصیر او از ششماه تا پنجسال محبوس خواهد شد و از ده تومان تا دویست تومان جریمه نقدی گرفته میشود و همچنین کسی که درختی را از خیابانهای شهر میبرد و یا چشمه و یا سقاخانه را خراب مینماید و یا راه آب و نهرها را برای دزدی آب خراب میکند و کسی که در کوچه و معبر سوراخ درست مینماید و فانوس کوچه را میشکند باندازه تقصیر او از یکماه الی دو سال حبس شده و از یکتومان الی ده تومان جریمه گرفته میشود

۱۱) کسی که فریب بدهد و گول بزند دولت را خواه بواسطه و خواه بلاواسطه و یا باسباب چینی از یکسال تا ده سال حبس خواهد شد و باید تمامی آن وجهی که از آن قمر عاید او شده با تمام بضاعت او ضبط گردیده صرف ایتم و فقرا و ابنیّه خیریه شود

۱۲) کسی که با پول یا غیرپول اسباب چینی نماید کسی را بمهلکه و مخاطره بیندازد باندازه تقصیر او از یکسال الی پنجسال حبس خواهد شد در صورت ثبوت

۱۳) کسی که مرتکب فعل شنیع نسبت بدختری شود که هنوز بحدّ رشد و بلوغ نرسیده باشد بر حسب تقصیر او از پنجسال الی پانزده سال حبس خواهد شد و مجبور است که آندختر غیربالغ را معاش بدهد تا بحدّ بلوغ برسد و اگر میل پدر و مادر باشد او را میتواند بحباله نکاح خود درآورد

۱۴) کسی که دختر باکره بالغه را ضایع نماید باندازه تقصیر او از یکسال الی پنجسال حبس خواهد شد و یا اینکه باید برضایت پدر و مادر آندختر را تزویج نماید و بقدر مکنت فاعل از سی تومان الی یکهزار تومان از او گرفته شده بپدر و مادر دختر داده خواهد شد و اگر طفلی بعمل آید در صورتیکه آنشخص دخت را تزویج ننماید برای طفل از یققران الی پنجقران مخارج یومیّه باید بدهد

- ۱۵) کسی مصدر فعل شنیع نسبت بزن شوهردار و در اداره نظمیّه محاکمه شده بثوبت برسد باندازه تقصیر او از یکسال الی پنج سال حبس خواهد شد و از ده تومان تا صد تومان جریمه خواهد داد
- ۱۶) کسی که تحریک بدزدی بکند و یا گناه و تقصیر را بدینگونه مرتکب شود باندازه تقصیر او از یکسال تا ده سال حبس میشود
- ۱۷) کسی که بد میگوید و تمسخر میکند مذهب خود را بر حسب حد تقصیر او از چهل و هشت ساعت الی ششماه حبس خواهد شد و از پنجتومان الی صد تومان جریمه گرفته میشود و این جریمه بدست یکنفر از مجتهدین داده میشود که صرف مصارف مذهبی نماید
- ۱۸) کسی که آتش بخانه و مایملک کسی بزند از پنجسال تا ده سال بدرجه تقصیر حبس خواهد شد با زنجیر آهن
- ۱۹) کسی که زنی را جبراً از کوچه بکشد در صورت ثبوت از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس و از یکتومان تا ده تومان جریمه گرفته میشود
- ۲۰) کسی که جسارت نموده در ضدّ پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه‌ها بچسباند هر کس بوده باشد و همچنین کسیکه مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند بر حسب حد تقصیر او از یکماه الی پنجسال حبس خواهد شد
- ۲۱) کسی که تغییر لباس برای اجرای نیت بدیکه دارد بکند مثل اینکه مردی بلباس زن درآید که داخل بخانه شود یا ارادل و اوباش که ملتس بلباس اهل فضل و زهد شوند باندازه تقصیر از یکماه الی یکسال حبس خواهد شد و از پنجتومان الی ده تومان جریمه گرفته میشود
- ۲۲) هر کس لفظاً و یا عملاً بی احترامی در حق اهالی نظام و یا در حق کسیکه لباس رسمی دولتی در بر داشته باشد نماید و یا کتک به یکی از آنها بزند از چهل و هشت ساعت الی ششماه حبس خواهد شد و از یک تومان الی ده تومان جریمه خواهد داد

۲۳) هر کس لفظاً و یا ضرباً در حق کسی بی‌احترامی نماید از چهل و هشت ساعت الی دو ماه حبس خواهد شد و بر حسب تقصیر از یک تومان تا ده تومان جریمه خواهد داد

۲۴) هر کس قولاً و یا فعلاً در حق وزیری و یا شخص بزرگی بی‌احترامی نماید باندازه تقصیر او از چهار روز تا دو سال حبس میشود و از پنج تومان تا صد تومان جریمه خواهد داد همچنین حکم سفرای خارجه نیز مثل وزرای دولت خواهد بود

۲۵) اگر یکنفر نوکر نسبت باقای خودش لفظاً یا یداً هتک حرمت نماید بعد از ثبوت باندازه تقصیر او از ده روز الی دو ماه حبس خواهد شد و از پنجهزار الی دو تومان جریمه خواهد داد

۲۶) کتابچه که برای نوکرها مقرر شده بود هر یک از نوکرهای موظف باید در دست داشته باشند و کلیه نوکر عبارتست از فراش قهوه‌چی آبدار پیشخدمت خادم اطاق آشپز شاگرد آشپز شربتدار مهتر جلودار کالسکه‌چی ناظر باغبان و جمیع کسانی که خدمت اطاقی را میکنند و خدمات شخصی را مینمایند و تقسیم این کتابچهها برای تکمیل بصیرت و دانائی دایره پلیس بحالت اشخاص لازم است هر کس نوکر دارد برای صلاحیت امورات شخصی خودش و انتظام شهر باید نوکر را مجبور بداشتن کتابچه نماید چنانچه بعد ازین نوکرها کتابچه نداشته باشند از بیست و چهار ساعت الی چهار روز و هشت روز محبوس خواهد شد و از هزار دینار تا دو تومان جریمه نقدی گرفته میشود طبقه کارکنان و عمله‌جاتی که بآنها نوکر گفته نمیشود بر دو قسمست یکی عمال ادارات و دیگری کسانی که هستند که در جاهای متفرقه بخدمت و انتظامات و مباشری و غیره منصوب هستند علی‌العجاله آنها در سلک نوکر شمرده نمیشوند و دفتر و کتابچه لازم نخواهند داشت

۲۷) از نوکرهای مردم کسی که از خانه بیرون رفته و بدون اذن آقا خانه را خالی و تنها میگذارد از چهل و هشت ساعت تا یکماه حبس خواهد شد و از یکقران تا سه تومان جریمه خواهد داد

۲۸) نوکری که مواظبت و محافظت اسباب خانه را مینماید و در صورت خلاف آن از چهل و هشت ساعت الی سه ماه حبس خواهد بود و از یکقران الی سه تومان جریمه خواهد داد

۲۹) کسی که نمیخواهد در پیش کسی نوکری نماید نمیتواند فوراً بیرون برود باید هشت روز قبل باقای خودش خیر بدهد که آقا درینمدت نوکر دیگر پیدا نماید و همچنین آقا نیز حق ندارد بیکدفعه نوکر را بیرون نماید باید هشت روز قبل باو اطلاع بدهد که جای دیگر برای خود پیدا کند و لیکن در صورتیکه نوکر تقصیر کرده باشد آقا میتواند فوراً او را اخراج نماید و آنوقت لازم است نوکر را بداره پلیس بفرستد هر کس میخواهد نوکر خودش را عوض بکند مجبور است بداره پلیس اطلاع بدهد و آن نوکر هم باید خودش بداره بیاید و کتابچه اش را همراه بیاورد و هر کس تخلف بکند و نیاید بیست و چهار ساعت حبس و از یکتومان تا پنجتومان جریمه گرفته خواهد شد اینفقره بجهت اینست که تغییر یافتن آقا و نوکر معلوم شده در دفتر ضبط و ثبت شود

۳۰) وقتیکه کارگر و عمله اطاعت استاد خود را نکند اسباب و چیزیرا که سپرده اوست ضایع نماید و بشکند بدرجه تقصیر از چهل و هشت ساعت تا یکماه حبس خواهد شد و آنچه را که شکسته و ضایع نموده است غرامت گرفته میشود

۳۱) اسبابی که بکاسب کاری میدهند درست نماید یا تعمیر کند یا پارچه داده باشند بدوزد اگر آنرا خراب نماید یا موافق سلیقه صاحبش نباشد از بیست و چهار ساعت الی یکماه حبس شده و مجبور خواهد بود که قیمت و غرامت آنرا بدهد اگر کهنه هم باشد باید در عوضش نو بدهد

۳۲) کسی که در کوچها با ورق و قاپ و غیره قماربازی کند از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس خواهد شد و پولی که در جیب و بغل اوست بعنوان جریمه ضبط و تصرف خواهد شد

۳۳) کسی که مست شده و در کوچه و بازار اغتشاش و بدمستی مینماید از چهار روز الی یکماه حبس شده و از پنجهزار الی پنجتومان جریمه خواهد داد

۳۴) کسی که اسباب نزاع در قهوه‌خانه و چلوپزخانه و غیره بشود یا خودش منازعه نماید از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس شده از یکتومان الی ده تومان جریمه گرفته میشود اگر صاحب دکان هم در موقع منازعه فوراً بعمله پلیس اطلاع ندهد و منازعه را ابقا و امتداد دهد او نیز شریک جریمه و حبس خواهد بود و در مدت حبس او قهوه‌خانه یا دکان بسته خواهد شد

۳۵) کسی که بحمام رفته در آنجا نزاع و عربده کند از بست و چهار ساعت الی یکماه حبس خواهد شد اگر صاحب حمام دخیل نزاع باشد از یکتومان الی ده تومان جریمه داده پانزده روز حمام بسته خواهد شد

۳۶) کسی که داخل حمام میشود باید هر چه اسباب و پول در جیب و غیره دارد بحمامی نشان داده مخصوصاً بسپارد و همیشه لازم است شاهدی در میانه باشد و حمامی مسئول و ضامن اسبابیست که شخص دارد باو سپرده است اگر آنرا دزد ببرد یا عیب بکند باید از عهده غرامت آن برآید از برای لباس واردین هم حمامی مسئول است هر کدام تخلف از این حکم نمایند از بیست و چهار ساعت الی پانزده روز حبس خواهد شد

۳۷) اگر کاروانسرادار از واردین و سکنه کاروانسرا بداره پلیس اطلاع و روزنامه ندهد از بیست و چهار ساعت تا پنجروز حبس و از یکتومان تا ده تومان جریمه خواهد داد

۳۸) هر کاسبی چیز بفروشد که مورث تولید مرض یا کسالت مزاج بشود از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس خواهد شد از یققران تا پنجتومان جریمه خواهد داد

۳۹) هر کاسبی که چیز خوراکی میفروشد اگر کمفروشی نماید از یکسیر الی پنجسیر از پنجروز تا یکماه حبس خواهد شد از یکتومان تا پنجتومان جریمه خواهد داد

۴۰) هر کس اسب در میان کوچه و بازار بدواند اعم از اینکه بکسی اذیت برساند یا نرساند از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس شده اسب او در دایره جلیله خواهد ماند تا صد و پنج قیمت اسب را باداره داده اسب را ببرد

۴۱) هر کس در مسجدی با زن و یا بچه و غیره بغیر قاعده و خلاف حرکت نماید از هشت روز الی یکماه حبس خواهد شد و از یکتومان تا پنجاه تومان جزای نقدی گرفته در خدمت یکی از مجتهدین تسلیم صندوق مذهبی خواهد شد

۴۲) کسی در میان کوچه غوغا و بیجهت مثل دیوانکان فریاد بزند و بی نظمی نماید از چهل و هشت ساعت الی ده روز حبس شده از یققران تا پنجتومان جریمه خواهد داد

۴۳) هر کس منازعه و دعوا نماید از چهل و هشت ساعت تا یکماه باندازه تقصیرش حبس شده از پنجقران الی پنجتومان جریمه گرفته میشود

۴۴) کسی که کثافت و زبیل میان کوچه میریزد و عوض اینکه بجای مخصوص زبیل ببرد چهل و هشت ساعت حبس از یققران تا یکتومان جریمه خواهد داد

۴۵) کسی چیزی را بقیمتی بفروشد که ارزش نداشته باشد از قبیل نان و کاه و جو و هیزم ذغال و غیره که مایحتاج خلق است چهل و هشت ساعت حبس از یکتومان تا پنجتومان جریمه خواهد داد

۴۶) هر کس بطور غیرمستور بکوچه بیرون بیاید باندازه تقصیر او از چهل و هشت ساعت الی یکماه حبس خواهد شد

۴۷) هر کس میمیرد و هر کس متولد میشود کسان آنها مجبور است بداره خبر بدهند تا در دفاتر اموات و متولدین اسامی آنها ثبت و قید شود هر کس تخلف نماید چهل و هشت ساعت حبس از یک تومان الی پنجتومان جریمه خواهد داد

۴۸) کسی که تزویج میکند یا طلاق میگیرد از طرف زن و شوهر باید بداره اطلاع بدهد تا در دفتر ثبت شود هر کس مخالفت کند یکروز حبس از یکتومان الی پنجتومان جریمه خواهد داد

۴۹) هر کس میخواهد بسفیری خارج از ولایت ایران برود یا اینکه از سفر مراجعت کرده باشد باید بداره پلیس اطلاع بدهد اینکس مخالفت نماید بیست و چهار ساعت حبس شده و از یکتومان الی پنجتومان جریمه خواهد داد و این بجهت اینست که آنها در دفتر ثبت شده وارد و صادر معلوم گردد

۵۰) کسی که از شهر طهران بسفر چهار و پنجماه بیرون برود چه هنگام عزیمت و چه در مراجعت باید بداره پلیس اطلاع بدهد تا در دفتر نوشته شود هر کس تخلف نماید بیست و چهار ساعت حبس از یکتومان الی پنجتومان جریمه گرفته میشود

۵۱) کسی که میخواهد خانه بسازد و بنای جدیدی نماید که این بنا در سمت کوچه و متعلق بمعبر است باید نقشه آنرا آورده بداره پلیس اطلاع بدهد تا معلوم شود چگونه میخواهد بسازد و در دفتر نوشته شود اگر کسی اطاعت ننماید بیست و چهار ساعت حبس از یکتومان تا پنجتومان جریمه خواهد داد

۵۲) هر کس قهوه‌خانه جدید میخواهد باز کند یا دکان تازه دایر نماید هر نوع امتعه در آن میخواهد بفروشد مجبور است بداره پلیس اطلاع بدهد اگر خبر ندهد چهل و هشت ساعت حبس از یکتومان تا ده تومان جریمه گرفته خواهد شد

۵۳) کسی که میخواهد خانه خود را عوض کند باید بداره پلیس اطلاع بدهد که ثبت شود و الا بیست و چهار ساعت حبس از یکتومان تا پنجتومان باید بدهد

۵۴) هر کس چیزی در کوچه و بازار پیدا نماید از قبیل اسباب و اسلحه و یا اسب و قاطر و الاغ و سایر حیوانات باید آنرا بدارهٔ نظمیّه آورده تسلیم نماید و در عوض بفراخور اندازهٔ قیمت آنچه را انعامی خواهد گرفت و هر کس پیدا کرده نیاورد و بعد معلوم شود از شش روز الی یکماه حبس و مانند دزد با او رفتار میشود

۵۵) هر کس چیزی گم کند لازمست بدارهٔ پلیس اطلاع بدهد که مشغول تفحص و پیدا کردن آنچه باشد

۵۶) هر گاه صاحب‌خانه و یا دکانی خانه و یا دکان خود را غفلت کرده باز بگذارد و چیزی بدزدی ببرند بعد بیاید به پلیس عارض شود پلیس حرف او را جزو لاطایلات شمرده او را نخواهد شناخت و گوش نخواهد داد

۵۷) کسی که اسباب خود را بدون هیچ محافظه و پاسبان مخصوص جائی میگذارد اگر اسباب او را ببرند پلیس ابداً ضامن آن نیست اما تجسس دزد را خواهد کرد

۵۸) کسی که بچه در کوچه پیدا نماید او را بدارهٔ پلیس بیاورد هر کس تخلف بکند بیست و چهار ساعت حبس و از یک تومان الی سی تومان جریمه خواهد داد

پيوسٽ شمارۀ ۳

قانوننامۀ جزای عرفی نصرت الدولہ فیروز

قانون جزای عرفی^۱

پیشنهادی حضرت اشرف والا شاهزاده نصرت الدوله وزیر عدلیه اعظم که در تاریخ سه‌شنبه پنجم جمادی‌الاولی ۱۳۳۵ [هجری قمری]، هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم اجرای موقت آن را تصویب فرموده‌اند.

۱۲۹۵ خورشیدی (برابر با ۱۹۱۷ م.)

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون جزای عرفی

قسمت اول

در مجازات و اثرات مترتبه بر آن و سایر احکام کلیه

فصل اول

در مجازات جنایت و جنحه و خلاف

ماده ۱- مجازات جنایت بر دو قسم است: اول ترهیبی و ترذیلی با هم. دوم ترذیلی فقط. مجازات جنحه تأدیبی است.

۲. قانون جزای عرفی، تهران، مطبعه «ناروس» طهران، بی‌تا، بی‌نا.

مجازات خلاف تکدیری است (رجوع بفصل اول از باب سیم قانون اصول محاکمات جزائی).

ماده ۲- جزاهائیکه هم ترهیبی و هم ترذیلی است از اینقرار است.

(۱) اعدام.

(۲) حبس دائم با قید.

(۳) حبس غیردائم با قید.

(۴) حبس دائم در قلاع.

(۵) حبس غیردائم در قلاع.

(۶) حبس مجرّد.

ماده ۳- جزاهائیکه فقط ترذیلی است از اینقرار است:

(۱) اخراج از مملکت.

(۲) محرومیت از حقوق اجتماعی (رجوع به ماده ۲۲).

ماده ۴- جزاهای تأدیبی از اینقرار است.

(۱) حبس غیردائم در محبس تأدیبی.

(۲) محرومیت موقت از بعض حقوق اجتماعی یا مدنی یا خانوادگی.

(۳) حبس قابل ابتیاع.

(۴) ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص.

ماده ۵- جزای تکدیری فقط حبس قابل ابتیاع است.

ماده ۶- هر کس محکوم به اعدام شد سر او را از بدن قطع می‌کنند.

ماده ۷- جنازه مقتولین به خانواده آنان در صورتیکه تقاضا کنند تسلیم میشود

بشرط آنکه متعهد شوند که بدون تشریفات دفن نمایند.

ماده ۸- اشخاصی که محکوم بحبس دائم با قید شده‌اند در محبس مخصوص

این نوع حبس در تحت قید و مشغول اعمال شاقه خواهند بود و مطابق

نظامنامه که بموجب فرمان پادشاه برای آنها ترتیب داده شده با آنها رفتار می‌شود.

ماده ۹- مدت محکومیت بحبس غیردائم با قید کمتر از سه و بیشتر از پانزده سال نخواهد بود.

ماده ۱۰- اشخاصی که محکوم بحبس در قلاع شده‌اند در قلعه که بموجب فرمان پادشاه معین میشود بدون قید محبوس خواهند گردید. شخص محبوس میتواند با اشخاصی که در داخل محبس میباشند و نیز با اشخاص خارج از محبس مطابق نظامنامه که بموجب فرمان پادشاه مقرر میشود مرادده نماید.

حبس در قلاع هرگاه غیردائم باشد مدت آن کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال نخواهد بود جز در موردی که در ماده (۲۰) مقرر است.

ماده ۱۱- اشخاصی که محکوم بحبس مجرد شده باشند در حجرات مخصوص جداگانه بدون قید محبوس خواهند شد و از مرادوات خارجی ممنوعند مگر موافق ترتیبات خصوصی مطابق نظامنامه محبس‌ها که بر طبق آن فرمان صادر میشود.

مدت حبس مزبور کمتر از دو سال و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۱۲- مدت کلیه جزاهائیکه موجب سلب آزادی است از روزی محسوب میشود که شخص محکوم علیه بر حسب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده است.

ماده ۱۳- در صورتیکه شخصی قبل از صدور حکم موقتاً توقیف شده باشد و بر حسب حکم محکمه جنحه یا جنایت محکوم بجزائی گردد که سلب آزادی میکند ایام توقیف موقت از مدت حبس کسر خواهد شد جز در موردی که محکمه معین نماید که کل یا بعض آن محسوب نگردد.

ماده ۱۴- شروع باجرای هیچ مجازاتی در اعیاد مذهبی و ملی و روزهای رحلت و شهادت معصومین و روزهای جمعه نمی‌شود.

ماده ۱۵- اجراء حکم اعدام دربارهٔ رجال در یکی از محلهای عمومی ناحیه که محکمه معین خواهد کرد و دربارهٔ انانث در محبس بعمل می‌آید.

ماده ۱۶- در صورتیکه زن محکوم به اعدام حامله باشد حکم محکمه پس از وضع حمل مجری خواهد گردید.

ماده ۱۷- محکومیت بحبس دائم و غیردائم با قید و حبس مجرد و حبس در قلاع و اخراج از مملکت موجب سلب حقوق اجتماعی است.

سلب حقوق اجتماعی از روزی شروع میشود که حکم محکمه قطعی و قابل اجرا شده است و در مورد احکام غیابی از زمان اعلان و اشاعهٔ حکم و چسباندن صورت مصدق در ب اقامتگاه محکوم علیه غایب است.

ماده ۱۸- اشخاصی که به حبس با قید یا حبس در قلاع یا حبس مجرد محکوم میشوند مادام که در تحت مجازاتند میتوانند یکنفر یا بیشتر از طرف خود برای اداره و اقامهٔ امور زندگانی خود تعیین نمایند و لیکن شخصاً نمیتوانند در مایملک خود تصرفات خودسرانه نمایند.

ماده ۱۹- اشخاصی که محکوم باخراج از مملکت گردیده‌اند بتوسط مأمورین مخصوص و بر حسب حکم دولت بخارج از خاک ایران فرستاده خواهند شد.

مدت اخراج کمتر از دو سال و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۲۰- اگر شخصی محکوم باخراج از مملکت قبل از انقضای مدت مجازات بخاک ایران مراجعت نماید همین که هویت او معلوم شد محکوم خواهد شد بحبس در قلاع و مدت این محکومیت کمتر از باقیمانده مدت مجازات اولی و بیشتر از ضعف آن نخواهد بود.

ماده ۲۱- دربارهٔ کسانی که محکوم بحبس غیردائم با قید یا حبس غیردائم در قلاع یا حبس مجرد میشوند حکم ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص بعد از انقضاء مدت حبس درمدتی که زیاده از ده سال نباشد نیز جایز است.

ماده ۲۲- محرومیت از حقوق اجتماعی متضمن نتایج ذیل است- اولاً عزل و اخراج محکومین از هر خدمت دولتی. ثانیاً محرومیت از حق رأی دادن و انتخاب کردن و انتخاب شدن و جزء هیئت منصفه بودن و کلیهٔ از تمام حقوق ملی و سیاسی و استعمال کلیه نشانهای دولتی. ثالثاً عدم صلاحیت آنان از مصدق و ممیز شدن و همچنین عدم قبول شهادت آنان در معاملات. اظهارات این اشخاص در عدلیه فقط برای مزید اطلاع خواهد بود. رابعاً محرومیت از قیمومت و ولایت و وصایت مگر نسبت به اولاد خود. خامساً ممنوعیت از حمل اسلحه و داخل شدن در قشون ملی و استخدام در نظام مملکتی و شغل مدیری و معلمی مدرسه و روزنامه‌نویسی و استخدام در کلیهٔ دوایر معارف بعنوان معلمی و ناظمی و یا مبصری.

ماده ۲۳- هر موردی که حکم بمحرومیت از حقوق اجتماعی بطور مجازات اصلی صادر گردد جمع مجازات مزبور با یکمدت حبسی که متجاوز از سه سال نباشد نیز جایز است.

ماده ۲۴- خلاصه کلیه احکام صادره بر اعدام و حبس دائم یا غیر دائم با قید و حبس در قلاع و حبس مجرد و محرومیت از حقوق اجتماعی و اخراج از مملکت بطبع رسیده و حکم مزبور در کرسی ایالات و ولایات و در محلی که حکم در آنجا صادر گردیده و در محلی که جرم در آنجا واقع شده و در جائیکه حکم مزبور بموقع اجرا گذارده میشود و در محل اقامت محکوم علیه اعلان خواهد شد.

ماده ۲۵- اشخاصی که بواسطه ارتکاب به جنحه محکوم به حبس تأدیبی شده‌اند در محبس تأدیبی بدون قید محبوس میشوند و موافق نظامنامه محبس‌های تأدیبی از مشاغلی که برای محبوسین مقرر است هر شغلی را که بخواهند اختیار میکنند.

مدت حبس جنحه از شش روز الی سه سال است جز در مورد ارتکاب مجدد و موارد دیگری که قانون استثنا کرده و مجازات دیگر تعیین نموده است.

حبس یکروز ۲۴ ساعت و حبس یکماه سی (۳۰) روز است.

ماده ۲۶- یک قسمت از منافع کاری که محبوس می‌کند برای مخارج عمومی محبس مقرر است و بقیه مخصوص بشخص محبوس است که موافق نظامنامه محبس بهر مصرف می‌خواهد برساند.

ماده ۲۷- محاکم جنحه در بعضی از موارد میتوانند حکم محرومیت کل یا بعضی از حقوق اجتماعی و مدنی مفصله ذیل را صادر نمایند.

(۱) انتخاب نمودن اعضای پارلمان و انجمنهای ایالتی و بلدی.

(۲) منتخب شدن در موارد مزبوره.

(۳) معین شدن و اشتغال بمشاغل هیئت منصفه یا بشغلی از مشاغل دولتی و ملتی.

(۴) حمل اسلحه.

(۵) قیم یا وصی شدن.

(۶) مصلق بودن و شهادت دادن در عدلیه یا در سایر موارد رسمی مگر اینکه اظهارات آنها فقط برای اطلاع باشد.

ماده ۲۸- محاکم جنحه حکم محرومیت مزبوره در ماده فوق را نخواهند داد مگر در مواردی که قانون تصریح نموده است.

ماده ۲۹- محکومین در محاکم عدلیه علاوه بر محرومیت‌های فوق ممکن است بموجب قوانین و نظامات دیگر دولتی از بعض حقوق دیگر نیز محروم شوند.

ماده ۳۰- در مواردی که محکمه جزا بموجب قانون درباره مقصر حکم به حبس قابل ابتیاع می‌دهد هرگاه محکوم بخواهد حبس خود را ابتیاع نماید میزان آن از قرار روزی سی و دو قران است.

ماده ۳۱- محکومیت به حبس قابل ابتیاع مستلزم حرمان از حقوقی که لازمه حبس‌های دیگر است نیست.

ماده ۳۲- حبس تکدیری از جهت امور خلافیه بر حسب درجات و مراتب شخصیه کمتر از یکروز و بیشتر از پنجروز نخواهد بود و هر روز حبس را باید بیست و چهار ساعت تمام محسوب داشت.

ماده ۳۳- مجازات حبس تکدیری در امور خلافیه کلیه بمیل محکوم قابل تبدیل بوجه نقدی است و میزان تبدیل بسته بنظر محکمه و درجات استطاعت مقصر و کیفیت تقصیر او است حدّ اقل در ازای هر روز حبس دو قران و حدّ اکثر سی قران است و در کلیه موارد محکمه باید مبلغی را که حبس تأدیبی بآن تبدیل میشود تحقیقاً معین کند.

فصل دوم

در سایر احکامی که ممکن است در موارد خلاف و جنحه و جنایت صادر شود

ماده ۳۴- محکومیت بمجازاتاتی که برحسب قانون معین میشود مانع از تأدیه خسارات (ضرر و زیان) نیست.

ماده ۳۵- در تمام امور جزائی محکمه مرجوعه باید حکم مخصوص صادر نماید هم درباره اشیائیکه دلائل جرم بوده و متعلق بجرم محکوم است هم درباره اشیائیکه از جرم تحصیل شده و هم درباره اشیائیکه در حین ارتکاب استعمال شده یا برای استعمال معین شده بوده است.

ماده ۳۶- در صورت استرداد مال غیر هر گاه خسارتی بصاحب مال وارد شده باشد میتواند علاوه بر استرداد مال خود مطالبه خسارت از شخص مقصر متعددی بنماید و تعیین مقدار خسارت در مواردی که قانون معین نکرده باشد بنظر محکمه است.

ماده ۳۷- اجراء حکمی که از محاکم جزائی صادر شده و موضوع آن مالی باشد از قبیل استرداد اصل مال و خسارت طرف و مخارج عدلیه ممکن است بوسیله توقیف و حبس تا زمان تأدیه بعمل آید مگر اینکه محکوم اعسار خود را ثابت کند و مادام که اعسار به ثبوت نرسیده توقیف خواهد بود. در صورت ثبوت اعسار و رهائی مادام که معسر است از او مطالبه نمی شود مگر آنکه ثانیاً متمکن شود.

فصل سیم در مجازات تکرار جرم

ماده ۳۸- هرگاه کسی به حکم قطعی (قابل اجرا) محکوم به ارتکاب جنایتی شود و بعد از اجرای مجازات باز مرتکب جنایتی گردد مجازات ثانی او از قرار ذیل است.

اگر مجازات اصلی جرمی که ثانیاً مرتکب شده محرومیت از حقوق اجتماعی است محکوم باخراج از مملکت خواهد گردید.

اگر مجازات جرم ثانوی اخراج از مملکت باشد محکوم به حبس غیردائم در قلاع خواهد بود.

اگر مجازات آن حبس مجرد باشد محکوم به حبس غیردائم با قید خواهد بود.

هرگاه مجازات آن حبس غیردائم در قلاع باشد از حدّ اکثر جزاء مزبور تا ضعف آن مجازات داده می شود.

و اگر مجازات جرم ثانوی حبس غیردائم با قید است از حداکثر جزاء مزبور تا ضعف آن مجازات داده می شود.

و هرگاه مجازات آن حبس دائم در قلاع باشد محکوم به حبس دائم با قید خواهد گردید.

و اگر کسی محکوم به حبس دائم با قید بوده و در ثانی مرتکب جرمی بشود که همان مجازات را داشته باشد جزای او اعدام است.

ماده ۳۹- هرگاه کسی بحکم محکمه نظامی برّی یا بحری محکوم گردد و مجدداً مرتکب جنحه یا جنایتی شود در محاکم جزائی بمجازات جنحه و جنایت مکرره محکوم نخواهد گردید مگر اینکه محکومیت اولیه شخص

بواسطهٔ جنحه و جنایتی باشد که بموجب قانون جزای عمومی قابل مجازات بوده است.

ماده ۴۰- هرگاه شخصی از حیث ارتکاب جنایت بمجازات حبس محکوم گردد و بعد از اتمام مجازات مذکور یا رفع آن بواسطه مرور زمان قانونی (ماده ۴۳) در ظرف پنجسال مرتکب جنحه شود که مجازات آن حبس باشد بمجازات حد اکثر جزای قانونی محکوم خواهد گردید و ممکن است که ضعف جزای مذکور درباره وی مقرر گردد بعلاوه ممکن است که محکوم علیه ممنوع شود از اقامت در محلهائی که صورت آن قبل از آزادی مشار الیه از طرف دولت اعلام خواهد شد و مدت ممنوعیت کمتر از پنج و بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۴۱- در صورتیکه شخصی بجرم جنحه محکوم به حبس شود و در ظرف پنج سال بعد از اتمام مجازات مذکور یا رفع آن بواسطه مرور زمان (ماده ۴۳) ثانیاً جنحه که موجب حبس باشد گردد بطریق ماده قبل مجازات میشود. هرگاه جنحه ثانی را بعد از پنج سال از اتمام مجازات اولی یا رفع آن بواسطه مرور زمان مرتکب گردد مجازات تکرار جرم نخواهد دید و مثل کسی مجازات میشود که فقط یکمرتبه مرتکب جرم شده باشد.

ماده ۴۲- مجازات تکرار جرم خلاف در موقع تعیین مجازات خلافها معین شده است.

مجازاتهای مذکوره برای تکرار جرم خلاف درباره کسانی مقرر میشود که خلاف مجدد را در ظرف یکسال از محکومیت اول مرتکب شده باشند ولی هرگاه بیش از یک سال از زمان ارتکاب اول گذشته باشد مانند اشخاصی مجازات خواهند شد که در نوبت اول محکوم میشوند.

فصل چهارم

در اسقاط و تعلیق و تخفیف مجازات

ماده ۴۳- در موارد جرمهائیکه در این قانون مذکور است هرگاه کسی مرتکب خلاف یا جنحه یا جنایتی شده و در مورد خلاف در ظرف یکسال شمسی و در مورد جنحه در مدت سه سال شمسی و در مورد جنایت در ظرف ده سال شمسی جرم او تعقیب نشده باشد دیگر تعقیب از مجرم نمی‌شود و اگر شروع به تعقیب مجرم شده ولی این تعقیب بجهتی موقوف مانده و مدت‌های مزبوره منقضی گردیده باشد دیگر اعاده تعقیب نخواهد شد.

مبدأ مدت‌های مذکوره در صورت اخیر از روزی است که تعقیب متهم یا مقصر موقوف شده است.

ماده ۴۴- هرگاه تعقیب خلاف یا جنحه یا جنایت بعمل آمده و حکم مجازات نیز صادر شده ولی بجهتی از جهات غیر مجری مانده حکم مجازات مزبور در مورد خلاف بعد از دو سال و در مورد جنحه بعد از پنجسال و در مورد جنایت بعد از بیست سال از روز صدور بلا اثر خواهد بود و دیگر مجری نخواهد شد لیکن نتایج آن از قبیل محرومیت از حقوق اجتماعی باقی خواهد بود.

ماده ۴۵- شخصی که بواسطه ارتکاب جنحه محکوم به جزای نقدی حبس شده که مدت آن زیاده از دو سال نیست در صورتیکه سابقاً مرتکب جنحه یا جنایت دیگری نشده باشد محکمه میتواند نظر باخلاق و احوال او با دلایل موجهی که موجب تعلیق مجازات باشد اجرای مجازات را موقتاً موقوف بدارد مشروط بر اینکه از روز صدور حکم تعلیق تا پنجسال شخص محکوم مصدر جنحه یا جنایت دیگر نشود.

ماده ۴۶- در مورد ماده قبل هرگاه محکومی که محل رعایت فوق واقع شده در مدت پنجسال جنایت یا جنحه جدیدی مرتکب نشد محکومیت اولیه او مبلغی و کان لم یکن خواهد شد ولی اگر در مدت پنجسال مذکور مرتکب جنایت یا جنحه جدیدی شد بدو مجازات اولیه مجری و بعد از آن مجازات جنایت یا جنحه جدید نیز درباره او اجرا خواهد گردید.

ماده ۴۷- تعلیق مجازات موجب تعلیق تادیه مخارج محاکمه و یا ضرر و خسارت وارده نخواهد شد.

ماده ۴۸- هرگاه محرومیت از حقوق اجتماعی و ممنوعیت از بعضی از حقوق مزبوره بطور مجازات فرعی صادر شده باشد حکم تعلیق مجازات اصلی شامل مجازات فرعی نخواهد بود.

اما اگر محکومیت شخص بموجب ماده قبل ملغی شود مجازات فرعی هم از تاریخ الغای مجازات اصلی ملغی و مرتفع خواهد بود.

ماده ۴۹- حکم تعلیق مجازات باید از همان محکمه که حکم مجازات را داده تواماً صادر شود و رئیس محکمه باید بعد از تعلیق مجازات بمحکوم اطلاع بدهد که اگر بواسطه ارتکاب جنایت یا جنحه جدیدی محکوم شود مورد مجازات اولیه واقع شده و بمجازاتیکه بواسطه تکرار جنحه و ارتکاب جنایت مطابق مواد (۳۸) و (۴۰) و (۴۱) این قانون مقرر است محکوم خواهد گردید.

ماده ۵۰- محکومیت تعلیقی در دفتر مخصوص که راجع بمحکومیتها است ثبت خواهد شد.

ماده ۵۱- تعلیق مجازات شامل محکومین بمجازات جنایت و خلاف نیست.

ماده ۵۲- هرگاه هیئت حاکمه درباره اشخاصی که تقصیر ایشان محقق شده است تصدیق کنند که واقعه مقرون به کیفیات مخففه بوده است مجازات ایشان بطریق ذیل مقرر میشود.

اگر مجازات جنایت مزبوره اعدام باشد محکمه جنایت آنرا تبدیل بحبس دائم یا غیردائم با قید خواهد نمود.

اگر حبس دائم با قید باشد محکمه آنرا تبدیل بحبس غیردائم با قید یا حبس مجرد خواهد نمود.

هرگاه مجازات حبس غیردائم با قید باشد محکمه آنرا مبدل بحبس مجرد مینماید.

اگر مجازات حبس دائم در قلعه باشد محکمه آنرا تبدیل بحبس مجرد مینماید.

هرگاه مجازات جنایت واقعه حبس غیردائم در قلعه یا حبس مجرد یا اخراج از مملکت یا محرومیت از حقوق اجتماعی باشد مجازاتهای مذکور تبدیل بحبس تأدیبی از یکسال الی سه سال خواهد گردید و ممکن است سلب حقوق مذکور در ماده (۲۷) نیز در مدت سه سال الی ده سال از روزی که مجازات حبس باتمام برسد درباره مقصر حکم شود.

ماده ۵۳- در مواردی که قانون جزا حد اکثر مجازات تهریبی را مقرر میدارد هرگاه کیفیات مخففه موجود باشد محکمه جنایت حداقل همان مجازات را یا مجازاتی که یکدرجه پائین تر است میدهد.

ماده ۵۴- هرگاه مجازات جنحه برحسب قانون جزا حبس تأدیبی یا حبس قابل اتباع باشد اگر کیفیات مخففه موجود باشد محاکم جنحه مجازند که حبس را تا کمتر از شش روز مقرر دارند ولو اینکه جرم تکرار شده باشد.

ماده ۵۵- هرگاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع با جرائیات آن بنماید ولی بواسطه موانع خارجی قصدش معلق یا بی اثر بماند و نفس جنایت منظوره او وقوع نیابد عملیات او مستوجب مجازات است و مجازاتی که باو داده میشود حداقل مجازاتی است که برای نفس جنایت مقرر است و در صورتیکه مجازات اصل جنایت اعدام باشد مبدل بحداکثر حبس غیردائم با قید میشود.

ماده ۵۶- در جنایاتی که مجازات حبس با قید یا حبس در قلاع برای آنها مقرر است هرگاه مقصر زن یا مرد هفتاد ساله باشد مجازاتهای مذکوره تبدیل به حبس مجرد می شود.

ماده ۵۷- کسانی که مشمول رعایت اسقاط و تعلیق و تخفیف مجازات میشوند هرگاه از اقامت در محل مخصوص ممنوع شده باشند رفع این ممنوعیت درباره آنان بسته بنظر دولت و محکمه است.

فصل پنجم

در تشخیص اشخاصی که مرتکب جرم شده و قابل عفو یا مستوجب مجازات و یا مسئولند.

ماده ۵۸- هر گاه اشخاص متعدده مرتکب جرمی شوند بطوریکه تقصیر همه بالسویه باشد یا اینکه هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند شرکاء جرم محسوب‌اند و مجازات همه یکسان است.

ماده ۵۹- اشخاصی که بوعده یا تهدید و یا بسوء استعمال اختیارات قانونی و تخطی از حدود قانونیه و تفتین یا تزویر و یا اغوا و یا دادن تعلیمات باعث و محرک جرمی شوند معاونین مجرم خواهند بود- همچنین همدستان مجرمین محسوبند اشخاصی که تدارک اسلحه و اسباب و آلات و ادوات جرم و امثال آنها را نموده یا به مجرم بدهند و بدانند که اسلحه و اسباب مزبوره برای ارتکاب جرمی است و نیز کسانیکه عالمأ به مباشر جرم از حیث تهیه و تدارک آن یا تسهیل اجرای آن معاونت کرده و یا در حین ارتکاب دخالت نموده‌اند.

ماده ۶۰- معاونین مجرمین بطریق ذیل مجازات میشوند.

هرگاه مجازات مرتکب اصلی اعدام یا حبس دائم با قید باشد مجازات معاونین حبس غیردائم با قید خواهد بود و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس دائم در قلاع باشد مجازات معاونین حبس غیردائم در قلاع است.

هرگاه مجازات مرتکب اصلی حبس غیردائم با قید بوده مجازات معاونین حبس با قید است از یکسال الی سه سال و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس غیردائم در قلاع باشد مجازات معاونین حبس در قلاع است از یکسال تا دو سال.

هرگاه مجازات مرتکب اصلی حبس مجرد یا اخراج از مملکت باشد مدت همان مجازات نسبت بمعاونین از چهار ماه تا دو سال است و اگر مجازات مرتکب اصلی حبس تأدیبی باشد مجازات معاونین بنظر محکمه از سدس مدت مجازات مرتکب اصلی الی ثلث مقرر خواهد بود.

ماده ۶۱- اشخاصی که از اخلاق و اعمال جنایت‌کارانه اشراک مطلع بوده و نیز از حالات اشخاص و کسانی که بر ضد امنیت دولت و ملت اقدام مینمایند و یا بر جان و مال مردم بی‌اعتدالی میکنند آگاه باشند و برای آنها عاده منزل یا پناهگاه و یا محل اجتماع تهیه کنند مجازات آنها بموجب مراتب جرم مانند مجازات معاونین خواهد بود.

ماده ۶۲- هرگاه بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی اشیائی بدست آمده یا اختلاس و یا سرقت شده و کسانی آن اشیاء را عالمی عامداً مخفی نمایند در حکم معاونین محسوب شده و مجازات آنان مانند مجازات سایر معاونین مرتکبین جنحه یا جنایت مزبوره است.

ماده ۶۳- در صورتیکه مجازات مرتکبین اعدام باشد مجازات مخفی‌کنندگان مرتکب حبس غیردائم با قید خواهد بود. در هر حال مجازات حبس با قید و یا حبس دائم در قلعه به مخفی‌کنندگان داده نخواهد شد مگر اینکه ثابت شود که مخفی‌کنندگان در موقع اخفاء از اوضاع و احوال اعمالی که بموجب قانون مجازات اعدام و حبس دائم با قید و حبس دائم در قلعه دارد مطلع بوده‌اند.

در صورتیکه مخفی‌کنندگان فقط علم به تقصیر مرتکب دارند ولی نسبت بخصوصیات سابق جاهل باشند مجازات ایشان حبس مجرد است.

ماده ۶۴- هیچ جنایت یا جنحه را نمیتوان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد الا در مواردیکه قانون آنرا قابل عفو دانسته و یا در مجازات آن تخفیفی داده باشد.

ماده ۶۵- هرگاه شخص مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون بوده یا بقوه قهریه مجبور بارتکاب گردیده و قوه مقاومت و مخالفت را نداشته در عداد مرتکبین جنحه و جنایت محسوب نخواهد بود.

ماده ۶۶- در صورتیکه شخص مرتکب غیربالغ و غیرممیز باشد از مجازاتی که برای مرتکب بالغ ممیز مقرر است معاف خواهد بود ولی باید برحسب اوضاع و احوال او را با قید التزام باولیای او تسلیم نمود یا بحکم محکمه به تربیت‌خانه فرستاد که در آنجا محفوظ و بترتیب مقرر تربیت شود و نهایت مدتیکه برای این توقیف مقرر میشود حد بلوغ است.

ماده ۶۷- اشخاص ممیز غیربالغ که مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها حبس تأدیبی از یکسال و نیم الی پنجسال است و هرگاه مرتکب جنحه شوند مجازات ایشان زیاده از نصف مجازات اشخاص بالغ که مرتکب همان جنحه گردند نخواهد بود.

ماده ۶۸- اشخاص غیربالغ هرگاه مرتکب جرمی شوند اگرچه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه میشوند مگر اینکه شخص بالغی شریک یا معاون ایشان بوده باشد که در اینصورت هر دو در محکمه جنائی محاکمه خواهند شد.

ماده ۶۹- مباشرین مهمانخانه‌ها و کاروانسراها و امثال آنان پس از آنکه ثابت شود که بیش از ۲۴ ساعت بشخصی که در مدت توقف در مهمانخانه و کاروانسرا و غیره مرتکب جنایت یا جنحه شده است منزل داده‌اند مسئول بااسترداد خسارت و مخارجی که بر اشخاص منضرر [متضرر] وارد آمده خواهند بود و این در صورتی است که مباشرین مزبوره در دفتر خود اسم و شغل و محل اقامت شخص مقصر را ثبت ننموده باشند.

ماده ۷۰- در مواردی که ممکن است در ضمن امر جنائی یا جنحه یا خلاف
مسئولیت حقوقی حاصل شود محکمه بر طبق قوانین حقوقی رسیدگی نموده
حکم میدهد.

قسمت دویم.

در جنحه و جنایت نسبت به دولت

فصل اول

در جنحه و جنایت بر ضد امنیت دولت.

مبحث اول

در جنایات و جنحه بر ضد امنیت خارجی مملکت.

ماده ۷۱- هر فرد از افراد ایرانی که با مشارکت دشمنان خارجی بر ضد دولت مسلح شود محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

ماده ۷۲- هر گاه شخصی با دول خارجه یا مأمورین آنها داخل در اسباب چینی شود یا آنها را بخصومت یا جنگ با دولت و ادار نماید یا وسایل آنها برای آنها فراهم آورد محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید. حکم مزبور مجرمی خواهد بود ولو آنکه اسباب چینی او مؤثر واقع نشود.

ماده ۷۳- هر گاه شخصی از حیث تسهیل دخول دشمنان دولت در داخل مملکت و یا متصرفات آن سبب فتنه و شده با آنها مساعدت نماید و یا آنکه شهر یا قلعه یا میدان و یا قراولخانه و بندر و مخزن و قورخانه و یا کشتی‌های متعلقه بدولت را بتصرف دشمن درآورد و یا آنکه از برای دشمن دولت قشون

یا امداد نقدی یا جنسی یا مهمات و یا اسلحه و استعدادی [استمدادی] فراهم نماید محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

و همچنین است مجازات اشخاصی که موجبات موفقیت دشمن دولت را اعم از اسباب بری یا بحری برای استعمال در داخله مملکت فراهم کنند و یا آنکه موجب تزلزل صمیمیت صاحب منصبان یا افراد قشونی و امثال آنها گردیده آنها را بخیان و مخالفت نسبت بشخص پادشاه یا دولت برانگیزانند.

ماده ۷۴- در صورتیکه شخصی با تبعه دولتی که طرف خصومت با دولت ایران است مکاتبه نماید و مقصود از این مکاتبه ارتکاب هیچیک از جنایات مذکوره در ماده فوق نبوده ولی مکاتبه مزبوره از برای دشمن دولت متضمن تعلیمات و فوایدی [قوایدی] باشد که از برای امور نظامی یا پولیتیکی دولت ایران یا دول متحده با ایران مضر باشد آن شخص متصدی محکوم به حبس غیردائم در قلاع خواهد گردید. و در صورتی که اطلاعات مزبوره مبنی بر مواضعه و جاسوسی بوده است مجازات حبس غیردائم با قید خواهد بود.

ماده ۷۵- مجازات مقرر در دو ماده (۷۱) و (۷۲) بر اشخاصی که در صدد فتنه و فسادهای مذکوره در همین دو ماده برآمده‌اند تعلق خواهد گرفت اعم از آنکه جرمی را که مرتکب شده‌اند بر ضد دولت ایران بوده یا آنکه بر ضد دولی باشد که با ایران در مقابل دشمن متحد شده‌اند.

ماده ۷۶- هر یک از صاحب منصبان ادارات و هر یک از مأمورین دولت یا هر کسی که بمناسبت مأموریت از اسرار مذاکرات و مقاولات یا حرکت قشون دولتی اطلاع حاصل نموده یا او را مطلع داشته‌اند و اسرار مذکوره را بمأمورین دولت خارجه ابراز نماید محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد شد.

ماده ۷۷- هر یک از صاحب منصبان ادارات و یا مأمورین دولتی که بر حسب وظایف رسمی خود مأمور بحفظ نقشه‌جات از قبیل نقشه تحصنات و قورخانه و

بنادر و اسکله‌های دولتی بوده و آنها را کلاً یا بعضاً بدشمن یا بمأمورین دشمن تسلیم نماید محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

در صورتی که شخصی نقشه‌جات مذکوره را بمأمورین دولتی که بیطرف بوده و یا با دولت ایران اتحاد داشته است تسلیم نماید محکوم به حبس غیردائم در قلاع خواهد گردید.

ماده ۷۸- هر گاه اشخاصی غیر از اشخاص مذکوره در ماده قبل بوسیله رشوه یا تقلب و یا عنفاً نقشه‌های مذکوره در ماده فوق را بدست آورده و تسلیم بخصم یا به مأمورین یکی از دول خارجه نمایند مانند مأمورین دولتی چنانکه در ماده قبل مذکور گردید با همان تمایزات مجازات خواهند شد.

هر گاه نقشه‌جات مذکوره بدون رشوه یا تقلب یا اجبار بدست دیگری آمده و آنشخص مطابق قسمت اول ماده قبل آنرا تسلیم نماید از یکسال الی سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۷۹- هر گاه شخصی جاسوسان یا سربازان دولت خصم را که مأمور به تفتیش بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنان شود محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد شد.

ماده ۸۰- اشخاصی که بواسطه اقدامات خصمانه که بتصویب دولت نرسیده سبب شوند که دولت خارج بدولت ایران اعلان جنگ نماید محکوم باخراج از مملکت خواهند گردید و در صورتیکه بواسطه این اقدام جنگ واقع شود محکوم بحبس دائم در قلعه خواهند شد.

ماده ۸۱- هر گاه شخص ایرانی بر خلاف رأی و تصویب دولت ایران باعث شود که اهالی دولت خارجه در مقام تقاص (معامله بمثل) برآیند که ضرری از این بابت به اهالی مملکت وارد آید محکوم باخراج از مملکت خواهد بود.

مبحث دویم

در جنایات بر ضد امنیت داخلی مملکت.

۱- در سوء قصد و کنکاش در باره شخص پادشاه و خانواده او.

ماده ۸۲- مجازات سوء قصد بر حیات پادشاه یا برای صدمه و زحمت بدنی او اعدام است.

هرگونه هتک حرمتی که نسبت بشخص پادشاه علناً واقع شود موجب مجازات از یکسال الی سه سال حبس خواهد بود و شخص مقصر علاوه بر مراتب فوق ممکن است بمیزان مدت حبس مقررۀ مذکوره از کل یا بعض حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد و ابتدای مدت مزبوره از روز انقضای مدت مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۸۳- مجازات سوء قصد نسبت بحیات ولیعهد و اولاد پادشاه عصر اعدام است.

مجازات سوء قصد برای صدمه و زحمت بدنی نسبت به ولیعهد و اولاد پادشاه عصر حبس دائم در قلعه است.

کلیه هتک حرمت علنی نسبت بولیعهد و اولاد پادشاه عصر موجب مجازات از یکماه الی سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۸۴- مجازات‌های مذکوره در ماده (۸۳) در حق کسانی که بترتیب فوق نسبت به نیابت سلطنت عظمی سوء قصد یا علناً هتک حرمت نمایند نیز تعلق خواهد گرفت.

ماده ۸۵- مجازات سوء قصد از برای انقراض یا تغییر اوضاع دولتی یا تبدیل ترتیب ولایت عهد یا تحریک اهالی به تشهیر سلاح به مخالفت با سلطنت حبس دائم در قلعه است.

ماده ۸۶- هرگاه شخصی در مقام کنکاش برای ارتکاب جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) برآید و برای اجرای جنایات مزبوره مرتکب امری از موجبات آن شده یا بموجبات آن شروع نماید محکوم بحبس غیردائم در قلعه خواهد گردید و هرگاه کنکاش مزبور منجر بهیچ ارتکابی و یا تهیئه مقدمات اجرائیه آن نشود مجازات آن اخراج از مملکت است.

قرارداد فیما بین دو یا چند نفر از برای اقدام بجنایات مزبوره در حکم کنکاش است.

در صورتیکه شخصی تکلیف کنکاش برای ارتکاب جنایات سابق‌الذکر نموده و تکلیف مزبور مقبول نیفتد شخص تکلیف‌کننده از یک الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید و بعلاوه ممکن است شخص مقصر از بعضی یا کل حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۸۷- هرگاه شخصی منفرداً عزم یکی از جنایات مذکوره در مواد (۸۳) و (۸۴) نماید و یکی از موجبات اجرائیه آن جنایت را مرتکب شود یا بموجبات آن شروع نماید محکوم به مجازات حبس غیردائم در قلاع خواهد گردید.

۲- در جنایات راجعه باغتشاش مملکت از حیث جنگ داخلی و استعمال قواء حریبه بطور غیرمشروع و خرابی و غارت عمومی.

ماده ۸۸- هرگاه شخصی از برای تحریک بجنگ داخلی اهالی و سکنه را به مسلح شدن و جنگ کردن با یکدیگر اغوا کند و یا آنکه سبب خرابی و قتل و نهب و غارت در یک یا چندین دهکده گردد محکوم بحبس دائم در قلاع خواهد گردید.

کنکاشی که برای وقوع یکی از جنایات مذکوره در جمله فوق بعمل آید و همچنین تکلیف کنکاش مزبوره موافق ماده (۸۶) و تشخیصاتی که در ماده مزبوره مقرر است مجازات خواهد گردید.

ماده ۸۹- اشخاصی که بالمباشره یا بتوسط اشخاص دیگر دستجات قشونی بدون امر دولت فراهم کرده باشند اعم از اینکه آنها را خود اجیر نموده یا آنکه دور خود جمع کرده باشند محکوم به حبس دائم در قلاع خواهند گردید. و همچنین است امر هر گاه از برای قشون مزبور تهیه و تدارک آذوقه و اسلحه نمایند بدون امر و اجازه حکومت قانونی.

ماده ۹۰- اشخاصی که بدون حق و سبب قانونی خود را فرمانده اردوی نظامی یا دستجات قشونی یا جهازات جنگی و یا محل حصین و قلعه و یا قراولخانه و یا بندر و شهری قرار دهند و همچنین کسانی که بر ضد حکم دولت خود را بفرماندهی قشونی که داشته‌اند ابقاء دارند و نیز اشخاصی که پس از صدور حکم مرخصی یا انفصال اردوی نظامی یا دستجات قشونی آنها را در محلی جمع نگاه دارند محکوم به حبس دائم در قلاع خواهند گردید.

ماده ۹۱- کسانی که حق اعمال قوای دولتی دارند و برای مخالفت با ترتیب گرفتن افراد قشونی که بر حسب قانون مقرر گشته قوای مزبور را اعمال نمایند یا حکم اعمال دهند و یا موجبات اعمال آنها فراهم آورند محکوم بحبس غیردائم در قلعه خواهند گردید.

هرگاه اقدام مزبور ترتیب اثری نماید شخص مقصر محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد شد.

ماده ۹۲- اشخاصی که ابنیه و مخزن و قورخانه و کشتی یا سایر مملکات دولتی را بواسطه نقب زدن و استعمال اشیاء محرق و بمب و امثال آن محترق یا خراب نمایند محکوم به حبس دائم در قلاع خواهند گردید.

ماده ۹۳- اشخاصی که در مقام تحریک افراد قشون نظامی برآمده آنها را بعدم اجراء وظایف نظامی و اطاعت رؤسای خود وادارند از شش ماه الی دو سال محکوم به حبس تأدیبی خواهند گردید.

ماده ۹۴- هر کسی که برای تصرف خالصه‌جات و املاک و اموال دولتی یا حصون و شهرها و قلعه‌جات و قراولخانه‌های سرحدی و مخزن‌ها و قورخانه‌ها و بنادر و کشتی‌ها و زورق‌های متعلقه بدولت و یا برای غارتگری و یا از جهت تقسیم کردن املاک دولتی یا ملی و یا املاک جماعتی از اهالی مملکت و یا برای حمله و مقاومت بقوای دولتی که از برای جلوگیری مرتکبین جنایات مذکوره مقرر است خود را سر کرده بعضی دستجات مسلحه قرار دهد و یا بای نحو کان ریاست و فرماندهی بر آنها کند یا در کار آنها همدستی کند محکوم به حبس دائم در قلاع خواهد گردید.

اشخاصی که مجمع مزبور را اداره کرده و تحریک نمایند یا سبب تحریک شوند یا تشکیل مجمعی دهند یا سبب تشکیل آن گردند یا از برای آنها عالمات عامداً اسلحه و استعداد و آلات و ادوات جنایتی تدارک نمایند و یا مدد و کمکی بفرستند یا بطریق دیگر با رؤسا و فرماندهان دستجات مزبوره مواضعه و موافقت داشته باشند به مجازات فوق‌الذکر محکوم خواهند شد.

ماده ۹۵- هر گاه یک یا چند جنایت از جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) و (۸۸) بتوسط یک یا چند دسته وقوع یافته یا اقدام گردد هر یک از اشخاصی که از دسته‌های مزبوره بوده‌اند و در محل اجتماع فساد دستگیر شده‌اند بدون تشخیص درجات محکوم به مجازاتهای مذکوره در مواد سابق‌الذکر خواهند شد.

از همین قرار است مجازات اشخاصی که در محل مجمع فساد دستگیر نشده ولی مفسدین را اغوا نموده یا در دستجات عملیات نموده یا ریاست کرده‌اند.

ماده ۹۶- هرگاه موضوع اجتماع فسادآمیز جنایتی از جنایات مذکوره در مواد (۸۲) و (۸۳) و (۸۴) و (۸۵) و (۸۸) نبوده باشد اشخاصی که در جزو دستجات افسادیه مذکوره در ماده قبل بوده‌اند بدون اینکه فرمانی داده و یا شغلی داشته و در محل فساد دستگیر گردیده‌اند محکوم به حبس غیردائم در قلعه خواهند گردید.

ماده ۹۷- اشخاصی که نیت دستجات مذکوره در دو ماده فوق را دانسته یا از موضوع افساد آنها اطلاع داشته و بدون اجبار بآنها منزل دهند و یا محل اجتماع و یا پناهگاه برای آنها تهیه نمایند محکوم به حبس مجرد خواهند گردید.

ماده ۹۸- اشخاصی که داخل در دستجات مفسدین بوده‌اند بدون آنکه بر آنها ریاست داشته یا آنکه صاحب شغلی بوده باشند و بمجرد اخطار حکومت کشوری یا نظامی از دستجات مزبوره خارج شوند و یا آنکه از زمان اخطار حکومت نظامی یا کشوری ببعد اگر هم دستگیر شوند در خارج از محل اجتماع مفسدین و بدون مقاومت و اسلحه بوده باشد مجازات مفسدین را نخواهند داشت و فقط اگر شخصاً مرتکب جنایتی شوند مجازات خواهند گردید.

ماده ۹۹- کلیه آلات قطاعه از جمله اسلحه حرّیه محسوب میشود. چاقو- و مقرّاض جیبی- و عصاهای ساده مادام که از برای کشتن و زخم زدن و صدمه وارد آوردن استعمال نشود از جمله آلات حرّیه محسوب نخواهد گردید.

حکم عمومی راجع به هر دو عنوان این مبحث

ماده ۱۰۰- اشخاصی که مردم را تحریک بارتکاب جنایات مذکوره در این مبحث نمایند اعم از آنکه بواسطه نطق در مجامع یا اوراق خطی و چاپی باشد

مانند اشخاصی که مرتکب جنایات مزبوره شده‌اند مجازات خواهند گردید ولی در صورتیکه باین اقدامات اثری مترتب نشود فقط محکوم باخراج از مملکت خواهند شد.

ماده ۱۰۱- اشخاصیکه در کنکاش بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت و فتنه و فساد داخل بوده‌اند و قبل از اینکه شروع باجرای جنایات مذکوره شود یا بعد از شروع و قبل از تعقیب بدولت یا ضابطین عدلیه یا مأمورین ادارات اطلاع از کنکاش یا قصد جنایت و اسامی اشخاصی که در کنکاش و فتنه و فساد دخیل یا شریک بوده‌اند بدهند از مجازات معاف خواهند گردید و همچنین در صورتیکه تعقیب هم از طرف دولت شروع شده باشد راهنمائی بمأمورین دولت نموده اسباب دستگیری مقصرین را فراهم آورده تسهیل گرفتاری آنها را بنمایند از مجازات معاف خواهند بود.

فصل دوم

در ارتکاب جنحه و جنایات بر ضد اساس مشروطه.

مبحث اول

در جنحه و جنایات بر ضد حقوق ملی.

ماده ۱۰۲- اشخاصی که بواسطه اجتماع و غوغا یا باجبار و عنف و یا به تهدید و وعید یک یا چند نفر از افراد مملکت را مانع از اجرای حقوق ملی گردند از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهند گردید و بعلاوه از پنجسال الی ده سال از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم خواهند شد.

ماده ۱۰۳- هرگاه جنایت مذکوره از روی نقشه و کنکاشی بوده که در تمام مملکت یا در بعضی از ایالات و ولایات و قصبات و قراء وقوع یابد مجازات مرتکب اخراج از مملکت خواهد بود.

ماده ۱۰۴- هر یک از افراد مملکت که مأمور دادن تعرفه و اخذ تعرفه و اوراق رأی راجع به مبعوثین ملت و استخراج آراء بوده و معلوم شود که در اوراق تعرفه یا آراء تقلب نموده یا آنرا کم و زیاد کرده یا تغییر اسمی در ورقه رأی داده از شش ماه الی دو سال حبس و از پنج سال تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد گردید.

ماده ۱۰۵- هرگاه اشخاص دیگری مرتکب یکی از جرائم مذکوره در ماده فوق گردند از سه ماه الی یکسال حبس شده و از پنج سال الی ده سال از حقوق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم خواهند گردید.

ماده ۱۰۶- هر یک از اهالی مملکت آرای انتخابیه را خریده یا بفروشد از پنجسال الی ده سال از حقوق اجتماعی محروم و نیز در مدت مقرر از کلیه مشاغل دولتی و

ملی ممنوع خواهد بود و بعلاوه از سه ماه الی دو سال محکوم بحبس قابل ابتیاع میشود - ولی هرگاه از مأمورین دادن تعرفه و اخذ آن چنین ارتكابی صادر شود حبس او تأدیی و مدت آن از یکسال الی سه سال خواهد بود.

مبحث دویم

اقدام بر ضد آزادی.

ماده ۱۰۷- در صورتیکه یکی از صاحب‌منصبان یا مأمورین دولتی خودسرانه به آزادی شخصی یا بحقوق ملی یک یا چند نفر از افراد ملت یا نسبت بقانون اساسی شخصاً ضدیت نموده یا حکم آنرا بدهد از حقوق ملی ابداً محروم خواهد گردید.

هر گاه شخص مرتکب ثابت نماید که بامر یکی از رؤسای خود که صلاحیت تحکم را داشته و مجبور بامثال امر او بوده است مرتکب گردیده مرتکب مزبور معاف خواهد شد و مجازات در حق شخص آمر مقرر خواهد گردید.

ماده ۱۰۸- هر گاه فاعل یا آمر جرم مذکور در ماده فوق وزیر یا یکی از اعضاء پارلمان باشد محکوم باخراج از مملکت خواهد گردید و بعلاوه کلیه امتیازات و القاب دولتی از او سلب و حقوق او قطع میشود.

ماده ۱۰۹- اگر وزراء متهم شوند بحکم یا به تجویز فعلی که صدمه به اساس مشروطیت وارد آورد و دعوی کنند که بطریق حيله امضاء از ایشان گرفته شده باید اولاً رفع غائله را که از این بابت وارد آمده بنمایند و ثانیاً شخص حيله‌گر را معین کنند و الا شخصاً مسئولند و تعقیب و مجازات خواهند شد.

ماده ۱۱۰- در مورد ماده (۱۰۷) مدعی خصوصی میتواند از راه دعوی جنائی یا حقوقی مطالبه صدور حکم از بابت خسارت خود نماید و مبلغ خسارت نسبت باشخاص و اسباب و اوضاع و احوال و مقدار ضرر و زیان وارده تعیین خواهد

شد ولی حکم بخسارت در مورد محبوسیت محبوسی که بخلاف قانون حبس شد[ه] در هیچ حال کمتر از روزی پنجتومان نخواهد بود.

ماده ۱۱۱- هر گاه اقداماتی که مخالف اساس حکومت مشروطه است بر حسب امضاء ساختگی وزیر یا مأمور دولتی بعمل آمده باشد شخص مرتکب جعل و کسانیکه عالماً آنرا معمول داشته‌اند به حد اکثر حبس غیردائم با قید مجازات خواهند شد.

ماده ۱۱۲- هر گاه محبوسین در خصوص حبس غیرقانونی خود که از راه خودسری بوده شکایت بضابطين عدلیه یا مأمورین نظمیه نموده و ایشان تظلمات آنها را استماع ننموده یا تسامح از اقدامات لازمه نمایند اعم از آنکه تظلم مزبور از محبس یا جای دیگر رسیده باشد و ضابطين یا مأمورین مذکوره ثابت نمایند که پروتست و تظلمات عارضین را بمقامات عالیه اعلام و اقدامات لازمه را مرعی داشته‌اند محکوم بمحرومیت از حقوق ملی خواهند گردید و بطوریکه در ماده (۱۰۷) مذکور است باید از عهده خسارات وارده بر محبوسین نیز برآیند.

ماده ۱۱۳- در صورتیکه مستحفظین محبس یا توقیف‌گاه عدلیه شخصی را باسم محبوس بدون ورقه امر یا حکم محکمه که از طرف مدعی العمومها ابلاغ میشود و یا بدون حکم موقتی دولت بپذیرند و کسانی که در ارائه دادن شخص محبوس بصاحب منصب نظمیه و ضابطين عدلیه و یا کسانی که از طرف آنها مأمورند امتناع نمایند بدون آنکه ثابت کنند که این امر از طرف مدعی عمومی یا مستنطق امر شده است و همچنین مستحفظین که امتناع از ارائه دادن دفاتر خود بصاحب منصب نظمیه یا ضابطين عدلیه نمایند در حکم اشخاصی خواهند بود که کسی را خودسرانه محبوس نموده باشند و محکوم به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی و تأدیة خسارات وارده خواهند گردید.

ماده ۱۱۴- هر گاه مدّعی عمومی استیناف یا بدایت یا معاونین آنها با مستنطقین و یا قضات و مأمورین دولتی یکی از افراد مملکت را بدون تحقیقات مقدماتی و رعایت شرایط قانونی به محکمه جنایت جلب نمایند محکوم بمحرومیّت از حقوق ملی خواهند گردید.

مبحث سیم

اتحاد مأمورین دولتی بر ضدّ مصالح مملکتی.

ماده ۱۱۵- هر گاه اتحادی مخالف قوانین جاریه و بطور نامشروع بین افراد مستخدمین ادارات یا هیئتهای ادارات دولتی فراهم شده یا بواسطه مبعوثین یا ارسال و مرسل بین آنان بعمل آمده باشد هر یک از مقصرین بمجازات از دو ماه الی شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهند گردید و بعلاوه ممکن است در مدّتی که از ده سال زیادتر نباشد از اشتغال بشغل دولتی و حقوق اجتماعی محروم شوند.

ماده ۱۱۶- هر گاه اتحاد مذکور در ماده قبل بر ضد اجراء قوانین و یا اوامر دولتی بوده مجازات آن اخراج از مملکت خواهد بود - در صورتیکه اتحاد مزبور بین مأمورین کشوری و لشکری فراهم آید اشخاصی که باعث یا محرک آن بوده‌اند محکوم بحبس غیردائم در قلعه خواهند گردید و از برای سایر مقصرین همان اخراج از مملکت مقرر است.

ماده ۱۱۷- هر گاه مقصود از اتحاد مزبور اقدامی باشد بر ضدّ امنیت داخلی مملکت یا اقدام مزبور باعث اختلال نظم مملکت شود شخص مقصر محکوم بحبس دائم در قلعه خواهد گردید.

ماده ۱۱۸- در صورتیکه اجزاء یکی از ادارات دولتی برای اخلال یا عدم پیشرفت امور عدلیّه یا کارهای دیگر دولتی بنا بر مواضعه استعفا نمایند در عداد

اشخاصی خواهند بود که خیانت در وظایف خود نموده‌اند و از حقوق اجتماعی محروم خواهند گردید.

مبحث چهارم

در تجاوز مأمورین دولتی از حدود مأموریت خود.

ماده ۱۱۹- اشخاص مفصله ذیل خائن در وظایف محسوب و محروم از حقوق اجتماعی خواهند گردید.

۱) قضات و مدعیان عمومی و وکلای عمومی و یا معاونین آنها و یا سایر صاحب منصبان یا ضابطین عدلیه که از پیش خود وضع قوانین کنند یا توقیف و یا تعلیق اجزاء یک یا چند ماده قانونیه را نموده و یا آنکه در قابلیت اجراء و یا عدم قابلیت آن رأی داده و بران [بر آن] رأی ترتیب اثر دهند.

۲) قضات و مدعیان عمومی و وکلای عمومی و معاونین آنها و ضابطین [ضابطین] عدلیه که از وظیفه خود خارج شده مداخله در وظایف مأمورین ادارات نمایند اعم از آنکه قواعدی در وظایف آنان وضع کنند یا ایشان را از اجرای حکم اداره خودشان منع نمایند و یا آنکه آنها را بواسطه اجرای وظائف خود در تحت مسئولیت و محاکمه درآورده یا احضاریه برای آنها بفرستند و با وجود نسخ یا نقض احکامشان در محاکم عالی یا اعلام حدوث اختلاف در باب صلاحیت ایشان باز اصرار در احضار مأمورین ادارات و انجام حکم یا قرار خود نمایند.

ماده ۱۲۰- هر گاه قضات عدلیه شروع برسیدگی امری نمایند و از طرف ادارات صلاحیت خودشان و یا عدم صلاحیت عدلیه در این باب اعلام شود باید محکمه عدلیه در باب صلاحیت خود قراری داده و منتظر رأی محکمه مختلطه اختلافات بشود (رجوع به ماده ۱۷۱ و ۱۷۳ محاکمات حقوقی و ماده

۲۰۱ محاکمات جزائی) و اگر قبل از رأی محکمه مزبور مدخله در ماهیت دعوا نمایند هر یک محکوم بکسر حقوق از سه روز الی بیست روز خواهند شد - اگر صاحب منصبان اداره مدعی عمومی نیز در این خصوص بر خلاف مدلول این ماده تعقیب کنند بمجازات فوق الذکر محکوم خواهند گردید.

ماده ۱۲۱- در صورتیکه یکی از مأمورین دولتی در حین اجرای وظیفه خود متهم به ارتکاب جنحه یا جنایتی شده و امر رجوع بعدلیه شود و از طرف یکی از متداعبین یا اداره دولتی به مستنطقین یا قضات عدلیه عدم صلاحیت ایشان اخطار شود باید قرار صلاحیت یا عدم صلاحیت خود را داده و در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت تعقیب امر را توقیف کنند و منتظر حکم محکمه مختلطة مذکوره در ماده (۱۷۳) محاکمات حقوقی شوند - و هر گاه قبل از صدور حکم مزبور بدون اجازه دولت ورقه امری در این باب صادر نمایند هر یک محکوم بکسر حقوق از ده روز الی یکماه خواهند شد.

همین مجازات در حق صاحب منصبان اداره مدعی عمومی و ضابطین [ضابطین] عدلیه مجری است در صورتیکه آنان تقاضای صدور ورقه امری را در چنین موردی قبل از احراز صلاحیت بنمایند.

ماده ۱۲۲- هر گاه وزراء یا معاونین آنها یا رؤساء یا اعضاء سایر ادارات یا حکام و نایب الحکومه و کدخدا در امور قوه مقننه چنانکه در فقره اول ماده (۱۱۹) مذکور است مداخله نمایند و یا اینکه در ضمن احکام امر و نهی بمحاکم عدلیه بدهند و موجبات تأخیر جریان قوانین را فراهم کنند از حقوق اجتماعی محروم خواهند گردید.

ماده ۱۲۳- هر گاه مقامات مذکوره مداخله در اموری که از صلاحیت محاکم عدلیه است کرده و با وجود اخطار طرفین محاکمه یا یکی از آنان قبل از اجازه

مقامات مقتضیه که قانون معین میکنند در این باب رأی بدهند مرتکبین از شش ماه الی دو سال حبس خواهند گردید.

جزاء فوق‌الذکر در حق هر یک از اعضاء پارلمان که مداخله در وظایف محاکم عدلیه نموده و یا آنکه بیکی از قضات یا مدعی‌های عمومی و معاونین آنها و مستنطق امر و نهی دهند مجری خواهد گردید.

فصل سیم

در جنحه و جنایات بر ضد آسایش عمومی.

مبحث اول - قلب و تزویر.

(۱) سکه قلب.

ماده ۱۲۴ - هر کس مسکوک طلا یا نقره قلب بسازد اعم از آنکه بکلی جنس مسکوک غیرطلا یا نقره باشد یا بار آنرا زیاد نماید محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد و همچنین است مجازات اشخاصی که ترویج مسکوکات مزبوره را می نمایند.

ماده ۱۲۵ - اشخاص ذیل محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند شد.

اولاً کسانی که قیمت مسکوکات صحیحه را بواسطه بریدن یا تراشیدن جزئی از آنها نقصان داده و یا آنکه از طلا و نقره مسکوکاتی شبیه بمسکوکات صحیح - العیار بسازند یا اینکه شریک در ترویج مسکوکات ناقصه و مزوره مذکوره شوند و یا آنرا داخل در مملکت ایران کنند.

ثانیاً کسانی که تقلید و تقلب در مسکوکات مسی یا نیکل که قانوناً در ایران رایج است نمایند یا شریک در ترویج آن شده و یا آنرا داخل در مملکت ایران نمایند.

ثالثاً کسانیکه بیکی از وجوه مذکوره در این ماده و ماده (۱۲۴) در مملکت ایران مسکوکات ممالک خارجه را بسازند یا شریک در ترویج مسکوکات مزوره مزبوره شوند و یا آنکه آنرا داخل در مملکت ایران نمایند.

ماده ۱۲۶- کسانیکه از راه تزویر مسکوکات رایجه مملکت ایران یا ممالک خارجه را تغییر لون داده و موجبات اشتباه کاری مواد مسکوکات مزبوره را فراهم نمایند و یا شریک در ترویج مسکوکات مزوره مزبوره شوند و یا آنکه آنرا داخل در مملکت ایران کنند از شش ماه الی سه سال حبس خواهند شد.

۱۲۷- کسانیکه مسکوکات مزوره و مغشوشه مزبوره در مواد فوق را مسکوکات صحیحه رایجه تصور کرده خرج کرده باشند مجازات نخواهند شد ولی پس از معرفت به تزویر آن هر گاه داخل در مملکت نمایند و یا آنکه خرج کنند از سی و یکروز الی یکسال محکوم به حبس تأدیبی میشوند.

ماده ۱۲۸- اشخاصی که مرتکب جنایت مذکوره در مواد (۱۲۴) و (۱۲۵) شده و قبل از تعقیب جنایت مزبوره مراتب را بدولت اخبار داده و مباشرین جنایت را معرفی نمایند و یا آنکه پس از شروع به تعقیب موجبات دستگیری مقصرین را فراهم آورند از مجازات معاف خواهند گردید.

۲) در مجازات اشخاصیکه مهر دولت یا اسکناس یا اسناد خزانه دولتی و تمبر و علامات دولت را بعینه ساخته و یا تزویر و ترویج نموده و یا داخل در مملکت ایران نمایند.

ماده ۱۲۹- اشخاصی که مهر دولت را تقلید کرده و یا آنکه مهر تقلبی را با علم به تقلبی بودن آن استعمال نمایند و کسانیکه اسناد خزانه دولتی یا بلیط بانک که بموجب قانون رایج است تقلید نمایند و کسانیکه اشیاء مزوره مزبوره را عالمأ استعمال کنند و یا آنکه داخل مملکت ایران سازند محکوم بحبس دائم با قید خواهند گردید.

ماده ۱۳۰- اشخاصی که مهرهای دواير دولتی یا منگنه که برای علامت طلا یا نقره بکار می‌رود تقلید کنند یا در آنها تزویر نمایند و یا آنکه مهرها و منگنه‌های مزبور را استعمال کنند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند گردید.

ماده ۱۳۱- اشخاصی که مهر و منگنه صحیح دولت را بر خلاف نظامات مقررہ بدست آورده و بطریقی که بمنافع و حقوق دولت ضرر وارد آورد استعمال کنند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

ماده ۱۳۲- هر گاه کسی علامات دولتی را که برای اشیاء مختلفه و امتعه تجارتي و آذوقه مقرر است تقلید کرده و یا آنکه استعمال نماید و اشخاصیکه مهر و یا علامات خاصه مصادر امور دولتی را تقلید نموده و یا مهر و علامات مزوره مذکوره را استعمال کنند و همچنین اشخاصی که تمبرهای دولتی را تقلید کنند و یا تم[ب] مزور را استعمال نمایند از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی خواهند گردید و مقصرین علاوه بر جزاء فوق محروم از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال خواهند بود و ابتدای این مدت از روزی است که مدت مجازات حبس منقضی شده است.

ماده ۱۳۳- هر گاه کسی بر خلاف ترتیب مهر صحیح و تمبر و علامات مذکوره در ماده قبل را بدست آورده و بطریقی که به منافع و حقوق دولت ضرر وارد آورد آنرا الصاق یا استعمال کرده یا سبب الصاق و استعمال آن گردد از شش ماه الی سه سال حبس خواهد گردید.

مقصر مزبور ممکن است علاوه بر مجازات فوق پنجسال الی ده سال از روز اتمام مجازات حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۱۳۴- احکام ماده (۱۲۸) در مورد جنایات معینه در ماده (۱۲۹) نیز مقرر است.

۳) در ساختن خطوط راجعه با ادارات دولتی یا اسناد رسمی و یا تجارتي یا صرافى.

ماده ۱۳۵- هر يك از اجزاء و صاحب منصبان دولتی که در حین اجراء وظایف خود امضائی را ساخته یا اسناد یا خطوط و امضائی را تحریف کرده یا اسامی اشخاص را تغییر دهند و یا آنکه در دفاتر و یا سجلات یا احکام و نوشتجات رسمی پس از اینکه ترتیب اسناد مزبوره با تمام رسیده کلمه الحاق نمایند محکوم به مجازات حبس دائم با قید خواهند گردید.

ماده ۱۳۶- هر يك از اجزاء ادارات رسمی که در تحریر نوشتجات و قراردادهای راجعه بوظایف خودشان بطریق تزویر موضوع یا مضمون آنها را تغییر دهد یا گفته و نوشته طرفین را تحریف نماید و یا آنکه امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده است افراد جلوه دهد محکوم به حبس دائم با قید خواهد گردید.

ماده ۱۳۷- کلیه اشخاص دیگری که در اسناد و نوشتجاتی که بموجب قانون رسمی شناخته شده یا در نوشتجات تجارتي یا صرافى تزویر نمایند محکوم به حبس غیردائم با قید خواهند گردید اعم از اینکه تقلید یا تغییر در خط یا امضاء بعمل آورده باشند و یا آنکه جعل تقبلات و تعهدات و قراردادهای و تمسکات یا مفاسد حساب نمایند و یا آنکه در اسناد مزبوره حرفی یا کلمه منضم یا الحاق نمایند و یا آنکه در شروط اسناد رسمی چیزی اضافه نموده و یا تغییری دهند.

ماده ۱۳۸- در کلیه موارد راجعه بمواد فوق هر کس اوراق تزویر [به/ یه / انه] مذکوره را عالماً استعمال نماید محکوم به حبس غیردائم با قید خواهد گردید.

۴) جعل و تزویر خطوط شخصیه.

ماده ۱۳۹- هر کس بیکی از وجوه مذکوره در ماده (۱۳۷) تزویر در خطوط شخصیه که بر طبق قانون رسمی شناخته نشده نماید محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.

ماده ۱۴۰- مجازات مذکوره در ماده فوق در حق کسانی که اسناد و نوشته-جات مزوره را عالماً استعمال نمایند نیز مقرر خواهد بود.

۵) تزویر در تذکره عبور و اقامت و شهادتنامه یا تصدیقنامه

ماده ۱۴۱- هر کس تذکره مرور یا اقامت دولتی را جعل نموده یا تذکره را که اصلاً صحیح بوده در آن تزویر نماید و یا آنکه تذکره مزوره مذکوره را عالماً بکار برد یا آنکه برای گذرانیدن تذکره با سیم مجعولی شهادت کذب دهد از شش ماه الی سه سال حبس خواهد گردید.

مجازات مذکوره نیز در حق کلیه اشخاصی که تذکره که باسم دیگری است باسم خود بکار برند مقرر خواهد بود.

ماده ۱۴۲- هر یک از صاحب منصبان دولتی که با وجود اطلاع از اسم جعلی تذکره بدهد و یا آنکه سبب دادن تذکره شود از یکسال الی سه سال محبوس خواهد شد.

شخص مقصر پس از مجازات فوق از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال محروم خواهد گردید.

ماده ۱۴۳- هر کسی برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت تصدیقنامه مجعولی در باب مرض یا علت مزاج از طبیب یا جراح و یا سایر اطباء ترتیب دهد از یکسال الی سه سال محکوم به حبس تأدیبی خواهد شد.

ماده ۱۴۴- هر طبیب یا جراح که تصدیقنامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی بدهد از یکسال الی سه سال حبس خواهد گردید.

هرگاه تصدیقنامه مزبوره بواسطه وعده و تعارف داده شده باشد در هیچ حال مجازات مقصر از یکسال کمتر نخواهد بود.

در دو مورد فوق شخص مقصر ممکن است علاوه بر جزاء مقرر از پنجسال الی ده سال پس از اتمام مجازات حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم شود.

اشخاصی که وعده یا تعارف داده‌اند نیز مجازات طیب و جراح را خواهند داشت.

ماده ۱۴۵- هر شخصیکه باسم یکی از مأمورین یا صاحب‌منصبان دولتی شهادتنامه مزوری درست کند در خصوص حسن اخلاق یا عدم بضاعت یا مسئله دیگر که موجب رعایت دولت یا اشخاص دیگر نسبت باو شود که بدین وسیله برای شخص مزبور تحصیل شغل یا استقراض یا امدادی بعمل آید از شش ماه الی دو سال محکوم به حبس تأدیبی خواهد گردید.

جزاء مذکور در موارد فوق درباره اشخاص مفصله ذیل نیز مقرر خواهد بود.

۱) در حق کسی که تصدیقنامه را که اصلاً صحیح بوده باسم شخص دیگر قرار دهد.

۲) کسانی که تصدیقنامه ساختگی یا تزویری را بکار برند.

هرگاه تصدیقنامه مجعول یا مزور مزبوره باسم یکی از افراد مردم غیر از مأمورین دولتی بوده باشد شخصی که آنرا بکار برده و جاعل هر دو محکوم به حبس از سی و یکروز الی شش ماه خواهند شد.

ماده ۱۴۶- هر گونه تصدیقنامه‌ها از هر جائی که صادر شده باشد و مورث ضرر شخص ثالثی بوده یا آنکه خسارت بر خزانه دولت وارد آورد مجازات او موافق مواد (۱۳۵) تا (۱۴۰) مقرر است.

ماده ۱۴۷- مجازات وارده در حق کسانی که استعمال سکه قلب یا اسکناس یا مهر و تمبر و علامات تزویری و کاغذهای ساختگی را نموده در حق کسانی که ندانسته اشیاء مجعوله یا مزوره مزبوره را استعمال کنند مجری نخواهد گردید.

مبحث دویم

خیانت در وظایف و جنایت و جنحه مأمورین دولتی در حین انجام مأموریت خود.
ماده ۱۴۸- هر جنایتی که مأمورین دولتی راجع بوظایف مأموریت خودشان مرتکب شوند خیانت در وظائف محسوب است.
ماده ۱۴۹- مجازات خیانت در وظائف محرومیت از حقوق ملی است مگر مواردیکه مجازات شدیدتر برای آن بموجب قانون معین شده باشد.
ماده ۱۵۰- ارتکاب جنحه برای مأمورین دولتی خیانت در وظائف محسوب نمی شود.

۱) در اختلاس امانت صندوق دولتی

ماده ۱۵۱- هر یک از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امانت صندوق دولتی که نقدینه متعلقه بدولت یا اشخاص و یا اسناد مطالبات را که بمنزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که حسب الوظیفه سپرده بانهاست برابیند - اگر اشیاء مزبوره بیش از پانصد تومان قیمت داشته باشد محکوم به حبس با قید غیردائم خواهند گردید.
ماده ۱۵۲- هر گاه مال یا اسناد ربنده شده کمتر از پانصد تومان قیمت داشته باشد و لیکن بقدر ثلث یا زاید بر ثلث کلیه مال یا اسناد امانتی یا تحویلی باشد باز مجازات مختلس حبس غیردائم با قید خواهد بود چه دفعه بامانت یا تحویل داده شده باشد و چه تدریجاً و در صورت تدریجی مأخذ ثلث میزان عایدات یکماهه است.

ماده ۱۵۳- هر گاه قیمت اموال ربوده شده کمتر از پانصد تومان و کمتر از ثلث اموال تحویل شده باشد مجازات مرتکب از یکسال الی سه سال حبس خواهد بود و بعلاوه مرتکب ابداً از اشتغال بخدمت دولتی محروم خواهد شد.

ماده ۱۵۴- هرگاه قضات و رؤساء و اعضاء و اجزای ادارات و مباشرین ثبت اسناد نوشتجات و اوراق و اسنادی را که حسب الوظیفه نزد آنها ودیعه گذاشته شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده معدوم یا مخفی نمایند یا براینده یا بکسی بدهند که قانوناً از دادن به آنکس ممنوع باشند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند شد.

۲) تعدی مأمورین دولتی در اخذ حقوق

ماده ۱۵۵- هر یک از مأمورین و مستخدمین دولتی و مباشرین ثبت اسناد یا معاونین آنها و تحصیل داران مالیات و عوارض و رسوم و نقدینه و عایدات و معاونین آنها که مرتکب اجحاف باشند اعم از اینکه امر باخذ وجوهی نمایند که میدانستند اخذ آنها خلاف قانون یا زیاده از مقررات قانون است یا شخصاً بعنوان مزد یا مواجب زیاده از آنچه برای ایشان مقرر شده اخذ نمایند بطریق ذیل مجازات خواهند گردید.

مأمورین و صاحب منصبان دولتی و مباشرین ثبت اسناد بحبس مجرد و معاونین یا اجزاء آنها بحبس تأدیبی از یکسال الی سه سال و این در صورتی است که مبلغی را که تقاضا کرده یا امر باخذ آن نموده اند بیش از پنجاه تومان باشد.

هرگاه مجموع مبلغ مزبور از پنجاه تومان تجاوز ننماید مأمورین و صاحب منصبان مذکور از یک الی سه سال و معاونین و اجزاء آنها از شش ماه الی دو سال حبس خواهند گردید.

ماده ۱۵۶- مجازات قصد جرائم مذکوره در ماده قبل مانند ارتکاب آن خواهد بود - در کلیه موارد مزبوره که حکم مجازات حبس صادر شود سلب حقوق مذکوره در ماده (۲۷) همین قانون در مدت پنجسال الی ده سال از روز اتمام مجازات حبس درباره مقصر مقرر خواهد گردید.

احکام مندرجه این ماده درباره مدیران و اجزاء دفاتر و مأمورین اجراء و وکلاء عدلیه نیز مجری خواهد بود در صورتیکه بموجب قانون مأمور باخذ حقوقی بوده و تعدی در اخذ آن نموده باشند.

۳) دو جرائم مأمورین دولتی ناشی از دخالت باموریکه با سمت ایشان منافات دارد.

ماده ۱۵۷- هر یک از مأمورین و مستخدمین و صاحب منصبان دولتی که علناً بطریق مواضعه یا بتوسط وسایط در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تخصیصات دولتی (رژئی) که کلاً یا بعضاً در تحت مدیریت یا نظارت ایشان بعمل آمده نفعی برای خود منظور دارند از شش ماه الی دو سال محبوس خواهند شد و خسارتی را که از این جهت وارد آورده باید از عهده برآیند و بعلاوه کلیه از خدمت دولت محروم خواهند گردید - همین حکم مجازات مقرر است در حق کلیه مأمورین و مستخدمین دولتی هر گاه در ضمن معامله که پرداخت وجوه آن برحسب وظیفه بعهده ایشان است با تفریغ حسابی که باید عمل آورند نفعی برای خود منظور دارند.

ماده ۱۵۸- هر یک از فرماندهان نظامی و هر یک از حکام و نایب‌الحکومه‌ها و امنای مالیّه ولایت و محالات و بلوکات که در حوزه فرماندهی و حکومت و مأموریت خود علناً یا بطریق مواضعه و یا بتوسط وسایط غله و حبوبات و کلیه ارزاق را غیر از آنچه محصول ملک شخص ایشان است برای استفاده شخصی معامله نمایند از یک ماه الی دو سال محکوم به حبس قابل ابتیاع خواهند شد.

محکومین پس از اتمام مجازات مزبوره در مدت پنج الی ده سال از استخدام دولتی محروم میباشند.

۴) در اخذ رشوه مأمورین و اجزاء دولتی.

ماده ۱۵۹- هر یک از رؤساء و اعضاء و اجزاء ادارات و محاکم عدلیه که برای انجام امری که از وظایف آنان بوده ولی قانوناً رسومی بجهت آن مقرر نشده وعده یا تطمعی را پذیرفته و یا هدیه و تعارفی را قبول نماید اگر چه انجام آن امر بر طبق حقانیت بوده باشد از حقوق ملی محروم میشود و بعلاوه محکوم است به رد تعارفی که قبول کرده است و در مقابل هر یک تومان تعارفی که گرفته یا وعده که باو داده شده است محکوم بیک روز حبس قابل اکتیاع خواهد شد و در هر حال مدت حبس او کمتر از شش روز نباید باشد.

همین مجازات مقرر است در حق کلیه اشخاص مذکوره هرگاه در مقابل اخذ تعارف یا وعده تعارف از انجام امری که وظیفه ایشان بوده امتناع ورزند - همچنین است مجازات کلیه حکمها و ممیزین و مصدقین اعم از آنکه بتوسط محکمه معین شده باشند یا بتوسط طرفین هرگاه در مقابل اخذ تعارف یا وعده تعارف به مساعدت یکی از طرفین تصمیم رأی کنند.

ماده ۱۶۰- همچنین مجازات فوق مقرر است در حق اعضاء مجلس ملی و مجلس سنا و انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی هر گاه در مقابل اخذ تعارف و هدیه یا وعده آن برای کسی تحصیل نشان دولتی یا مدال یا امتیاز یا انعام یا مقام و شغلی در ادارات یا انواع رعایتهای دیگر بنمایند و توسط کنند که معاملات و مقاطعات یا امور دیگری که نفعی در آن متصور است و از طرف دولت باید واگذار شود برای کسی مقرر گردد و باینطریق از قدرت و اعتباری که مقام ایشان برای ایشان حاصل کرد سوء استفاده نمایند.

کلیه اشخاص دیگری که مرتکب اعمال فوق‌الذکر شوند از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی و معادل آنچه در ماده قبل مذکور شد حبس قابل ابتیاع خواهند گردید و بعلاوه بعد از اتمام مجازات حبس از پنج الی ده سال از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم خواهند شد.

ماده ۱۶۱- هر گاه اخذ رشوه برای ارتکاب جنایتی باشد که مجازات آن اشد از محرومیت از حقوق ملی است مجازات همان جنایت در باره مرتشی مقرر است.

ماده ۱۶۲- هر کس یکی از اشخاص مذکوره در ماده (۱۵۹) را بعنف یا تهدید یا رشوه و تعارف و تطمیع مجبور یا ترغیب نماید باموری از قبیل اظهار عقیده یا رأی مساعد یا تحریر صورت جلسه یا صورت حساب یا تصدیقنامه یا تقویم بر خلاف واقع یا آنکه برای تحصیل شغل یا منصب یا جهت انتفاع در معاملاتی که مورد مزایده و مناقصه است بوسایل مذکوره متوسل شود یا برای جلوگیری از امری که داخل در وظیفه مأمورین دولتی بوده بوسایل فوق توسل جوید مانند اشخاص مذکور در ماده (۱۵۹) مجازات خواهد شد.

هرگاه اقدامات مزبوره منشاء اثر نشود اقدام‌کننده فقط از سه الی شش ماه محکوم به حبس تأدیبی و شش روز الی بیست روز حبس قابل ابتیاع میشود.

ماده ۱۶۳- هر گاه حکام محاکم جنایت یا اعضاء هیئت منصفه برای حکم دادن بر علیه یا له متهم بهر اسم و رسم که باشد تعارفی قبول نمایند محکوم به حبس مجرد خواهند گردید و بعلاوه مدتی بمیزان آنچه در ماده (۱۵۹) معین شده حبس قابل ابتیاع خواهند داشت.

ماده ۱۶۴- در صورتیکه حکام محاکم با هیئت منصفه بواسطه ارتشاء حکم مجازاتی اشد از جنس مجرد داده باشند همان مجازات در باره خود قاضی با عضو هیئت منصفه مقرر است.

ماده ۱۶۵- هر یک از صاحب‌منصبان ادارات و محاکم عدلیه که از روی حب یا بغض بخلاف حق در باره یکی از طرفین رأیی داده یا اقدامی کرده باشد در حکم مأمورینی خواهد بود که خیانت در وظایف خود نموده باشند و محکوم بمحرومیّت از حقوق ملی خواهند گردید.

۵) در تعدیات مأمورین دولتی.

فقره اول.

در تعدیات مأمورین دولتی نسبت بافراد مردم.

ماده ۱۶۶- هر یک از صاحب‌منصبان و اجزای عدلیه و نظمیّه و سایر ادارات دولتی و هر یک از فرماندهان و مأمورین قوای دولتی که بسمت مأموریت در غیر از مواقعی که قانون مقرر داشته و بدون ترتیبات مقرر قانونی در منزل کسی بخلاف رضا و اجازه صاحب منزل داخل شود از یکماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی و از شش روز الی یکماه حبس قابل امتناع خواهد شد مگر اینکه بامر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته و مجبور بامثال امر او بوده است مرتکب شده باشد و در اینصورت مجازات مزبور در حق آمر مقرر است.

ماده ۱۶۷- هر شخصی که به تهدید یا عنف بمنزل کسی داخل شود از سی و یکروز الی سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الی پانزده روز حبس قابل امتناع خواهد شد.

ماده ۱۶۸- هر یک از قضات یا صاحب‌منصبان ادارات که تظلمی نزد ایشان برده شود و رسیدگی بان [بان] از وظایف ایشان بوده باشد بهر عذر و بهانه اگر چه بعذر سکوت یا اجمال قانون باشد از احقاق حق امتناع ورزد و با وجود اخطار یا حکم مقامات عالیّه در امتناع خود مداومت نماید از شغل خود منفصل و از پنج الی بیست سال از اشتغال بخدمات دولتی ممنوع خواهد شد.

ماده ۱۶۹- هر گاه یکی از صاحب‌منصبان و مأمورین ادارات یا یکی از مأمورین حکومت یا نظمیّه یا هر یک از مأمورین اجرای احکام عدلیّه یا یکی از فرماندهان نظامی یا صاحب‌منصبان جزو در ضمن انجام وظایف خود یا به مناسبت آن بدون مجوز قانونی کسی را آزار کند یا امر به آزار کسی بنماید مجازات مرتکب متناسب خواهد بود با کیفیت و شدت آزاری که کرده است و ترتیب مجازات او موافق است با ماده (۱۷۷) آتیّه.

ماده ۱۷۰- هر یک از صاحب‌منصبان مأمورین دولتی یا اداره پست که مراسلات و پاکتهائی را که به پستخانه داده شده معدوم و یا مفتوح نمایند. یا موجبات آنرا فراهم آوردند از سه ماه الی سه سال محبوس خواهد شد. شخص مقصر علاوه بر مجازات فوق از پنجسال الی ده سال از اشتغال بمشاغل دولتی محروم خواهد گردید.

فقره دویم

در تعدّیات مأمورین دولتی نسبت بدولت.

ماده ۱۷۱- هر یک از مأمورین و اجزای دولتی از هر رتبه و مقامی که باشد هرگاه بر ضدّ اجراء قانونی یا تحصیلداری مالیات قانونی و یا بر ضدّ اجراء احکام یا اوامر عدلیّه و یا هر گونه امری که از مقامات قانونیّه صادر شده استعمال قوه دولتی نماید یا حکم آنرا بدهد یا تقاضای اعمال قوه مزبوره را نموده یا حکم بتقاضای آن بدهد مستوجب مجازات حبس مجرد خواهد بود.

ماده ۱۷۲- هر گاه بر این تقاضا یا امر اثر و نتیجه نیز مترتب شود حدّ اکثر مجازات مذکور در ماده قبل برای مقصر مقرر خواهد گردید.

ماده ۱۷۳- مأمورین و اجزاء دولتی فقط در صورتی از مجازات مقرر در ماده (۱۷۱) و (۱۷۲) معاف خواهند بود که مسلم شود که عملیات آنان بموجب امر

رؤسای قانونی ایشان بوده و بر حسب وظیفه مجبور به اطاعت اوامر مزبوره بوده‌اند در اینصورت مجازات فوق‌الذکر بر رؤساء تعلق میگیرد.

ماده ۱۷۴- در صورتیکه بواسطه اوامر مذکوره جنایت دیگری تولید شود که مجازات آن اشد از مجازات مذکوره در دو ماده (۱۷۱) و (۱۷۲) باشد آن مجازات در باره اشخاصی که امر یا تقاضا نموده‌اند مقرر خواهد بود.

ماده ۱۷۵- هر مستخدم دولتی که مشغول اجرای وظایف خود بشود قبل از اینکه اتیان به مراسم قسم نموده باشد در موردی که اتیان قسم مقرر است محکوم بیک روز الی ده روز حبس قابل اتباع خواهد شد.

۶) اشتغال بخدمت دولتی بر خلاف قانون.

ماده ۱۷۶- هر یک از اعضاء ادارات دولتی که قانوناً منفصل از خدمت شده و یا آنکه موقتاً ممنوع از اشتغال بشغل خود گردیده و پس از آنکه رسماً عدم حق دخالت باو اعلام شد بدخالت در وظایف مرجوعه مداومت نماید از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

و همچنین است مجازات اشخاصی که مأموریت ایشان انتخابی یا بطریق موقت بوده و پس از آنکه کسی دیگر بجای آنان منصوب گردد باز در آن امر مداخله کنند.

بعلاوه کلیه مجرمین مذکور در این ماده از پنج سال الی ده سال از کلیه خدمات دولتی ممنوع خواهند بود و ابتدای اینمدت از روزی است که مجازات حبس انجام یابد.

مدلول این ماده مانع از اجرای مجازات اشدی که برای صاحب‌منصبان و فرماندهان نظامی در ماده (۹۰) همین قانون مقرر شده است نخواهد بود.

ماده ۱۷۷- غیر از مواردی که قانون مجازات جنحه و جنایت مأمورین و صاحب‌منصبان دولتی را بخصوص تعیین نموده است هر گاه صاحب‌منصبان و

مأمورین مزبور در ضمن نظارت و جلوگیری از وقوع جنحه و جنایات که از وظایف آنان بوده است مرتکب جنحه یا جنایتی گردند بطریق ذیل مجازات خواهند شد.

هر گاه جرم جنحه باشد شخص مرتکب مزبور بحدّ اکثر مجازات همان جنحه محکوم خواهد گردید - و اگر جرم جنایت بوده و آن جنایت در حق دیگران موجب مجازات اخراج از مملکت یا محرومیت از حقوق ملّی باشد صاحب منصب یا مأمور مرتکب محکوم بحبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه مجازات جنایت مزبور در حق اشخاص غیررسمی موجب حبس مجرد یا حبس غیردائم در قلعه باشد مرتکبی که دارای شرایط مذکور در اول این ماده است محکوم بحبس با قید غیردائم خواهد شد - و اگر مجازات جنایت در حق دیگران موجب حبس با قید غیردائم یا حبس دائم در قلعه باشد شخص مرتکب که دارای شرایط مذکور در اول این ماده است محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد.

مبحث سیم

در مقاومت و تمرد و سایر تخلفات نسبت به مأمورین و کارگذاران دولت.

۱) طغیان یا تمرد.

ماده ۱۷۸- هر گونه حمله و مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجربی نسبت به مأمورین عدلیّه و امنیّه و مأمورین وصول مالیات و عوارض و گمرکات و مأمورین توقیف و ضبط و صاحب منصبان با مأمورین نظمیّه و ضابطین عدلیّه که مأمور اجرای قوانین و احکام دولت و اوامر و احکام عدلیّه هستند وارد آید نظر به اوضاع و احوال جنایت یا جنحه طغیانی محسوب میشود.

ماده ۱۷۹- هر گاه طاغیان مذکور مسلح و عدد ایشان بیش از بیست نفر باشد محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند گردید و اگر حامل اسلحه نباشند محکوم بحبس مجرد خواهند شد.

ماده ۱۸۰- هر گاه طغیان بتوسط جماعتی مرکب از سه الی بیست نفر اشخاص مسلح بوده مجازات مقررہ حبس مجرد خواهد بود - و در صورت عدم حمل اسلحه مجازات آنها از شش ماه الی دو سال حبس مقرر است.

ماده ۱۸۱- هر گاه طغیان از طرف یک یا دو نفر شخص مسلح بظهور برسد مرتکبین از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهند گردید - و در صورت نداشتن اسلحه از یکماه الی شش ماه حبس خواهند شد.

ماده ۱۸۲- مشمول ماده (۹۸) همین قانون خواهند بود جماعتی که فقط دخیل در سواد طاغیان بوده لیکن سردسته نبوده و در طغیان مأموریت خاصی نداشته و بمحض اخطار حکومت کناره جسته یا پس از اخطار مزبور بدون اسلحه و مقاومت جدید در غیر محل طاغیان دستگیر شده‌اند.

ماده ۱۸۳- هر کس بواسطه نطق در مجامع عمومی یا اعلانات و امثال آنها مردم را دعوت و تحریک بر طغیان نماید محکوم به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی خواهد گردید - و اگر بر دعوت و تحریک او ترتیب اثر نشده و طغیان وقوع نیافته باشد محرک و دعوت کننده فقط از سی و یکروز الی یکسال حبس خواهد شد.

ماده ۱۸۴- اجتماعاتی که برای ارتکاب جنایت یا جنحه فراهم میشود مجمع مسلح محسوب است در صورتیکه زیاده از دو نفر ایشان علناً حمل اسلحه کرده باشند.

ماده ۱۸۵- هر گاه اشخاصی پنهانی حمل اسلحه نموده و جزء مجمع و گروهی بوده‌اند که مجمع غیرمسلح محسوب می‌شده فقط حاملین اسلحه مثل کسانی مجازات خواهند شد که جزء دسته یا گروه مسلح بوده باشند.

ماده ۱۸۶- کسانی که در موقع طغیان از آن استفاده نموده مرتکب جنایت یا جنحه گردند بمجازات همان جنایت یا جنحه که مرتکب شده‌اند محکوم خواهند بود در صورتیکه آن مجازات اشد از مجازات طغیان بوده باشد والا همان مجازات طغیان در باره ایشان مجری می‌شود.

ماده ۱۸۷- هر گاه کارگران و مزدوران در کارخانه‌های دولتی و مرضای مریضخانه‌ها و محبوسین یا متهمین توقیف شده مجامعی با اسلحه یا بی‌اسلحه تشکیل داده و بطریق تجری یا تهدید بر ضد حکومت و صاحب منصبان و مأمورین ادارات یا در مقابل قوای دولت اقدامات نمایند مانند مجامع طاغیان مجازات خواهند گردید.

ماده ۱۸۸- اشخاصی که به ارتکاب جنایت یا جنحه متهم یا مقصر یا محکوم شده‌اند هر گاه مرتکب طغیان شوند بطریق ذیل مجازات خواهند گردید.

اولاً- هر گاه بواسطه ارتکاب جرمی محکوم به مجازاتی شده‌اند که غیر از اعدام یا حبس دائم است و مرتکب طغیان گردند فوراً پس از اتمام مجازات جرم اولی محکوم به مجازات مقرر از برای طغیان خواهند شد.

ثانیاً- هر گاه متهم بوده و حکم برائت آنها صادر شود و در حین رسیدگی مرتکب طغیان گردند پس از صدور حکم قطعی در برائت آنها نسبت به اتهام اولی محکوم به مجازات طغیان خواهند گردید.

ماده ۱۸۹- رؤساء و محرکین طغیان ممکن است بعد از اتمام مجازات حبس از پنجسال الی ده سال از اقامت در محل مخصوص ممنوع شوند.

۲) هتک حرمت و وارد آوردن صدمات جسمانی نسبت بکارگذاران دولت و قوای دولتی.

ماده ۱۹۰- هر گاه شخصی نسبت بیک یا چند نفر از قضات عدلیه یا وزراء و معاونین آنان و حکام و فرمانفرمایان و معاونین آنان و اعضای شورای دولتی و همچنین رؤسای بلدیّه و اعضای دیوان محاسبات و اعضای هیئت منصفه چه در حین انجام وظایف رسمیه و چه بسبب انجام آن هتک حرمتی نماید اعم از آنکه شفاهی بوده یا کتبی و یا آنکه تصویر آنها را بطریق هجو کشیده ولی طبع و نشر نکرده باشد و بخواهد در هر یک از این موارد مختلفه وهنی بشرف یا بحیثیت هر یک از اشخاص مذکوره وارد آورد مستوجب حبس از سی و یکروز الی دو سال خواهد گردید - و هر گاه در اثنای محاکمه در دیوان یا محکمه از اشخاص مفصله فوق شفاهاً هتک شرف نماید از یکسال الی سه سال حبس خواهد گردید.

ماده ۱۹۱- در صورتیکه شخصی بیکی از قضات یا اعضاء هیئت منصفه در حین انجام وظایف یا بسبب اجرای وظیفه مقرر در مقام هتک حرمت بواسطه حرکات و اشارات و یا تهدید برآید از سی و یکروز الی شش ماه محکوم به حبس تأدیبی خواهد گردید - و اگر هتک حرمت مزبوره در محکمه در حین محاکمه وقوع یابد مجازات آن از سی و یکروز الی دو سال خواهد بود.

ماده ۱۹۲- هر گاه هتک حرمت شفاهاً یا بحرکات و اشارات یا به تهدید نسبت بمأمورین احضار و اجرای عدلیه و فرماندهان و امنای قوای دولتی و یا فردی از افراد اهل مملکت که مأمور بانجام خدمت دولتی باشد بظهور رسد اعم از اینکه در حین انجام وظایف مقرر یا بسبب انجام آن باشد از سی و یکروز الی سه ماه محکوم بحبس تأدیبی و یک الی بیست روز حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

ماده ۱۹۳- هر گاه کسی بیکی از اشخاص مذکوره در ماده (۱۹۰) در حین انجام وظایف مقرر یا بسبب انجام آن با حربه یا بی حربه ضربه یا صدمه وارد آورد در صورتیکه آن ضربه موجب جراحت نگردیده باشد از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

اگر ضربه یا صدمه در موقع محاکمه در محکمه وقوع یابد همیشه حد اکثر جزای مذکور مقرر خواهد گردید.

ممکن است شخص مقصر علاوه بر جزای فوق الذکر در هر دو مورد از مدت پنجسال الی ده سال از حقوق مذکور در ماده (۲۷) محروم گردد و ابتدای مجازات مذکوره از روزی است که مجازات حبس با تمام رسیده باشد.

ماده ۱۹۴- در هر یک از دو مورد مذکور در ماده فوق شخص مقصر را از پنجسال الی ده سال از اقامت در حدود چهار فرسخ از مقر قضاوت قاضی میتوان ممنوع داشت. ابتدای مدت این ممنوعیت از روز اتمام حبس است. و هر گاه مقصر قبل از انقضای مدت ممنوعیت خود مخالفت با این حکم نماید محکوم باخراج از مملکت خواهد گردید.

ماده ۱۹۵- هر گاه شخصی بیکی از مأمورین اجرا و احضار عدلیه یا مأمورین قوای دولتی و یا بیکی از افراد ملت که از طرف وزارتخانه مأمور بانجام اوامر دولتی بوده در اثنای اجرای وظیفه یا بسبب انجام آن صدمه وارد آورد از سی و یکروز الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد بود.

ماده ۱۹۶- در صورتیکه نسبت به اشخاص مذکوره در مواد (۱۹۰) و (۱۹۵) صدمات بدنی وارد آید که موجب جریان خون یا جراحات و یا مرضی گردد شخص مقصر محکوم به حبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه تا مدت چهل روز هر یک از صدمات وارده منجر بهلاکت و فوت گردد شخص مقصر محکوم بحبس دائم با قید خواهد گردید.

ماده ۱۹۷- هر گاه صدمات وارده موجب جریان خون یا جراحی یا مرضی نشود ولی ثابت شود که فعل از روی عمد [کینه] و تصمیم قتل یا کمین کردن بوده است مجازات مرتکب حبس مجرد است.

ماده ۱۹۸- در صورتیکه ضربه و صدمات و یا جراحات وارده باشخاص مذکوره در مواد (۱۹۰) و (۱۹۵) در حین انجام وظایف یا بواسطه اجراء آن بقصد قتل آنان بوده مرتکبین محکوم بحبس دائم با قید خواهند گردید. (۳) امتناع از انجام وظایف قانونیه.

ماده ۱۹۹- هر یک از فرماندهان و صاحب منصبان کل و جزو قوای دولتی که پس از تقاضای قانونی قوای کشوری از اجرای مأموریت و وظیفه خود امتناع نماید از سی و یکروز الی سه ماه محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید - و هر گاه از این امتناع خسارتی وارد شود مدلول ماده (۳۴) این قانون نیز مجری و محفوظ است.

ماده ۲۰۰- هر یک از شهود تحقیق و مطلعین قضیه و اعضای هیئت منصفه که برای حضور در محکمه احضار گردند و بنا بعدر غیرموجهی حاضر نشوند از شش روز الی دو ماه محکوم بحبس تأدیبی میشوند. (۴) در فرار محبوسین و اخفاء مقصرین.

ماده ۲۰۱- هر گاه محبوسی فرار نماید مأمورین حفظ و حراست او اعم از مأمورین عدلیه و نظمیّه یا فرماندهان کل یا جزو ژاندارمری یا قوای دولتی که ملازم محبوسین یا مراقب آنها هستند - و همچنین مستحفظین و زندانبانها و دربانها و کلیّه مأمورینی که سفرراً و حضرراً مأمور به نگاهداری و حبس محبوسین میباشند به ترتیب ذیل مجازات خواهند شد.

ماده ۲۰۲- در صورتیکه شخص فراری متهم یا محکوم به جنحه یا جنایتی که فقط ترذیلی است بوده و یا در صورتیکه فراری از اسرای جنگی بوده است

بمستحفظین مذکور در صورت غفلت از وظیفه و شغل خود از یکماه الی سه ماه حبس خواهند گردید.

و در صورت اغماض از شش ماه الی دو سال حبس مقرر است. اشخاصی که مأمور بحفظ و حراست مقصرین مزبور نبوده ولی فرار آنها را تسهیل کرده و یا موجبات آنرا فراهم نموده باشند از یک الی سه ماه حبس خواهند گردید.

ماده ۲۰۳- در صورتیکه محبوسین فراری یا یکی از آنها متهم یا محکوم به ارتکاب جنایتی که موجب مجازات ترحیمی موقت است باشند مستحفظین و نگاهبانان ایشان در صورت غفلت از دو الی شش ماه حبس خواهند شد و در صورت اغماض محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

اشخاصی که از جمله مأمورین مذکور در فوق نبوده ولی در فرار محبوسین مساعدت کرده و یا آنکه موجبات آنرا فراهم نموده‌اند از سه ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی خواهند شد.

ماده ۲۰۴- در صورتیکه فراریان یا یکی از آنها متهم یا محکوم بارتکاب جرائمی باشند که مستلزم مجازات اعدام یا مجازات دائمی است مراقبین یا مستحفظین آنها در صورت غفلت از یکسال الی دو سال حبس خواهند شد و در صورت اغماض محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند گردید.

اشخاصی که مأمور به مراقبت یا محافظت محبوسین فراری نبوده ولی مساعدت در فرار آنها نموده‌اند از یکسال الی سه سال حبس خواهند شد.

ماده ۲۰۵- هر گاه وقوع فرار یا قصد آن بعنف یا بشکستن درب محبس شده باشد اشخاصی که بوسیله اسباب مخصوص مساعدت در فرار محبوسین نموده‌اند از قرار ذیل مجازات خواهند شد.

در صورتیکه جرم شخص فراری جنحه یا جنایت تزدیلی بوده باشد فراردهندگان از سه ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

در صورتیکه جرم شخص فراری جنایت تزهیبی بوده فراردهندگان از شش ماه الی دو سال حبس خواهند شد _ و در مورد فرار متهم بقتل یا حبس دائم مجازات فراردهنده از یکسال الی سه سال حبس خواهد بود.

در مورد اخیر مقصرین ممکن است علاوه بر مجازات مقررۀ فوق از حقوقی که در ماده (۲۷) این قانون مصرح است از پنجسال الی ده سال محروم شوند و ابتدای مدت مزبوره از تاریخ اتمام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۰۶- در تمام موارد فوق‌الذکر در صورتیکه اشخاص خارجی بواسطۀ تطمیع یا رشوه مستحفظین محبس را فریفته یا اغماض آنها را تهیۀ نموده یا موجبات فرار محبوسین را فراهم آورند اشخاص مذکور بهمان مجازاتی که برای مستحفظین و زندانبانان مقرر است محکوم خواهند شد.

ماده ۲۰۷- در صورتیکه فرار مقصری بشکستن درب محبس یا بعنف واقع شده و وسیله آن رسانیدن اسلحه به محبوسین بوده مستحفظین و مأمورین محبس که در این امر شرکت داشته‌اند بحبس دائم با قید و سایر اشخاص بحبس غیردائم با قید مجازات خواهند شد.

ماده ۲۰۸- اشخاصی که در امر فرار محبوسی اغماض نموده‌اند مشترکاً محکوم خواهند گردید به ادای خساراتی که مدعی خصوصی میتواند است از محبوس خود مطالبه نماید و بواسطه فرار از او فوت شده است.

ماده ۲۰۹- محبوسینی که بواسطۀ شکستن درب محبس یا بعنف فرار نموده یا در صدد فرار برآمده از برای همین اقدام از شش ماه الی یکسال حبس خواهند شد _ و این مجازات باید بلافاصله بعد از انقضای مدت مجازات اصل

جنحه یا جنایتی که باعث توقیف آنان بوده است مجری شود یا بلافاصله بعد از حکمی که از محکمه بر براءت متهم صادر گردیده است.

و هر گاه فرارکننده یا قاصد فرار در حین عملیات فرار مرتکب جرائم دیگری که مجازات آن اشد باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱۰- هر گاه کسانی مأمور به محافظت یا حاضر کردن متهمین یا مقصرین بوده و فقط بواسطه غفلت ایشان متهمین یا مقصرین فرار کرده باشند در صورتیکه فراریان مجدداً دستگیر یا خود حاضر شوند مستحفظین مزبور از مجازات حبس فوق‌الذکر معاف میشوند مشروط بر اینکه دستگیری یا حاضر شدن فراریان در ظرف چهار ماه از تاریخ فرار بوده و بسبب ارتکاب جنحه و جنایت دیگری نیز دستگیر نشده باشند.

ماده ۲۱۱- کسانی که بعضی اشخاص را اخفاء نموده یا سبب اخفای آنها گردیده‌اند و مطلع بوده‌اند که آن اشخاص مرتکب جرمهائی شده‌اند که مستلزم مجازات تهریبی است از سه ماه الی دو سال حبس میشوند.

اشخاص مفصله ذیل از مجازات مذکوره معاف خواهند بود.
آباء و اجداد اولاد و احفاد شوهر و زن حتی اگر مطلقه باشند و برادران و خواهران و اشخاصی که با مجرمین مخفی شده قرابت سببی تا درجه دویم دارند.

۵) در مجازات مرتکبین شکستن مهر و سرقت نوشتجات و اسناد از اماکن دولتی.

ماده ۲۱۲- هر گاه چیزی حسب‌الامر دولت یا بموجب حکم عدلیه مختوم شده و مهر آن شکسته شود اگر فقط بواسطه غفلت مستحفظین بوده اشخاص مزبور از سی و یکروز الی شش ماه حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۳- در صورتیکه فک مهر راجع باوراق و اسناد و اسباب و اشیاء شخص متهم یا محکوم بجنایتی باشد که آن جنایت مستلزم مجازات اعدام با حبس دائم بوده باشد مستحفظینی که از وظایف خود غفلت ورزیده‌اند از سه ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۴- هر گاه کسی عمداً فک مهری که بر اوراق و اسناد و اشیاء موصوفه فوق‌الذکر زده شده است نماید یا شرکت در فک مهر مزبور نموده باشد از شش ماه الی دو سال محبوس خواهد شد - چنانچه خود مستحفظ شخصاً یا با شرکت دیگری مرتکب فک مهر شده باشد از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

مقصر مزبور علاوه بر مجازات مقرر فوق از پنجسال الی ده سال از حقوقی که در ماده (۲۷) همین قانون مصرح است محروم خواهد گردید و ابتدای آن مدت از اتمام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۱۵- برای سایر انواع فک مقصرین از سه ماه الی یک سال حبس میشوند - در صورتیکه مستحفظ شخصاً مرتکب اینگونه جرمها بشود از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

ماده ۲۱۶- هر گاه بعضی یا کل نوشتجات یا اسناد و یا اوراق متعلقه به محاکمات جزائی یا سایر اوراق یا دفاتر و یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط مندرج و یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور بحفظ آنها هستند سپرده شده ربهوده یا معدوم یا تخریب شود شخص دفتردار و مباشر ضبط و ثبت اسناد و سایر امنائی که بواسطه غفلت آنها جرم مذکور وقوع یافته از سه ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

ماده ۲۱۷- مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرمهای مشروح در ماده فوق هر گاه غیر از مستحفظین باشند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

و اگر خود امانت‌دار مرتکب یکی از جنایات فوق‌الذکر گردد محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد.

ماده ۲۱۸- در صورتیکه مرتکب با قهر و تشدد نسبت باشخاص فک مهر نموده یا نوشتجات و اسناد را بریاید یا معدوم کند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد گردید و این مجازات مانع از اجرای هر جنحه و جنایتی که از قهر و تشدد حاصل شده نخواهد بود.

(۶) در تخریب ابنیه و آثار.

ماده ۲۱۹- کسی که نسبت بابنیه و آثار و کلیه اشیائی که از طرف دولت یا باجازه آن برای استفاده عموم یا تزیین اماکن عمومی نصب گردیده خرابی وارد آورد و یا منهدم سازد و یا کسر و نقصی برساند از سی و یکروز الی دو سال حبس خواهد شد و بعلاوه از شش روز الی یکماه حبس قابل ابتیاع خواهد داشت.

(۷) غصب عناوین و القاب و مشاغل.

ماده ۲۲۰- کسی که بدون حق رسمی در مشاغل دولتی کشوری یا نظامی دخالت نموده و یا آنکه اجرای وظائف یکی از مشاغل مذکوره را نماید از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد - و هر گاه عمل او متضمن جعل سندی باشد مجازات آنرا نیز بعلاوه خواهد دید.

ماده ۲۲۱- هر گاه شخصی علناً لباس مخصوص یا رسمی پوشیده و یا استعمال نشانی بنماید که متعلق باو نباشد از شش ماه الی دو سال حبس خواهد شد.

هر کسی که بدون حق برای نمایش شأن و مقام علناً اختیار لقبی که اعضای آن از خصایص دولت است نموده و یا آنکه اسم اصلی خود را که دفتر نفوس ثبت است تغییر داده و یا تصرفی در آن نماید از دو ماه الی دو سال حبس خواهد شد و

سواد حکمی را که بمحکومیت او از محکمه صادر شده در حاشیه اسناد رسمی او که حاوی اسم یا لقب جعلی میباشد ثبت خواهند نمود.

در تمام موارد مذکوره در این ماده محکمه میتواند مقرر دارد که سواد تمام حکم یا خلاصه آنرا در جراید درج نمایند و کلیه مخارج وارده بر عهده شخص محکوم علیه خواهد بود.

مبحث چهارم

در مشارکت و اجتماع و مواضعه برای ارتکاب جنایات.

ماده ۲۲۳- هر گونه مجمع و شرکت و مواضعه که برای تهیه مقدمات یا ارتکاب جنایتی بر ضد اشخاص یا اموال تشکیل یابد مطلقاً در حکم اخلاف امنیت و آسایش عمومی است.

ماده ۲۲۳- هر کس خود را دخیل یا سهیم در مجمع و مواضعه مذکور در ماده فوق نماید محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد گردید.

اشخاصی که بواسطه ارتکاب جنایت مذکوره در این ماده مقصر گردیده‌اند از مجازات معاف میشوند در صورتیکه قبل از هر گونه تعقیبی مقامات مقتضیه را از مواضعه و تشکیل شرکت و مجمع مطلع سازند.

ماده ۲۲۴- کسانی که با مرتکبین جنایات مذکوره در ماده (۲۲۲) از روی عمد و اختیار مساعدت نموده و از برای آنها آلات و ادوات جنایتی و یا اسباب ارسال و مرسول مکاتبات و منزل و یا محل اجتماعی فراهم کرده‌اند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

احکام مندرجه در جمله دویم ماده (۲۲۳) در باره مقصری که مرتکب جرائم مذکوره در این ماده شده نیز مقرر خواهد بود.

مبحث پنجم

در ول‌گردی و تکدی.

ماده ۲۲۵- اشخاصی که با وجود تمکن بر تهیه منزل و مأوی و اختیار شغل و حرفه ول‌گردی و بیکاری را شعار خود ساخته‌اند سه ماه الی شش ماه محکوم بحبس خواهند شد - اطفالیکه سنشان از پانزده تجاوز نکرده باشد از این مجازات معافند.

هرگاه معلوم شود که اشخاص مزبور از اتباع خارجه هستند باید آنها را بامر دولت از داخل مملکت خارج نمود.

مقصود از ول‌گرد کسانی هستند که مسکن و مأوی مخصوص و وسیله معاش معلومی و شغل و حرفه معینی ندارند.

ماده ۲۲۶- هر گاه کسی بعنوان ول‌گردی گرفتار یا محکوم شود و ادارهٔ بلدیه یا حکومت محلی که وطن او بوده تقاضا کند که او را بوطن اصلیش رجعت بدهند محکمه میتواند این تقاضا را بپذیرد ولی در صورتیکه بعد از مرخصی باز در محلی که محکوم شده بطور ول‌گردی و بیکاری توقّف نماید مجازات او ضعف میشود.

ماده ۲۲۷- کسانیکه با صحت مزاج و تمکن از اختیار شغل و حرفه گدائی را شیوهٔ خود قرار دهند از سه ماه الی شش ماه حبس میشوند.

ماده ۲۲۸- گدایان هر چند عاجز باشند هرگاه مردم را تهدید کنند یا دشنام دهند یا بدون اجازه صاحب منزل یا اهل خانه وارد شوند از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس خواهند شد.

ماده ۲۲۹- کسانیکه به تزویر خود را علیل و مریض و عاجز نمایش دهند یا آنکه بهیئت اجتماع تکدی کنند مگر اینکه زن و شوهر یا پدر و مادر یا اولاد صغار یا کور و عساکش او باشند مجازات فوق را خواهند داشت.

نیز همان مجازات را خواهند داشت کسانی که اطفال صغیر را وسیلهٔ تکدی قرار دهند.

ماده ۲۳۰- هر ول گرد و یا گدائی که تغییر وضع و لباس داده یا حمل اسلحه نماید اگر چه آنرا بکار نبرده باشند یا اینکه سوهان و چنگک و سایر آلات مخصوصهٔ سرقت یا شکستن حرز همراه داشته باشد از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

ماده ۲۳۱- هر گاه ول گرد و یا گدائی اشیائی داشته باشد که قیمت آنها زیاده از بیست تومان باشد و معلوم نکند که اشیاء مزبوره بطریق مشروع بدست او آمده از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس خواهد شد.

ماده ۲۳۲- هر گاه ول گرد یا گدائی نسبت بکسی حرکتی بطور عنف و شدت بنماید از یکسال الی سه سال حبس میشود مگر اینکه عمل او قانوناً موجب مجازات اشد باشد که در آنصورت همان مجازات در بارهٔ او مقرر خواهد شد. هر گاه کیفیات مذکوره در مادهٔ (۲۳۰) در حق او صادق باشد مجازات حبس او مجرد خواهد بود.

ماده ۲۳۳- کسانی که بدست آویز تصدیق و شهادتنامه جعلی تکدی و ول-گردی نمایند بحد اکثر مجازات راجعهٔ باستعمال تصدیق و شهادت جعلی محکوم خواهند شد.

قسمت سیم

در جنحه و جنایت نسبت با افراد که مخل آسایش و نظام عمومی باشد.

فصل اول

در جنحه و جنایت نسبت باشخاص.

(۱) قتل عمدی.

ماده ۲۳۴- هر کس مرتکب قتل عمدی شود مجازات او اعدام است.

ماده ۲۳۵- هر گاه محاکمه مرتکب قتل عمدی بسبب موجبات و موانعی از صلاحیت محکمه جنائی اختصاصی خارج شود نظر به جنبه نظام مملکتی محاکم جنائی قضیه را رسیدگی کرده حکم میدهند و میتوانند مجازات مرتکب را یکدرجه تخفیف داده حکم بحبس دائم با قید بدهند.

(۲) تهدید.

ماده ۲۳۶- هر گاه کسی دیگری را کتباً با امضاء یا بدون امضاء تهدید کند بقتل یا مسمومیت یا به آزارهای دیگری که جزء جنایت محسوب شود و در این تهدید بطرف مقابل امری کند یا مبلغی تقاضا نماید تا از این خطر محفوظ بماند تهدیدکننده از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی و باضافه از ده روز الی دو ماه حبس قابل امتناع خواهد شد و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکور در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال محروم گردد و ابتدای این مجازات از روز اختتام مجازات حبس خواهد بود.

ماده ۲۳۷- در صورتیکه تقاضای وجهی یا امری یا تهدید مزبور همراه نباشد تهدیدکننده از شش ماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی و از شش روز الی چهل روز حبس قابل امتناع خواهد شد.

ماده ۲۳۸- هر گاه تهدید شفاهی بوده و منضم بامری یا تقاضای وجهی بوده باشد تهدیدکننده محکوم بسه ماه الی یکسال حبس و یکروز الی بیست روز حبس قابل امتناع خواهد شد.

ماده ۲۳۹- هر گاه کسی دیگری را کتباً یا شفاهاً به آزار و صدمه که جنبه محسوب شود تهدید نماید و در ضمن تهدید تقاضائی کند یا شرطی بنماید از سی و یکروز الی سه ماه حبس خواهد شد و از یکروز الی پنجروز حبس قابل امتناع خواهد شد.

۳) جرح و ضرب عمدی.

ماده ۲۴۰- هر کس عمداً بدیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب مرضی گردد و یا قدرت کار کردن را از شخص صدمه خورده در مدتی زیاد از بیست روز سلب نماید محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل امتناع خواهد شد - و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال از روز اختتام مجازات حبس محروم گردد.

هر گاه صدمه وارده مؤدی به نقصان عضوی از اعضاء شود مجازات مرتکب حبس مجرد است و هر گاه منتهی بموت یا جنون مجنی علیه شود بدون آنکه مرتکب قاصد آن بوده محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد.

ماده ۲۴۱- هرگاه صدمه وارد منتهی بامراض و نقصان اعضا نشود مرتکب محکوم به سی و یکروز الی دو سال حبس یا یکروز الی پانزده روز حبس قابل امتناع میشود و ممکن است محکمه موافق نظر خود مقصر را بهر دو مجازات محکوم نماید.

ماده ۲۴۲- هر گاه صدمات مذکوره در ماده قبل نسبت به پدر یا مادر یا اجداد و جدات واقع شود، مجازات مرتکب یکدرجه شدیدتر از مجازاتهای مذکوره در ماده فوق خواهد بود.

ماده ۲۴۳- هر کس عمداً بطفل نابالغی ضربت و جراحت برساند و یا در مآکل و مشرب او تضییق نماید بطوریکه به مزاج او صدمه وارد آید از شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی و از یک روز الی دو ماه حبس قابل امتیاع خواهد شد.

هر گاه از اعمال فوق مرض و یا ناتوانی حاصل شود که مدت آن زاید بر بیست روز باشد مجازات از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی چهار ماه حبس قابل امتیاع خواهد بود.
مجازاتهای فوق در باره مرتکب مقرر است اگرچه پدر و مادر و اجداد طفل باشند.

ماده ۲۴۴- هر گاه جنحه و جنایات مذکوره در این مبحث در مجمع فتنه- آمیزی واقع شده و با طغیان و نهب و غارت مقرون بوده و مرتکب جنحه و جنایت معلوم نباشد رؤساء و اغواکنندگان و محرکین مجمع مذکور مسئول خواهند بود و مانند اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت مذکوره بوهاند محسوب و بهمان مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۴۵- هر کس آلت تناسل کسی را قطع نماید محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد - هر گاه عمل فوق در ظرف چهل روز موجب هلاک مجنی علیه گردد مرتکب محکوم باعدام است.

ماده ۲۴۶- هر کسی بواسطه بعضی مأكولات یا مشروبات یا ادویّه یا بوسیله حرکات عنیفه یا بوسایل دیگر اسباب سقط جنین شود اعم از اینکه مادر طفل راضی بوده یا نباشد محکوم بحبس مجرد خواهد شد.

جزاء فوق‌الذکر در باره زنی که وسیله سقط حمل خود را فراهم نماید یا آنکه بسقط حمل خود بتکلیف دیگران تن در دهد و سقط واقع شود نیز مقرر است.

طیب یا جراح یا دوافروشی که موجبات سقط جنین را فراهم کند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد و بعلاوه از یکروز الی یکماه حبس قابل امتیاع نیز خواهد داشت.

ماده ۲۴۷- هر کس موادی که سهم مهلک نبوده لیکن مضر به مزاج باشد بکسی بخوراند و موجب مرض یا ناتوانی او گردد از یک ماه الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد شد و اگر مرض یا ناتوانی مجنی‌علیه زیاده از بیست روز دوام کند مجازات مرتکب حبس مجرد است.

هر گاه جنایت فوق از طرف اولاد نسبت پیدر و مادر یا اجداد و جدات و یا از طرف زوج نسبت بزوجه یا زوجه نسبت بزوجه واقع شود مجازات مرتکب در حالی که مرض و ناتوانی زیاده از بیست روز نباشد حبس مجرد است و اگر زیاده از بیست روز شود حبس غیردائم با قید خواهد بود.

ماده ۲۴۸- هر کس تفنگ و شش لول و طپانچه و قمه و خنجر و حربه‌های دیگری را که حمل آنها بموجب قانون یا نظامنامه‌های دولتی ممنوع است بدون اجازه حمل نماید محکوم بیکروز الی یکماه حبس قابل امتیاع خواهد شد و اگر این جرم را تکرار کند مدت مجازات ضعف میشود.

۴) قتل و ضرب و جرح غیرعمدی و مواردی که جانی معذور و قابل تخفیف مجازات است.

ماده ۲۴۹- هر کس بواسطه عدم مهارت یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی بغير عمد مرتکب قتل یا سبب وقوع آن گردد محکوم به سه ماه الی دو سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهل روز حبس قابل امتیاع خواهد شد.

ماده ۲۵۰- هر گاه بی احتیاطی و بی‌مبالاتی مذکور در فوق متهمی بجرح یا ضرب گردد مقصر محکوم به شش روز الی یکماه حبس تأدیبی و سه روز الی ده روز حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

ماده ۲۵۱- قتل و ضرب و جرح هر گاه در مقام دفاع از ضرب و آزار شدید یا برای ممانعت از مقاصد سوء کسی که در روز از دیوار خانه بالا میرود یا در و پنجره و دیوار را میشکند و میشکافد بعمل آمده باشد معذور و مورد تخفیف مجازات است.

هر گاه سوء قصد مزبور در شب واقع شده باشد تکلیف بموجب ماده (۲۵۷) تعیین میشود.

ماده ۲۵۲- قتل والدین بهیچ موجب معذور و معاف نمیشود.

ماده ۲۵۳- هر گاه یکی از زوجین قاتل دیگری شود معذور نخواهد شد مگر اینکه مرتکب در مورد خطر جانی از طرف مجنی‌علیه واقع شود و قتل را هم در همان حین خطر مرتکب شده باشد ولی هر گاه شوهری زن خود را در منزل خود با مرد اجنبی در هر حال مواجهه مشاهده نماید و مرتکب قتل زن یا شخص زانی شود معذور است.

ماده ۲۵۴- جنایت قطع آلت تناسل هر گاه در حین هتک ناموس از طرف مجنی‌علیه واقع شود معذور است.

۲۵۵- در مواردیکه معذور بودن مقصر ثابت شود هر گاه جنایت او مستوجب اعدام یا حبس دائم باشد مجازات حبس تأدیبی از یکسال الی سه سال برای او مقرر میشود و اگر مستوجب حبس غیردائم بوده حبس تأدیبی از شش ماه الی دو سال خواهد داشت و اگر تقصیر او فقط جنبه باشد از یک الی شش ماه حبس خواهد شد.

۵) قتل و ضرب و جرحی که جنحه و جنایت محسوب نمیشود.
ماده ۲۵۶- در موارد ذیل قتل و ضرب و جرح جنحه و جنایت محسوب نیست و مورد تعقیب و مجازات واقع نمیشود.
اولاً- در صورتیکه قتل و ضرب و جرح بحکم قانون و به امر آمر قانونی انجام یابد.
ثانیاً- در صورتیکه فقط برای دفاع و حفظ جان خود یا دیگری واقع شود.
ماده ۲۵۷- موارد ذیل از موارد دفاع و حفظ جان محسوب است.
اولاً - موردی که قتل و ضرب و جرح هنگام شب واقع شود در ضمن ممانعت از سوء قصد کسی که از دیوار خانه بالا می‌رود یا در و پنجره و دیوار را می‌شکند و می‌شکافد.
ثانیاً - موردیکه قتل و ضرب و جرح در مقام دفاع از سارق یا کسی که بعنف غارتگری میکند واقع شده باشد.
۶) توقیف و حبس غیرقانونی
ماده ۲۵۸- هر کس بدون حکمی از مقامات مقتضیه و خارج از مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شحصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد بود.
کسی که برای ارتکاب جرم مذکور مکانی تهیّه کرده و بدینطریق مساعدت با جنایت مزبوره نماید محکوم بهمان مجازات خواهد شد.
ماده ۲۵۹- اگر کسی که مرتکب جرم مذکور در ماده قبل گردیده قبل از آنکه مورد تعقیب شود شخص توقیف شده را رها نماید در صورتیکه زیاده از ده روز آنشخص را در توقیف و حبس نگاه نداشته باشد مجازات او تخفیف یافته از یکسال الی سه سال حبس مقرر خواهد بود.

ماده ۲۶۰- در موارد ذیل کسی که مرتکب توقیف و حبس غیرقانونی اشخاص گردیده باشد محکوم حبس دائم با قید است.
اولاً- اگر توقیف کننده لباس مبدل داشته باشد یا اسم و عنوان مجعول اختیار کرده یا حکم جعلی از مقامات مقتضیه ابراز نموده باشد.
ثانیاً- اگر شخص توقیف شده را تهدید به قتل نموده باشد.
ثالثاً- اگر بشخص توقیف شده شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد.
رابعاً- اگر توقیف و حبس غیرقانونی زیاده از یکماه دوام کرده باشد.
(۷) بی عفتی و بی ناموسی.

ماده ۲۶۱- هر کس علناً عمل قبیحی که منافی عفت باشد مرتکب شود از سه ماه الی دو سال حبس میشود و این غیر از مجازات اختصاصی است که برای اعمال مخصوص مقرر است.

ماده ۲۶۲- اشخاص مفصله ذیل محکوم بحبس تأدیبی از شش ماه الی سه سال می باشند.

اولاً- کسانی که جوانان را اعم از ذکور یا اناث از راه در برده بفساد اخلاق و امیدارند بواسطه تحریک کردن شهوت یا تسهیل نمودن وسایل شهوترانی ایشان.

ثانیاً- کسی که برای شهوترانی دیگری جوانی را از راه در برد به بی- ناموسی وادارد اگرچه با رضای خود او باشد.

ثالثاً- هر کس برای شهوترانی دیگری زنی یا دختری را از راه تزویر یا بعنف یا بعنوان ادای دین ایشان یا رفع حوائج دیگری یا بواسطه سوء استعمال قدرت و اختیاری که نسبت به ایشان دارد به بی ناموسی وادارد یا درخانهای بی ناموسی نگاه بدارد.

هرگاه جرائم مذکوره بواسطه پدر و مادر و اجداد و اقرباء یا لله و دایه و نوکر و مستخدم یا معلّم و مشاق و کلیه اشخاصی که سمت صاحب اختیاری نسبت بمجنی علیه دارند سر بزند یا اشخاص مزبور تحریک یا تسهیل جرائم مذکوره را بنماید بحدّ اکثر مجازات فوق محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۳- مقصرین مذکور در ماده قبل در ظرف مدتی که کمتر از دو سال و بیشتر از بیست سال نباشد از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم خواهند شد و ممکن است در ظرف همان مدت از اقامت در محل مخصوص نیز ممنوع گردند.

ماده ۲۶۴- هر کس بدون عنف هتک ناموس شخص نابالغی را بنماید مجازات او حبس مجرد است و اگر مرتکب پدر و جد و لله و سایر اشخاص مذکور در ماده (۲۶۲) باشند بحبس غیردائم با قید محکوم میشوند.

ماده ۲۶۵- هر کس هتک ناموس دیگری را بعنف بنماید محکوم بحبس غیر دائم با قید است و اگر مجنی علیه نابالغ باشد جانی بحدّ اکثر مجازات مذکور محکوم خواهد شد - هر گاه مرتکب پدر و جد و لله و سایر اشخاص سابق الذکر باشند مجازات ایشان حبس دائم با قید است.

ماده ۲۶۶- در موارد دیگری که کسی مرتکب فحشاء و امور منافی عفت شود و داخل در موارد فوق نباشند مجازات مرتکب بر حسب درجات و کیفیات واقعه از سه ماه الی دو سال حبس تأدیبی و شش روز الی چهار ماه حبس قابل ابتیاع خواهد بود.

(۸) مخالفت با مراسم دفن اموات.

ماده ۲۶۷- هر کس بدون رعایت مراسم و نظامات راجعه بدفن اموات جنازه را دفن کند یا سبب دفن آن شود از سی و یکروز الی سه ماه محبوس خواهد

شد و این غیر از مجازات مقررہ برای جنایاتی است که ممکن است با این واقعه مقرون باشد.

ماده ۲۶۸- هر کس جسد متوفائی را پنهان کند از یک ماه الی شش ماه حبس خواهد شد و اگر جسد شخص مقتول را پنهان کند مجازات او از شش ماه الی دو سال حبس خواهد بود - و هر گاه شرکت در جنایت نیز نموده باشد مجازات آنرا هم بعلاوه خواهد دید.

ماده ۲۶۹- هر کس نبش قبور نماید از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی میشود و هر گاه جنحه یا جنایت دیگر نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد مجازات آنرا هم بعلاوه خواهد دید.

۹) جنحه و جنایت نسبت باطفال.

ماده ۲۷۰- کسی که طفلی یا صغیری یا دختری را که زیاده از پانزده سال نداشته باشد بحیله یا بعنف بر باید یا بدزدد یا مخفی یا ناپدید کند یا طفلی را بجای طفلی دیگر قلم دهد یا زنی را که دارای طفل نشده باشتباه دارای طفل بخرج بدهد محکوم بحبس مجرد خواهد شد.

هر گاه طفلی که موضوع تقلبات مذکورہ واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یکماه الی سه سال حبس است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده مجازات مقصر زیاده از دو ماه حبس نخواهد بود.

کسی که مأمور بحفظ و حضانت طفلی بوده و در موقع مطالبه اولیاء طفل از ردّ طفل امتناع کند و نتوان طفل را از او دریافت کرد محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.

ماده ۲۷۱- هر کس طفلی یا عاجزی را که از جهت عجز بدنی یا عقلی قادر بر محافظت خود نباشد در جای بی‌آبادانی و دور از مردم ببرد و رها کند یا

سبب بردن و رها کردن او بشود محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدیبی و یک روز الی دو ماه حبس قابل ابتیاع میشود.

اگر مرتکب پدر و مادر یا کسان دیگری که سمت ولایت یا صاحب اختیاری نسبت بطفل یا شخص عاجز دارند بوده باشند بحدّ اکثر مجازات مذکوره محکوم خواهند شد.

ماده ۲۷۲- هر گاه طفل یا شخص عاجزی که مورد جرم مذکور در ماده قبل واقع شده از این جهت صدمه و آسیبی به بیند که مادام الحیات باقی باشد مرتکب اگر بیگانه باشد حبس مجرد و اگر نسبت به مجنی علیه سمت ولایت داشته باشد حبس غیردائم با قید خواهد شد هر گاه مجنی علیه تلف شود مقصر در حکم قاتل است.

ماده ۲۷۳- کسانیکه طفل یا شخص عاجز را در آبادی سر راه میگذارند و رها میکنند یا سبب این امر میشوند از یکماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی میباشند و اگر از این جهت آسیبی بطفل یا شخص عاجز برسد مجازات مقصر از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی است.

۱۰) شهادت دروغ و افتراء و بهتان.

ماده ۲۷۴- هر گاه کسی در امور جنایی شهادت دروغ بدهد اعم از اینکه بر علیه جانی یا بر له او باشد محکوم بحبس مجرد خواهد بود لیکن اگر بواسطه شهادت دروغ شخص متهم به مجازاتی اشدّ از حبس مجرد محکوم گردیده باشد شاهد کاذب هم همان مجازات را خواهد دید.

ماده ۲۷۵- کسی که در امور جنحه شهادت دروغ بدهد اعم از اینکه بر علیه یا له متهم باشد محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل ابتیاع خواهد بود و اگر متهم بواسطه شهادت دروغ

محکوم به مجازاتی اشدّ از سه سال حبس گردیده باشد شاهد کاذب هم همان مجازات را خواهد دید.

هرگاه کسی در امور خلاف شهادت دروغ بر علیه یا بر له متهم بدهد محکوم بحبس تأدیبی از یکسال الی سه سال و یکروز الی یکماه حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

مقصرین مذکور در این ماده ممکن است بعلاوه از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدّت پنجسال الی ده سال محروم شوند و ابتدای این مجازات از روز اختتام حبس ایشان خواهد بود.

ماده ۲۷۶- کسانی که در امور حقوقی شهادت دروغ بدهند محکوم به یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی چهار ماه حبس قابل ابتیاع خواهند شد و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدّت پنج سال الی ده سال از روز اختتام مجازات حبس محروم گردد.

ماده ۲۷۷- کسانی که در امور جنایتی شهادت دروغ داده و رشوه و تعارف یا وعده هم قبول کرده باشند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند شد با رعایت جزء اخیر ماده (۲۷۴).

کسی که در امور جنحه یا امور حقوقی برای شهادت دروغ رشوه و تعارف یا وعده قبول کند از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

هر کس در امور خلاف برای ادای شهادت دروغ رشوه و تعارف یا وعده قبول کند از یکسال الی سه سال حبس خواهد شد.

در کلیّه موارد فوق سلب حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدّت پنجسال الی ده سال بعد از اختتام مجازات حبس ممکن است در باره شاهد کاذب حکم شود.

ماده ۲۷۸- کسانیکه مردم را بشهادت کذب وامیدارند در حکم شاهد کاذبند و بر حسب تشخیص مراتب محکوم به مجازات مذکور در مواد فوق میباشند.

ماده ۲۷۹- هر کس در باره یکنفر یا چند نفر بهتان و نسبت افترائی را کتباً به مأمورین نظمیّه یا عدلیّه یا سایر ادارات دولتی برساند محکوم بحبس تأدیبی از یکماه الی یکسال و حبس قابل ابتیاع از پنجروز الی پنجماه خواهد شد.

ماده ۲۸۰- اطباء و جراحان و قابله‌ها و دوافروشها و کلیّه کسانیکه بواسطه شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند و در غیر از مواردی که قانون اقتضا دارد اسرار مردم را افشاء مینمایند محکوم بیک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی و پنجروز الی یکماه حبس قابل ابتیاع خواهند شد.

فصل دویم

در جنحه و جنایت نسبت به اموال.

(۱) سرقت.

ماده ۲۸۱- هر کس مالی را که متعلق باو نیست بدون حق و به تقلّب برآید سارق محسوب است و مجازات سرقت در مواردی که موضوع محاکمه شرعی واقع نشود از قراری است که در مواد ذیل مقرر میگردد.

ماده ۲۸۲- مجازات حبس دائم با قید مقرر است برای کسانیکه مرتکب سرقت شوند در صورتیکه جرم ایشان مقرون بتمام شرایط ذیل باشد.

(۱) هنگام شب مرتکب شده باشند.

(۲) دو یا چند نفر متفقاً مرتکب شده باشند.

(۳) یک یا چند نفر از مرتکبین حامل اسلحه ظاهر یا نهانی باشند.

(۴) در جائی که محل سکنی است یا توابع آن سرقت کرده باشند.

(۵) در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

۶) از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی بکار برده باشند یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلم داده باشند.

ماده ۲۸۳- کسانیکه در طرق و شوارع سرقت بنمایند اگر عمل ایشان با دو شرط از شرایط فوق مقرون باشد بحبس دائم با قید محکوم میشوند - هر گاه فقط با یکی از شرایط فوق مقرون باشد محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند شد و در سایر موارد محکوم به حبس مجرد میشوند.

ماده ۲۸۴- هر گاه سرقت مقرون با چهار شرط اول از شروط مذکوره در ماده (۲۸۲) یا فقط با شرط پنجم یا شرط ششم مقرون بوده مرتکب محکوم بحبس غیردائم در قلاع خواهد شد.

ماده ۲۸۵- حبس مجرد مقرر است.

اولاً- برای اشخاصی که سرقت کرده و سرقت ایشان مقرون بسه یا دو شرط اربعه اولیه مذکوره در ماده (۲۸۲) باشد.

ثانیاً- هر گاه سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا در منزل دیگری که باتفاق مخدوم خود بانجا رفته سرقت نموده است.

ثالثاً- هر گاه سارق شاگرد یا کارگر بوده و در خانه یا دکان استاد سرقت نموده یا در محلی که عاده آنجا کار میکرده است.

رابعاً- در صورتیکه سارق کاروانسرادار یا مهمانخانه‌چی یا مکاری یا سورچی و از این قبیل مردم بوده و تمام یا بعضی از اموالی را که به مناسبت شغل او سپرده باو بوده است سرقت نموده باشد.

ماده ۲۸۶- مکاری و سورچی و امثال آنها که مأمور حمل جنس بوده و تصرف و تبدیل در آن جنس بنمایند محکوم بیک ماه الی یکسال حبس تأدیبی

و یک روز الی ده روز حبس قابل اکتیاع خواهند شد - لیکن اگر تبدیل و تصرف را بوسیله ادخال مواد مضره بنمایند مجازات ایشان یکسال الی سه سال حبس تأدییی و سه روز الی یکماه حبس قابل اکتیاع خواهد بود و ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز در مدت پنج الی ده سال از روز اتمام حبس محروم شوند.

ماده ۲۸۷- هر کس در مزارع و کشتزارها اسب و الاغ و گاو و گوسفند و امثال آن یا آلات و ادوات زراعت را سرقت کند یا در صدد سرقت آن برآید محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدییی و یک روز الی یکماه حبس قابل اکتیاع خواهد شد.

ماده ۲۸۸- هر کس در مزارع و کشتزارها محصولات ارضی را که از زمین بیرون آورده باشند سرقت کند یا درصدد آن برآید محکوم بیک ماه الی دو سال حبس تأدییی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل اکتیاع خواهد شد.

اگر سرقت مذکور شب واقع شود یا اینکه برای انجام سرقت اسب و الاغ یا بارکش بکار برده باشند یا اینکه سرقت را چند نفر باتفاق کرده باشند مرتکب محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدییی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل اکتیاع خواهد شد.

هر گاه کسی محصولاتی را که از زمین جدا نشده سرقت کند یا در صدد آن برآید و برای این مقصود اسباب یا اسب و الاغ یا بارکش و امثال آن بکار ببرد یا شب مرتکب شود یا باتفاق چند نفر باشد محکوم بیکماه الی دو سال حبس تأدییی و یکروز الی پانزده روز حبس قابل اکتیاع خواهد شد.

در تمام موارد مذکور در این ماده و ماده قبل مرتکب ممکن است از تمام یا بعضی حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۲۸۹- هر کس برای ارتکاب سرقت حدّ فاصل بین املاک را تغییر دهد یا در صدد آن برآید از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی یکماه حبس قابل ابتیاع خواهد شد و بعلاوه ممکن است مرتکب از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال محروم گردد.

ماده ۲۹۰- برای سایر اقسام دزدی بر حسب اهمّیت اوضاع و احوال جرم و مجرم بنظر محکمه از یکماه الی سه سال حبس تأدیبی و یکروز الی یکماه حبس قابل ابتیاع مجازات مقرر میشود و بعلاوه ممکن است مقصر از پنجسال الی ده سال بعد از اتمام مدت حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم شود.

۲۹۱- سرقت زوج از مال زوجه یا زوجه از زوج یا اولاد از والدین و والدین از اولاد یا زوجه از ترکه زوج متوفای خود یا زوج از ترکه زوجه متوفاء خود در تحت تعقیب جزائی در نمی آید و فقط موضوع دعوی حقوقی میتواند بشود.

ماده ۲۹۲- هر کس بطور تزویر کلیدی نظیر کلید دیگری بسازد یا کلیدی را تغییر و تبدیل دهد در حکم کسی است که سرقتهای مذکوره در ماده (۲۹۰) را مرتکب شده و اگر مرتکب قفل ساز و چلانگر باشد بحدّ اکثر مجازات مذکوره محکوم می شود.

ماده ۲۹۳- هر کس در مهمانخانهها و امثال آن اماکن مأکول و مشروب بطلبد و صرف کند در حالی که قادر بر ادای قیمت آن نباشد و علم باین کیفیت داشته باشد از شش روز الی شش ماه حبس تأدیبی و یکروز الی ده روز حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

۲۹۴- هر کس بجبر و قهر یا آزار نوشته یا امضائی یا سندی که موجب الزام یا برائت ذمه باشد از دیگری بگیرد محکوم بحبس غیردائم با قید میشود.

هر کس دیگری را تهدید کتبی یا شفاهی کند بافشای اسرار یا تهمت و افتراء و باین وسیله اخذ مال یا نوشته و امضائی بنماید محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی و سه روز الی شش ماه حبس قابل امتیاع میشود.

ماده ۲۹۵- هر کس مال او در تحت توقیف قانونی درآمده و باو سپرده شده باشد یا مالی را که وثیقه دین قرار داده است تلف کند یا از میان ببرد مثل سارقین مذکور در ماده (۲۹۰) مجازات خواهد شد و اگر مال را بدیگری بسپارد بحد اکثر مجازات مذکور محکوم خواهد گردید - کسانیکه عالمأ با اشخاص مزبور در اتلاف یا ناپدید کردن اموال مذکوره کمک کنند یا آنها را پنهان نمایند مثل همان اشخاص مجازات خواهند شد.

ماده ۲۹۶- مقصود از شکستن حرز خراب کردن و شکستن و سوراخ کردن دیوار و سقف و زمین و در و پنجره و قفل و مهر موم و هر چیزی است که برای بستن و محفوظ داشتن و منع از عبور بکار برده شود. خارج کردن صندوق و جعبه و قفسه و بار و امثال آن از جای خود در حکم شکستن حرز است.

۲) ورشکستگی و مال مردم خوری و کلاه رداری.

ماده ۲۹۷- کسانیکه در موارد معینه در قانون تجارت بعنوان ورشکستگی مقصر میشوند بطریق ذیل مجازات خواهند شد.

هر گاه ورشکستگی از روی تزویر و تقلب بوده باشد جزای ایشان حبس غیردائم با قید است.

اگر ورشکستگی از روی تقلب نبوده فقط از روی تقصیر باشد محکوم بحبس تأدیبی از یکماه الی دو سال خواهند گردید.

ماده ۲۹۸- کسانیکه موافق قانون تجارت همدست ورشکسته تقلبی محسوب باشند همان مجازات ورشکسته تقلبی را خواهند داشت.

ماده ۲۹۹- اشخاصی که از روی تقلب و تزویر ورشکست میشوند هر گاه از طرف دولت سمت رسمیت و مأموریت برای خرید و فروش و اسناد دولتی و امثال آنها داشته باشند مجازات ایشان حبس دائم با قید است و اگر ورشکستگی اشخاص مزبور از روی تقلب و تزویر نبوده فقط از روی تقصیر باشد بحبس غیردائم با قید محکوم خواهند شد.

ماده ۳۰۰- هر کس اسم و عنوان یا سمت مجعول اختیار کرده یا بوسایل تقلبی متوسل شود و مردم را بوجود شرکتها یا تجارتها یا کارخانهای موهوم و امثال آن یا بداشتن اختیارات یا اعتبارات موهومه مغرور کند یا بامور غیرواقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیرواقع بترساند و باین واسطه وجوه یا اسناد و بلیطها و قبوض و مفاصا حساب و امثال آن بدست آورد یا بخواهد بدست آورد و از این راه تمامی یا مقداری از اموال دیگری را بخورد یا قصد خوردن آنرا بکند محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی و پنج روز الی شش ماه حبس قابل امتناع خواهد شد و بعلاوه ممکن است در مدت پنجسال الی ده سال از روز اختتام مجازات حبس از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) محروم گردد.

ماده ۳۰۱- مجازات مذکور در ماده قبل مقرر است برای هر کس که مال دیگری را بفروشد یا مال معین خود را باشخاص متعدّد معامله کند یا مالی را بر حسب صورت یا بحقیقت بکسی صلح کرده بدیگری منتقل کند و بطور کلی هر کس در معامله با دیگری تقلب نموده او را بفریبد و باین وسیله مقداری از مال او را بخورد یا قصد خوردن آن را بنماید.

۳) خیانت در امانت.

ماده ۳۰۲- هر کس از ضعف نفس یا هوا و هوس یا حوائج شخص نابالغی یا شخص غیررشیدی استفاده کرده بر ضرر او نوشتجات و اسنادی از قبیل

تمسک و قبض و حواله و برات و فته طلب و مفاصا حساب و نوشته امانت اشیاء منقول و اجناس تجارتي و هر چیز که موجب عقد التزامی شود از او بگیرد بھر نحو و بھر طریق که این کار را کرده باشد از سه ماه الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید و بعلاوه ممکن است از حقوق مذکورہ در مادہ (۲۷) در مدت پنجسال الی ده سال بعد از اتمام مجازات حبس محروم گردد.

مادہ ۳۰۳- هر کس از سفید مھری که باو سپرده شده سوء استفاده کرده از روی تقلب اشتغال یا برائت ذمہ یا هر چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء شود روی آن بنویسد مثال اشخاص مذکور در مادہ (۳۰۰) مجازات داده میشود - اگر سفید مھر مذکور باو سپرده نشده و خود او بدست آورده باشد در حکم جاعل خطوط بوده مانند کاغذساز تعقیب و مجازات خواهد شد.

مادہ ۳۰۴- هر گاه اموال و اسباب یا نقود یا اجناس و امتعه یا بلیطھای بانک یا نوشتجاتی از قبیل تمسک یا قبض یا مفاصا حساب نزد کسی بعنوان اجاره یا امانت یا رهن و یا قرض سپرده شده و یا آنکه از برای کار با اجرت یا بی- اجرتی باو داده شده و بنا بر این بوده که اشیاء مزبورہ مسترد شود یا بمصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را بر ضرر مالکین یا متصرفین آنها تصاحب یا مفقود یا تلف نماید بطریق مذکور در مادہ (۳۰۲) مجازات خواهد شد.

در صورتیکہ خیانت مذکور فوق را صاحب منصب ادارات یا امناء دولتی یا نوکر یا مستخدم شخصی و یا شاگرد یا محرر و یا عامل یا گماشته یا عملہ و کارگر نسبت باستاد و مخدوم خود مرتکب شوند محکوم بحبس مجرد خواهند گردید.

ماده ۳۰۵- هر گاه شخصی در ضمن محاکمه در عدلیّه سند یا نوشته و یادداشتی را به محکمه ابراز بنماید و بعد از آن بنحوی از انحاء نوشته مزبور را از میان ببرد و مفقود کند محکوم بیک روز الی بیست روز حبس قابل امتیاع میشود و هرگاه جرم او مکرر شد از یکماه الی شش ماه حبس تأدیبی خواهد شد - صدور حکم مجازات مزبوره بعهده محکمه ایست که قضیه در نزد آن رخ نموده است.

۴) دسیسه و تقلب در کسب و تجارت و صنعت.

ماده ۳۰۶- هر کس به تهدید یا شرارت محل آزادی و اختیار اشخاصی که مشغول خرید و فروش بطور مزایده یا مناقصه میباشند یا میخواهند بشود گردد یا معاملات مزبوره را بهم بزند و مختل کند محکوم بشش روز الی سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الی ده ماه حبس قابل امتیاع خواهد شد.

همین مجازات مقرر است برای کسانی که در موقع هراج بتعارف یا وعده مشتریان را دور کنند و معامله را مختل سازند.

ماده ۳۰۷- هر گاه دولت نظامنامه‌ها و قوانینی برای کارخانه‌ها ترتیب دهد و وضع کند نظر باینکه جنس کارخانه از حیث خوبی و اندازه و کیفیت و کمیّت ممتاز و مرغوب باشد کسی که با آن قوانین و نظامنامه‌ها مخالفت کند محکوم بحبس قابل امتیاع از یکماه الی شش ماه خواهد شد.

ماده ۳۰۸- مجازات حبس تأدیبی از شش روز الی سه سال و حبس قابل امتیاع از یکروز الی شش ماه یا یکی از این دو مجازات مقرر است برای کسانی که بدسیسه و حيله یا عنف و شرارت کارگران را از کار بازدارند یا تعطیل عمدی کار را تمدید کنند یا درصدد این امر برآیند بجهت اینکه اختلالی در امر کسب و صنعت حادث کنند یا کارگران آن را بتقاضاهای بجا وادار نمایند.

ماده ۳۰۹- هرکس از مدیران یا کارگران یا اعضای کارخانه‌ها که اسرار صنعتی راجع بکارخانه خودشانرا بکسی از تبعه داخله بگویند و افشاء کنند محکوم بحبس تأدیبی از سه ماه الی دو سال و حبس قابل ابتیاع از یک روز الی یکماه خواهند شد.

هر گاه اسرار مذکوره را به تبعه خارجه یا ایرانیهائیکه در خارجه سکنی دارند افشاء کند مجازات مقصر یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و یکماه الی دو سال حبس قابل ابتیاع خواهد بود و ممکن است از حقوق مذکوره در ماده (۲۷) نیز بعد از اتمام حبس در مدت پنج الی ده سال محروم گردد.

در هر صورت هر گاه مصنوعات کارخانه اسلحه و قورخانه دولتی بوده باشد مقصر بحد اکثر مجازاتهای مذکوره محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱۰- کسانی که بواسطه اشاعه مجعولات یا گران خریدن اجناس زیاده بر نرخ متعین نزد فروشندگان یا بواسطه مواضعه و اتفاق بین مالکین اجناس و امتعه و یا بروات و اسهام و امثال آنرا زیاده بر نرخ عادلّه ترقی یا تنزل دهند محکوم بیک ماه الی هیجده ماه حبس تأدیبی و یکماه الی دو سال حبس قابل ابتیاع خواهند گردید و اگر اقدامات مزبوره نسبت بغلات و ارزاق عمومی باشد مجازات آن دو برابر آنست که مذکور شد.

ماده ۳۱۱- مجازات مذکوره در ماده فوق مقرر است در باره کسانی که بواسطه اشاعه مجعولات یا وسایل تقلبی دیگر سبب شوند که مردم از روی وحشت و ترلز در صدد مطالبه وجوه مضبوطه در نزد امانت‌داران دولتی یا ادارتی که باید بامانت‌داران دولتی پرداخت وجه کنند برآیند.

ماده ۳۱۲- هر کس مشتری را در خصوص عیار طلا و نقره یا اصل و بدل بودن جواهر فریب دهد یا جنسی را بجای جنس دیگر قلم دهد بطوری که

مقصود مشتری از اکتیاع آن حاصل نشود یا اینکه بواسطه استعمال اوزان و مقادیر غلط و تقلبی مقدار مبیع را کم کند و بطور کلی مشتری را از حیث کمیّت یا کیفیت مبیع فریب دهد از سه ماه الی یک سال محبوس خواهد شد - اوزان و مقادیر تقلبی هم باید شکسته و باطله شود.

محکمه میتواند صورت حکمی را که در این مورد صادر میکند کلاً یا بعضاً در نقاطی که لازم میدانند اعلان کند یا روزنامه‌ها درج نماید و مخارجی که بر این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود.

ماده ۳۱۳- هر کس تألیف و تصنیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیرها بدون اجازه مصنف و مؤلف یا کسی که حق تصنیف و تألیف را از مصنف و مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً بطبع برساند محکوم بحبس قابل اکتیاع از سه روز الی دو ماه خواهد شد و بعلاوه محکوم باید از عهده خسارات وارده بر صاحب کتاب برآید.

مجازات فوق مقرر است ولو اینکه طبع کننده تصرفات جزئیّه هم در تألیف و تصنیفی که بدون اجازه بطبع رسانیده نموده باشد و مسلم شود که تصرفات مزبوره فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب صاحب تألیف بوده است فروشنده تألیف که تقلباً بطبع رسیده هرگاه از تقلب مطلع باشد نیز محکوم بحبس قابل اکتیاع از یک روز الی یکماه خواهد گردید.

ماده ۳۱۴- هر کس در خاک ایران کتاب و سایر اشیاء مذکوره را که در یکی از ممالک خارجه طبع شده و حق طبع آن محفوظ است بدون اجازه صاحب آن طبع کند محکوم به مجازات مذکوره در ماده قبل خواهد شد و این در صورتی است که آن مملکت خارجه هم همین معامله را با دولت ایران و اکتیاع آن بنماید.

ماده ۳۱۵- همان مجازات مقرر است برای داخل کردن کتب و اشیاء مزبوره در خاک ایران یا بردن آنها از ایران بممالک خارجی که با ایران معامله بمثل میکنند.

ماده ۳۱۶- هر کس شخصاً یا بعنوان عضویت شرکتی مأمور شود که برای عساکر دولت تهیه آذوقه یا مهمات دیگر کند و بدون مانع و عذر موجه در انجام این وظیفه کوتاهی نماید بطوریکه مهمات مزبوره فراهم نشود مقصر محکوم بحبس مجرد خواهد گردید - و هر گاه معلوم شود که این تقصیر او مبنی بر موافقت با دشمن بوده جزای اشخاصی را که مرتکب جنایات بر ضد امنیت خارجی دولت گردیده‌اند خواهد داشت.

ماده ۳۱۷- هر گاه تقصیر مذکور در ماده قبل منتسب باجزاء و گماشتگان شخص مزبور گردد مجازات راجع بایشان است و اگر ثابت شود که آنشخص و گماشتگان او هر دو مقصرند جمعاً مجازات خواهند دید.

۳۱۸- هر گاه مستخدمین یا موظفین دولت در جنایت اشخاص مذکور در مواد (۳۱۶) و (۳۱۷) شرکت داشته باشند و بایشان کمک کنند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهند بود و اگر موافقت با دشمن هم داشته‌اند مرتکب جنایت بر ضد امنیت خارجی مملکت محسوب خواهند شد.

ماده ۳۱۹- در صورتیکه از غفلت اشخاص مذکوره در مواد (۳۱۶) و (۳۱۷) فقط تأخیری در فراهم شدن مهمات حاصل گردد یا تقلبی در کمیّت و کیفیت آنها فراهم شود لیکن اصل عمل صورت گرفته باشد مجازات مرتکب از شش ماه الی سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

در موارد جنایات مذکوره در این ماده و سه ماده قبل تعقیب مرتکبین فقط از طرف دولت ممکن است شروع شود.

ماده ۳۲۰- هر کس قمارخانه دایر کرده و مردم را برای قمار بآنجا دعوت کند یا راه دهد محکوم بدو ماه الی شش ماه حبس تأدیبی و شش روز الی یکسال حبس قابل امتیاع خواهد شد.

ماده ۳۲۱- هر کس بدون اجازه دولت اداره استقراض رهنی دایر کند یا با داشتن اجازه دولتی دفاتر و اوراقی که بنا بر نظامنامه مقرر شده است و بموجب آنها باید مبلغ استقراض و اشیاء مرهونه و اسامی و محل اقامت و شغل استقراض کنندگان بترتیبات مخصوصه ثبت و ضبط باشد نگاه ندارد محکوم بیکماه الی سه ماه حبس تأدیبی و شش روز الی سه ماه حبس قابل امتیاع خواهد شد.

ماده ۳۲۲- هر کس که دارای تصدیقنامه دولتی راجع بطبابت یا جراحی یا دندانسازی نباشد و عادتاً بمعالجه و مداوای مرضی و اعمال جراحی و دندانسازی اشتغال ورزد محکوم به شش روز الی یکماه حبس قابل امتیاع خواهد شد و در صورتیکه جرم او مکرر شود محکوم بیک ماه الی دو ماه حبس قابل امتیاع یا یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی یا هر دو مجازات با هم خواهد شد.

ماده ۳۲۳- هر کس بدون داشتن تصدیقنامه بر طبق نظامنامه دولتی دواخانه باز کند و ادویۀ طبی بسازد یا بفروشد مانند اشخاص مذکوره در ماده قبل مجازات خواهد شد.

(۵) نهب و حرق و تخریب و امثال آن.

ماده ۳۲۴- هر کس عمداً عمارت یا کشتی یا انبار یا کارخانه را که مسکون یا مسکن باشد و کلیۀ هر محل مسکون یا محل سکونی را با کالسکه و واگن و گاری را که آدم در آن باشد آتش بزند عرفاً در حکم قاتل عمدی است.

هر گاه کسی عمارت و کشتی و انبار و کارخانه را که مسکون یا محل سکونی نباشد یا جنگل و بیشه یا حاصلی را که درو نشده آتش بزند در صورتیکه متعلق بخود او نباشد محکوم بحبس دائم با قید خواهد شد.

هر گاه کسی اشیاء مزبوره را که متعلق بخود است آتش بزند و باینواسطه بدیگری هم خسارتی وارد آورد و در این کار تعمد داشته باشد مجازات او حبس غیردائم با قید است.

هر گاه کسی خود مالک اشیاء مزبوره نبوده ولی بحکم مالک آنها را آتش بزند آمر و مباشر هر دو مجازات فوق را خواهند داشت.

ماده ۳۲۵- هر گاه کسی گاه یا خرمن یا هیزم توده کرده یا گاری و کالسکه خالی یا پر از اشیاء منقوله را که متعلق بخود او نیست و آدم در آن نباشد آتش بزند محکوم بحبس غیردائم با قید خواهد شد.

کسی که بواسطه آتش زدن اشیاء مذکوره یا امر به آتش زدن آنها در صورتیکه متعلق بخود او باشد عمداً خسارتی بدیگری وارد آورد محکوم بحبس مجرد خواهد گردید و همین مجازات را دارد کسی که بامر مالک اشیاء مزبوره را آتش بزند.

در کلیه موارد مزبوره هر گاه حریق اسباب هلاک نفوس شود مقصر در حکم قاتل است.

ماده ۳۲۶- مجازاتهای مذکور در ماده قبل با تشخیص مراتب مزبوره مقرر است در باره کسی که عمداً بواسطه بمب و مواد محترقه کل یا جزئی از عمارت و مسکن یا سدّ و شوسه و کشتی و آلات نقاله از هر قبیل یا انبار و کارخانه و توابع آنها یا پل یا شارع عام یا خاص و کلیه هر نوع اشیاء منقوله یا غیرمنقوله را که متعلق بخود او نیست خراب کند.

قرار دادن بمب و آلات حراقه در معبر عام یا خاص بقصد جنایت در حکم سوء قصد مذکور در فوق است.

اشخاص مذکوره در این ماده هرگاه قبل از وقوع حادثه و قبل از تعقیب جنایت قضیه را بمقامات مقتضیه اطلاع بدهند و مرتکبین را بشناسانند از مجازات معاف خواهند شد - و همچنین است اگر بعد از شروع به تعقیب اسباب دستگیری سایر مقصرین را فراهم آورند.

ماده ۳۲۷- تهدید بحرق یا به تخریب اشیاء مذکوره در ماده قبل بوسیله بمب و آلات حراقه در حکم تهدید بقتل است و همان مجازات تهدید با تشخیص مراتب آنرا متضمن خواهد بود.

ماده ۳۲۸- هر کس بوسایل دیگر غیر از بمب و امثال آن عمارت و پل و سد و شوسه و هر نوع از ابنیه را که متعلق بخود او نباشد کلاً یا بعضاً خراب کند یا ماشین بخار را بترکاند محکوم بحبس مجرد خواهد شد.

هرگاه بواسطه این جنایت جراحی بکسی وارد شود مجازات مقصر حبس غیردائم با قید است و اگر قتل نفس واقع شود مقصر در حکم قاتل است.

ماده ۳۲۹- هر کس در مقابل اقدامات راجعه به منافع عامه که از طرف دولت یا باجازه دولت مقرر است از روی شرارت در صدد مخالفت برآید محکوم بحبس تأدیبی از سه ماه الی دو سال خواهد شد.

محرکین این امر حد اکثر مجازات مزبور را خواهند دید.

ماده ۳۳۰- هر کس دفاتر و قباله و حواله و قبض و فته طلب و مفاصا حساب و هر نوع اسنادی را عمدتاً بسوزاند یا تلف کند هر گاه اسناد مزبوره اسناد رسمی و دولتی یا تجارته باشد مجازات حبس مجرد است و الا محکوم بیک سال الی سه سال حبس تأدیبی و شش روز الی بیست روز حبس قابل ابتیاع خواهد شد.

ماده ۳۳۱- هر گاه غارت و اتلاف اجناس و غله و اسباب و اموال منقوله بتوسط جماعتی بهیئت اجماع و بطور تجری واقع شود مقصرین محکوم بحبس غیردائم با قید و یکماه الی ده ماه حبس قابل ابتیاع خواهند گردید - لیکن اگر کسی از مرتکبین ثابت کند که بتحریک و اغوا و اسباب‌چینی بارتکاب این اعمال برانگیخته شده ممکن است مجازات او حبس مجرد مقرر شود.

ماده ۳۳۲- هر کس بوسیله مایعات محرقه یا وسایل دیگر مال‌التجاره یا آلات و ادوات کارخانه را خراب کند یا تلف نماید از یکماه الی دو سال محکوم بحبس تأدیبی میشود و اگر مرتکب کارگر کارخانه یا گماشته دارالتجاره باشد مجازات او از یکسال الی سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

ماده ۳۳۳- هر کس محصول یا اشجار دیگری را بواسطه قطع یا سرقت آبی که باید به آن محصول برسد یا اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن شود محکوم بیکسال الی سه سال حبس تأدیبی خواهد شد.

ماده ۳۳۴- هر کس حاصل دیگری را که هنوز درو نشده و یا تاکستان یا نخلستان یا باغ میوه کسی را خراب کند از یکسال الی سه سال محکوم بحبس تأدیبی خواهد گردید.

ماده ۳۳۵- هر کس حاصل دیگری را قطع و درو کند از شش روز الی یکماه محکوم بحبس تأدیبی میشود.

ماده ۳۳۶- هر کس درخت دیگری را یا اشجار دولت را که کنار خیابان و راه و میدانهای دولتی و عمومی قطع کند یا طوری صدمه بزند که خشک شود در ازای هر اصله درخت شش روز الی یکماه حبس خواهد شد و همین مجازات برای خراب کردن پیوند نیز مقرر است.

ماده ۳۳۷- هر کس اسباب زراعت یا عاقل دواب یا کوخ دهقانی دیگری را خراب و ضایع کند یا دواب و مواشی دیگری را اعم از گاو و گوسفند و اسب

و قاطر و الاغ و شتر و غیرها مسموم یا تلف کند از یکماه الی یکسال محکوم بحبس تأدیبی خواهد شد.

قسمت چهارم.

در امور خلاف و مجازات آنها.

ماده ۳۳۸- اشخاص مفصله ذیل محکوم بیک روز حبس تکدیری میباشند.

(۱) صاحبان منازل و دکاکین مهمانخانهها و کالسکهچیها و سورچیها و امثال آنان که بموجب قوانین و نظامات مکلف بروشن کردن چراغ میباشند و در انجام وظیفه خود تقصیر مینمایند.

(۲) کسانیکه در معبر عام بعضی اشیاء و اجناس گذارده مانع عبور و مرور عابرین گردند و اشخاصی که بواسطه ضرورت در معابر و میدانهای عمومی اشیائی قرار داده یا حفر چاه و امثال آن نموده و برای ملاحظه عابرین از چراغ گذاشتن در آنجا غفلت یا مضایقه نمایند.

(۳) کسانیکه در اجرای قواعد و احکام راجعه به نظیف و محافظت طرق و شوارع و انهار تغافل و تسامح نموده و یا از اطاعت حکمی که از طرف حکومت راجع به تعمیر و مرمت یا خراب کردن ابنیه مشرف بخرابی صادر شده مضایقه نمایند.

(۴) اشخاصی که در جلو خانه و دکان خود اشیائی انداخته یا بگذارند که سقوط یا عفونت آنها موجب مزاحمت و آزار مردم گردد.

(۵) اشخاصی که در غیر از مواردی که قانون اجازه داده است میوه درخت یا حاصل دیگری را چیده یا بخورند.

(۶) کسانیکه از روی بیاحتیاطی بروی کسی کثافات بیندازند.

(۷) کسانیکه سواره یا پیاده میان زراعت مردم بدون اجازه صاحبان آنها عبور نمایند یا چهارپایان و مالهای سواری با ارابه و کالسکه از آن عبور دهند.

ماده ۳۳۹- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مجازات مرتکب دو روز یا سه روز حبس تکدیری خواهد بود.

ماده ۳۴۰- اشخاص مفصله ذیل محکوم به دو روز حبس تکدیری خواهند گردید.

۱) اشخاصی که با وجود منع ادارات دولتی در جاهائی که قدغن شده است تیراندازی یا آتشبازی کنند.

۲) کسانی که با قواعد و احکام عمومی که ادارات حکومتی و نظمی و بلدیّه در حدود قانون وضع و منتشر نموده‌اند مخالفت کنند یا از اطاعت قواعد و احکام مزبوره سرپیچی نمایند.

۳) اشخاصی که سنگ یا سایر اجسام ثقیله و کتافات بخانها یا دکاکین و باغات و امثال آن که متعلق بخودشان نیست بیندازند یا بریزند.

۴) کسانی که مسکوکات و پولهای رایج مملکت را در صورت صحت و بی‌عیبی و قلب نبودن آنها قبول نموده ردّ نمایند.

۵) اشخاصی که ابتداءً بدیگری فحش بدهند یا جهراً استعمال الفاظ قبیحه نمایند.

۶) کسانی که حیوانات بارکش و غیره را در معابر رها کرده و از مراقبت آنها غفلت مینمایند بطوریکه موجب زحمت مردم میشوند.

۷) کسانی که در راندن مال کالسکه و گاری و غیره بی‌احتیاطی کرده بیقاعده میرانند یا در معبر خود موجب آزار حیوانات بارکش و غیره میشوند.

۸) کسانی که حیوانات را زاید از مقدار متعارف بار کرده یا آنها را آزار میکنند یا حیوانات ناتوان و عاجز را بکار داشته یا زیر بار و سواری میکشند.

ماده ۳۴۱- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مجازات مرتکب را میتوان تا پنج روز حبس تکدیری قرار داد.

ماده ۳۴۲- اشخاص مفصله ذیل محکوم بسه روز حبس تکدیری خواهند شد.

۱) اشخاصی که مجانین و سفهائی را که بحفظ و حراست ایشان سپرده شده اند یا حیوانات موذی و سبع را رها نمایند یا سگ گیرنده را بروی عابرین انداخته آنها را تحریص کنند.

۲) کسانی که اوزان و مقادیری غیر از آنکه قانون مقرر داشته است استعمال کنند و خبازان و قصابانی که نان و گوشت را زاید بر نرخی که دولت معین کرده بفروشند.

۳) اشخاصی که بواسطه غوغا و همهمه محل راحت مردم میشوند.

۴) اشخاصی که طرق و شوارع عامه را خراب یا ضایع نمایند.

۵) اشخاصی که بعنوان افسونگری و جادوگری و جن گیری و رمالی و امثال آن بطور معرکه گیری یا باز کردن دکان مردم را میفریبند و این اعمال را وسیله معاش و حرفه خود قرار میدهند.

۶) کسانی که بعنوان کدیه در معابر و میدانهای عمومی متشبث به مقالات بی- اصل و نمایشاتی میشوند که منافی آداب شرع و مستلزم هتک حرمت مقامات مقدسه رؤسای مذهب است.

ماده ۳۴۳- مجازات تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل را میتوان تا شش روز حبس تکدیری قرار داد.

ماده ۳۴۴- در مورد اشخاص ذیل بر حسب اقتضاء از چهار الی پنجروز حبس تکدیری مقرر است.

۱) کسانی که در مقام پرخاش بیکدیگر حمله ور و گل آویز میشوند و کسانی که بدیگری آزار برسانند که بدرجه مدلول مواد (۲۴۰) و (۲۴۱) نرسد و خفیف تر باشد.

- ۲) اشخاصی که در محل‌های مخصوص و معابر و میدانها و بازارها مشغول قمار و لاتری میشوند.
- ۳) اشخاصی که بواسطه رها کردن مجانین یا حیوانات شریر یا سبع و یا بواسطه تند راندن یا بیقاعدہ راندن مال و عراده و گاری و درشکه و امثال آن سبب هلاک یا جراحت حیوانات و دواب مردم میشوند.
- ۴) کسانی که از روی بی احتیاطی یا بی‌علمی استعمال اسلحه نموده یا اشیاء صلب و سخت را انداخته و باینواسطه باعث ضرر و خسارت مذکور در فقره سابق شوند.
- ۵) کسانی که عمداً اشیاء نقلیه یا کتافات بروی کسی بیندازند و بریزند.
- ۶) کسانی که مأكولات و مشروبات ضایع و فاسد شده را بمعرض فروش درآورند.
- ۷) اشخاصی که در مأكولات و مشروبات تقلب و تصنع نمایند بدون اینکه اسباب تولید مرض یا هلاک شود.
- ۸) سورچی‌ها و درشکه‌چی‌ها و امثال آنان که مأمورین نظمیه و امنیه بایشان امر بتوقف دهند و آنان از این امر سرپیچی نمایند.
- ۹) کسانی که بانظامنامه‌های دولتی راجع بانتظام و امنیت و دوران راههای آهن مخالفت نمایند.
- ۱۰) کسانی که بانظامنامه‌های دولتی راجع بانتظام و امنیت و دوران تراموہ‌های اسبی یا الکتریکی و غیرها مخالفت نمایند.
- ۱۱) کسانی که اتوموبیل برانند و بانظامنامه‌های دولتی راجع به محافظت پیاده‌ها و حرکت حیوانات بارکش و سواری و غیرها مخالفت نمایند.
- ۱۲) کسانی که در کوچه‌ها و معابر و اماکن عمومی بدمستی و عربده‌جوئی میکنند و این غیر از مجازات شرعی آنها است.

۱۳) سمسارانی که اسباب و اثاث البیت و البسه و جواهرات و زینت آلات و ظروف و کتاب و غیرها را از اشخاص نابالغ یا مجهول الحال ابتیاع نمایند.

۱۴) چون سمساران باید هر یک دفتری داشته باشند که بتوسط کمیسر پلیس نشانه و نمره گذاشته شده و در آن دفتر روز بروز اسم و عنوان و منزل کسانی را که با ایشان معامله می کنند و جنسی را که معامله کرده و قیمت آن را ثبت نمایند بدون اینکه جایی از آن سفید بماند یا حک و محو اثبات داشته باشد پس هر سمساری که این تکلیف را ادا نکند مرتکب خلافی شده که مجازات آن در صدر ماده مذکور است.

ماده ۳۴۵- در صورت تکرار جرائم مذکوره در ماده قبل مدت حبس تکذیری هشت الی ده روز است.

احکام عمومی.

ماده ۳۴۶- جرائمی که در این کتاب مذکور نیست هر گاه بموجب قوانین مخصوصه یا نظامنامه هائیکه در حدود قوانین وضع شده مجازاتی نسبت بآنها مقرر باشد در محاکم عدلیه متبع و مجری است.

ماده ۳۴۷- هیچ عملی را بعنوان خلاف و جنحه و جنایت نمی توان مجازات نمود مگر بموجب قوانینی که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد.

ماده ۳۴۸- مجازاتهای مقرر در این قانون در باره مقصرین فقط از حیث جنبه سیاسات عرفیه و حفظ انتظامات ملکیه است لیکن تقصیرات و جنایاتی که موافق موازین اسلامی طرق تعقیب و کشفش میسر و عقوباتش مضروب و معین است راجع بمحکمه جنائی اختصاصی است که پس از محاکمه رسمی و صدور رأی حاکم شرع متصلی امر قضا مقصرین موافق حدود و تعزیرات مقرر در شرع اسلام مجازات میشوند.

قانون جزای عرفی از طرف دولت در دورهٔ سوّم تقنینیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد گردیده و از مجلس بکمیسیون قوانین عدلیّه راجع و مطرح مذاکره شده و بواسطه تعطیل مجلس ناتمام مانده بود اینجاب نظر باهمیّت و ضرورت اجرای قانون مزبوره کمیسیونی برای مراجعه به آن مرکب از اشخاص بصیر و با اطلاع و مجرب در این امور تشکیل و پس از مذاقهٔ مجدّدی در مواد قانون مزبوره و جلب نظریات جناب مسیو پرنی مستشار عدلیّه سیصد و چهل و هشت مادهٔ فوق را به هیئت دولت پیشنهاد و تقاضای اجرای موقت آنرا نمود هیئت دولت در جلسهٔ سه‌شنبه پنجم جمیدی‌الاولی ۱۳۳۵ بالاتفاق لزوم اجرای موقت قانون مجازات را تصدیق و موادّ فوق را تصویب فرمودند بقید اینکه در موقع خود قانون مزبور بمقامات مقننه نیز پیشنهاد و پس از تصویب قطعیت آن اعلام شود.

فیروز نصره‌الدوله

وزیر عدلیّه

کتاب‌شناسی فارسی

۱. ابراهیمی فرانی، قدرت الله، دادرسی منصفانه از نظر نظام‌های دادرسی کیفری و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، شهریور ۱۳۷۹.
۲. ابوذری، مهنوش، جرم‌شناسی جرایم سایبری، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۳. اتحادیه، منصوره و پیرا، سعادت، نصرت الدوله، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات فیروز میرزا فیروز، نشر کتاب سیامک، تهران، جلد سوم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز، جلد اول (مجالس چهارم و پنجم تقنینیه)، نشر تاریخ ایران، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۵. اتحادیه، منصوره و سیروس، سعدوندیان، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز، (خاطرات محبس)، نشر تاریخ ایران، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۶. احمدی ندوشن، بهزاد، فرآیند تاریخی تدوین و تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و تحولات بعدی این قانون (۱۳۰۴ - ۱۳۴۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۹.
۷. احمدی، ذکراالله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
۸. اخوان فراهانی، مهراندخت، تغییرات حاصله در سیستم قضایی کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۳.
۹. ادواردز، امی و هرلی، ریچارد، تحولات زندان‌های انگلستان در دو سده اخیر، ترجمه حمید بهره مند یک‌نظر، در: نجفی ابرنآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ

دوم، بهار ۱۳۹۲.

۱۰. اشراق، پرتو، سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب، انتشارات ناهید، تهران، چاپ اولف ۱۳۹۰.
۱۱. اصغر میرزایی، علی، بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.
۱۲. افتخار جهرمی، گودرز، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تحولات آن، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
۱۳. اکبری رومنی، فرناز، اصل برائت در گذار تاریخ، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۱۴. امی، محمد حسن، سیر تحول دادرسی و محاکم جزایی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۱۵. امیدی، جلیل، مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق، انتشارات احسان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۶. امیدی، علی و رضایی، فاطمه، نسل کشی یا تراژدی بزرگ ارامنه در سال ۱۳۳۳ ق / ۱۹۱۵ میلادی: استدلال‌های مخالفان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
۱۷. امین، سارا، اوردالی در حقوق کیفری بین‌النهرین باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، سال ۱۳۸۳.
۱۸. امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۱۹. امینی، محبوبه، تأثیر فاصله ارتباطی اصحاب دعوی در فرآیند کیفری (مطالعه قتل، ضرب و جرح)، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران - پردیس فارابی، تابستان ۱۳۹۴
۲۰. ایمانی، عباس، اندیشه قانون در ادبیات مشروطه، انتشارات نامه هستی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۱. آبادیان، حسین، مبانی تئوریک مشروطه خواهی و مشروعه خواهی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱.
۲۲. آذربایجانی، علیرضا، تحلیل شیوه و مبانی استناد به قوانین و شرع در دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، مجله حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال هفتم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۲۳. آشوری، محمد «زیرنظر»، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۴. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات نشر گرایش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۲۵. آشوری، محمد، عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۶. آشوری، محمد، عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات نشر دادگستر، تهران، جلد دوم، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲.
۲۷. آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، در: عدالت کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۸. آقازاده، جعفر، تحلیل روابط اقبال السلطنه، حکمران ماکو با مشروطه خواهان و محمدعلی شاه در دورل مجلس اول، مجله پژوهش‌های تاریخ محلی ایران، دانشگاه

- پیام نور، دوره ۲، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۲۹. آلبنیز، جی اس.، سرقت و کلاهبرداری مالکیت فکری، ترجمه و تحقیق: حمیدرضا دانش‌ناری و سید امین روح‌الامینی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳۰. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۹۵.
۳۱. بادامچی، حسین «به کوشش»، آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳۲. بادامچی، حسین «به کوشش»، تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳۳. بادامچی، حسین «مترجم»، قانون حمورابی؛ ترجمه و تحقیق از متن اکدی، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۳۴. بادامچی، حسین، «قتل» در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۷۹.
۳۵. بادامچی، حسین، تاریخ حقوق: نظریه‌ها و روش، انتشارات نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳۶. بادامچی، حسین، جایگاه فرمان اوروکاگینا در تاریخ شکل‌گیری حقوق سومری، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۳۷. بادامچی، حسین، دادرسی در ایلام باستان به همراه ویرایش، ترجمه فارسی و انگلیسی دو سند ایلامی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲.
۳۸. بادامچی، حسین، قراردادهای مشارکت تجاری در دوره ایلامی قدیم، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۸،

- شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳۹. بادامچی، حسین، مسأله تکامل حقوق کیفری، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۴۰. بادامچی، حسین، مطالعه تطبیقی مفهوم جرم و مجازات در حقوق خاور نزدیک باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۳.
۴۱. باقری، پرویز و کریمی، عظیم، مبانی حقوقی و سیاسی نظام ارباب - رعیتی پشتکوه عصر والیان، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۱۱، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۵.
۴۲. بخشی زاده زنجانی، فاطمه، مفهوم قانون از دیدگاه متفکران عصر مشروطه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.
۴۳. براری، اکبر، مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۴. بزرگ‌نیا، دلاور، سیاست جنایی ایران در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی (مطالعه تطبیقی)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۲.
۴۵. بشیر، شهزاد، شاه اسماعیل و قزلباشان: آدم خواری در تاریخ مذهبی صدر دوره صفویه، ترجمه بزهاد کریمی، مجله پیام بهارستان، سال ۴، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۱.
۴۶. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.

۴۷. بنایی، امین و زندیه، حسن، نظام قضایی جدید در دوره پهلوی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۵.
۴۸. بوسار، آندره، بزهکاری بین‌المللی، ترجمه نگار رخشانی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.
۴۹. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ هشتم، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.
۵۰. بوهلاندر، مایکل، قانون مجازات آلمان، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۵۱. بوهلاندر، مایکل، مبانی حقوق کیفری آلمان، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۵۲. بهرامی احمدی، حمید، تاریخ حقوق «ایران قبل از اسلام»: کشورهای هم‌جوار تأثیر گذار، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، دو جلد، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۵۳. بهرامی احمدی، حمید، تاریخ حقوق «ایران قبل از اسلام»، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۵۴. بهرامی‌نیا، امید، خشونت و شکنجه در عصر سلجوقی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۵۵. بهگویی، بهاره، افکار عمومی و شکل‌گیری آن در نامه‌های ارسالی به روزنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج از کشور دوره قاجار (اختر - ثریا - حبل‌المتین) از اواسط ناصری تا آغاز مشروطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، گرایش اراین‌شناسی فرهنگ مردم دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.
۵۶. بیات کمیتکی، مهناز، ارزیابی مفهوم مصلحت عمومی در قوانین اساسی مشروطه و

- جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
۵۷. بیات، خلیل ا...، سیر پیدایش، تحول و تدوین حقوق شهروندی در دوره مشروطیت، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۸۶.
۵۸. بیگ زاده، صفر، فرهنگ تعاریف قانونی (ترمینولوژی قوانین و مقررات ایران)، انتشارات کلک صبا، تهران، چاپ اول ۱۳۹۱.
۵۹. بیگدلو، رضا، کشاکش دولت و نیروهای مذهبی در مورد قوانین و جایگاه زنان در دوره پهلوی دوم (مطالعه موردی مجله «زن روز» در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی)، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۶، شماره ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۶۰. پاک نیت، مصطفی، افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۶۱. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۶.
۶۲. پروین، ناصر الدین و دریاگشت، محمد رسول، نصرت‌الدوله و میلسپو، پایان مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶۳. پل کره، ژان، دور نمای اروپایی زندان، ترجمه لیلا مقدادی و محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۶۴. پیوندی، غلامرضا، اصول و معیارهای کیفرگذاری از منظر مکاتب حقوقی در مقایسه با آموزه‌های اسلامی، رساله دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، بهمن ۱۳۹۲.
۶۵. ترابی فارسانی، سهیلا، تحول گفتمان روزنامه‌های روشنفکری در قبل و بعد از

- مشروطه (با تکیه بر قانون، روح القدس و صور اسرافیل)، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۸.
۶۶. ترابی فارسانی، سهیلا، نخستین تکاپوهای تجار سرمایه‌دار در عصر مشروطه در استقرار قانون، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۸.
۶۷. ترکمنی آذر، پروین، عدالت و بازتاب آن در تاریخ نوشته‌های مورخان ایرانی (قرن سوم تا ششم هجری)، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۶۸. تفرشی، مرتضی، نظم و نظمیۀ در دوره قاجار، انتشارات یاولی (فرهنگسرا)، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۲.
۶۹. تیرانداز، حسین، دغدغه حقوق بشر در اندیشه علمای شیعه (از مشروطه تا جمهوری اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۷.
۷۰. ثواقب، جهانبخش، بررسی علل و پیامدهای قتل امام قلی خان، حاکم فارس، در عصر شاه صفی (۱۰۴۲ ه.ق)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹.
۷۱. ثواقب، جهانبخش، مجازاتهای عرفی مجرمان در عصر قاجاریه، مجله جستارهای تاریخی، سال ۶، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۷۲. جبّاری، مصطفی، ضمان عاقله، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
۷۳. جیشانکار، کی «ویراستار»، جرم‌شناسی فضای مجازی: کشف جرایم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۷۴. چرچیل، جورج. پ، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات زرین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۷۵. حجاریان، محمد حسن، قانون جزای جمهوری خلق چین، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷۶. حسینجانی، بهمن و مظاهری بهرامی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷۷. حضرتی، حسین، اختیارات مجلس در قوانین اساسی مشروطه ایران و عثمانی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۷۸. حیدری، حسین، خاکسار آرانی، بررسی کیفرشناختی مقررات حمورابی، عبرانی و ونیداد، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۷۹. حیدری، حسین، خاکسار آرانی، مطالعه تطبیقی مقررات کیفری عبرانی و حمورابی، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۳.
۸۰. حیدری، دریا، سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش، پژوهشنامه ادب حماسی، سال نهم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۸۱. حیدری، عباسعلی، نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۴.
۸۲. خدای، مهدی و دیگران، بررسی تحلیلی عملکرد نیروی امنیه فارس در مبارزه با قاچاق کالا در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی سال ۵۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
۸۳. خزانی، منوچهر، به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین دادرسی کیفری مختلف اروپایی، در: خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۷.
۸۴. خزائی، یعقوب، فرآیند ساخت یابی نهاد زندان لز مشروطه تا پایان پهلوی اول،

- انتشارات نشر آگه، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
- ۸۵ خزائی، یقوب، تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهی: انبار تهران و زندان قصر)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تاریخی، سال ۵۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷.
- ۸۶ خلیل‌زاده، ایرج و خلیل‌زاده، غلامرضا، حقوق کیفری عصر قاجار در قانون جزای عرفی (۱۲۹۵ ش) و قانون کنت (۱۲۸۵ ش)، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۸۷ خلیل‌زاده، ایرج و صبوری‌پور، مهدی، قانون جزای عرفی و نقش آن در شکل‌گیری حقوق کیفری ایران، مجله پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷.
- ۸۸ داگلاس، هوساک، نظریه حقوق جنایی، ترجمه علی شجاعی، در: رحمدل، منصور و بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی - مجموعه مقالات نکوداشت خانم دکتر سیلیویا تلنباخ، انتشارات گام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۸۹ داودیان، احسان، حقوق زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۹۰ دلبلیو نیوبور، دیوید، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آیین دادرسی کیفری)، ترجمه حمیدرضا قراگوزلو، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- ۹۱ دبیرزاده، الهه، جدال قدرت و آزادی در دادرسی‌های کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۴.
- ۹۲ دربه، مسعود، جایگاه ساختار قضایی عهد اول عباسی در سلطه دستگاه خلافت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

- شهید بهشتی، تهران، خرداد ۱۳۹۳.
۹۳. دلماس - مارتی، می‌ری، جهانی شدن حقوق؛ چالش‌های سه گانه، ترجمه علیرضا میلانی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۲.
۹۴. دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، تهران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۵.
۹۵. دیاموند، آس، چشم در برابر چشم، ترجمه ابراهیم رجبی و ویراستاری حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۹۶. راهرو خواجه، احمد، تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۹۷. رایجیان اصلی، مهرداد، اصل قانونمندی حقوق جنایی با رهیافتی به تحولات اخیر آن در حقوق ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی - مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
۹۸. رایجیان اصلی، مهرداد، حقوق جنایی و جرم‌شناسی در آیین «کتابچه قانونی گنت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲، ۱۳۹۲.
۹۹. رحمانی، محمد، مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۰۰. رحمانیان، داریوش، تاریخ تحلیلی مجلس سیزدهم شورای ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تیر ۱۳۹۴.
۱۰۱. رحمدل، منصور، تولد و تحول حقوق کیفری عمومی ایران، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶.

۱۰۲. رحمدل، منصور، جایگاه حقوق کیفری در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۱۰۳. رحیمی نژاد، اسمعیل، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۰۴. رحیمی نژاد، اسمعیل، مطالعه تطبیقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق ایران و مذاهب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۱۰۵. رستگار، اشکان، جنبش‌های اجتماعی ایران در بستر نقض حقوق عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴.
۱۰۶. رسولی، علی و دیگران، حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری و مسأله مشروعیت، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.
۱۰۷. رضوی، سید ابوالفضل، نظام پولی در عصر ایلخانان (۷۳۶ - ۶۴۵ ه.ق و ۱۲۳۸ تا ۱۲۵۶ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۱۰۸. رفیعی ده بیدی، محمدرضا، برابری در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰۹. روح الامینی، بابک و آفاجری، سید هاشم، سیاست کردن در دوره قاجار (۱۲۱۰ - ۱۲۶۴ ه) مطالعه موردی: کورکدن، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۳، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

۱۱۰. رولان، نوربر، انتقامجویی، کیفر و تکامل: رویکرد انسان‌شناختی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۱۱. رهامی، محسن، عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۱۱۲. ریم اشنایدر، کاسپارک، زندان و مجازات در آناتولی قدیم، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۱۳. زاویه، سعید و مافی تبار، آمنه، بررسی آیین‌های اساطیری «داوری ایزدی» در ایران باستان، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۲.
۱۱۴. زرننگ، محمد، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۱۵. زرینی، حسین، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، دو جلد، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۱۶. زمانی فرد، مهرداد، استثنائات وارد بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۲.
۱۱۷. زندیه، حسن و ده پهلوانی، طلعت، جایگاه روحانیون متنفذ در مدرنیزاسیون قضایی و تدوین قانون مدنی در عصر پهلوی اول، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.
۱۱۸. زندیه، حسن، تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزرات عدلیه علی اکبر داور، ۱۲ - ۱۳۰۵)، رساله دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶.

۱۱۹. ژانی، ژانوس، عدالت کیفری در ایران دوره ساسانیان، ترجمه رحیم فروغی نیک، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۱۲۰. ساقیان، محمد مهدی، اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایرن)، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۰، شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز ۱۳۸۵.
۱۲۱. ساقیان، محمدمهدی و موسوی، سید پوریا، اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری؛ مفاهیم، مبانی و قلمرو، در: الفت، نعمت الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - مجموعه مقالات در یادنامه استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان‌نیا، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۶.
۱۲۲. سالاری، مهدی، حقوق کیفری اختصاصی: سرقت تعزیری و رایانه‌ای «حاوی مباحث استدلالی، حقوقی و فقهی»، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۲۳. الستی، ساناز «مترجم»، تاریخ عدالت کیفری، انتشارات میزان، تهران، دو جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۲۴. الستی، ساناز، حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری (در ایران و بررسی تطبیقی آن با آمریکا و قراردادهای بین‌المللی)، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۶.
۱۲۵. سردارنیا، خلیل اله، تحلیل جامعه شناختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳.
۱۲۶. سلیمانی حسین «مترجم»، عدالت کیفری در آیین یهود، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۲۷. سلیمانی، حسین، مطالعه تاریخی - کیفرشناختی مجازات بدنی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۳.
۱۲۸. سلیمانی، حسین، نظام جرایم و مجازات‌ها در آیین یهود، پایان نامه کارشناسی ارشد

- حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۷۹.
۱۲۹. سنگاری، اسماعیل و دیگران، حدود مفاهیم «جبر» و «اختیار» در متون پهلوی و رابطه آن‌ها با نقش انسان در تاریخ در اندیشه مزدیستا، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
۱۳۰. سنگاری، اسماعیل و کرباسی، عیرضا، شکل‌گیری نخستین بنیان‌های جهانی شدن در عصر هخامنشی با رویکردی دینی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
۱۳۱. شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۱۳۲. شاملو، باقر، تحول در اصول‌گرایی علم حقوق در پرتو پست مدرنیسم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۳۳. شاملو، باقر، ماهیت و نقش هیأت منصفه در نظام عدالت کیفری ایران از ظهور تا افول، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)، زمستان ۱۳۹۰.
۱۳۴. شفیعی زاده دیزجی، توحید، مطالعه مدل‌های دو گانه عدالت کیفری هربرت پاکر، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن مدل‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲.
۱۳۵. شیخ الاسلامی، جواد، نصرت‌الدوله فیروز و داستان سقوط وی، مجله آینده، شماره یک و دو، سال پانزدهم، ۱۳۶۹.

۱۳۶. صالح، علی پاشا، تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۱۳۷. صالحی، علامه، مانی، تاریخچه‌ای عمومی از بی عدالتی و شرارت، انتشارات نشر کتاب پارسه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۳۸. صبوری پور، مهدی و. خلیل زاده، ایرج، تحلیل کیفرشناختی قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۵ شمسی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی شهر دانش، شماره ۱۲، ۱۳۹۷.
۱۳۹. صدقی، ناصر، بررسی ساختار و ماهیت نظام حقوقی دولت سلجوقی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۱۴۰. صدقی، ناصر، تأملی در نگرش جامعه شناختی مارکسیستی به تاریخ ایران، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۱.
۱۴۱. صفاری، علی، کیفرشناسی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۴.
۱۴۲. صفی زاده، فاروق، تاریخ حقوق در ایران باستان، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۴۳. طاهری موسوی، سید محمد سعید، ساختار سیاسی و حقوقی فرانسه از انقلاب کبیر تا عصر حاضر، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۴۴. عاقلی، باقر، تیمور تاش در صحنه سیاست ایران، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۱۴۵. عاقلی، باقر، داور و عدلیه، انتشارات علمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۴۶. عاقلی، باقر، مشاهیر رجال، نشر گفتار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۴۷. عاقلی، باقر، نصرت‌الدوله فیروز: از رؤیای پادشاهی تا زندان رضا شاهی، نشر نامک، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۴۸. عالی پور، حسن، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۱۴۹. عامری، حامد، تجدد و قانون‌گرایی (اندیشیه میرزا یوسف خان مستشار الدوله به ضمیمه رساله یک)، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۵۰. عباسعلی، نگاهی به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۸۴.
۱۵۱. عرفانی، مائده، مفهوم کرامت انسانی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۵۲. علی صوفی، علیرضا و دیگران، میرزا ابراهیم خان منشی زاده از مشروطه تا کمیته مجازات، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، دوره ۶، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۵۳. غفاری، مسعود و محمدزاده، علی، عدالت‌خواهی از منظر دو حزب دموکرات و اعتدالیون (بررسی مرام‌نامه‌های دو حزب)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۳، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۰.
۱۵۴. غلامی، حسین، کیفرشناسی، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴.
۱۵۵. غلامی، حسین، گذر به حاکمیت قانون در حقوق کیفری ایران، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، دایره‌المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۵۶. غنی، سیروس. ایران: برآمدن رضا خان، بر افتادن قاجار و نقش انگلیس‌ها، ترجمه حسن کامشاد، انتشارات نیلوفر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۵۷. فرجی، مهدی و منصوربخت، قباد، نسبت میان قانون، حقوق، حدود و آزادی‌های

- فردی از منظر میرزا اسمعیل ذری اصفهانی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲.
۱۵۸. فرخی، یزدان و خسروییگی، هوشنگ، بررسی پدیده راهزنی در سده هشتم هجری با تأکید بر روایات صفو الصفا، مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ۵، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۱۵۹. فریش، ولفگانگ، مبانی عقلی حقوق جزا در اروپا: از حقوق جزای تئوگراتیک تا حقوق جزای سکولار، ترجمه حسن رضایی، در: رحمدل، منصور و بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی - مجموعه مقالات نکوداشت خانم دکتر سیلویا تلنباخ، انتشارات گام حق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۶۰. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و مهتاب بلوکی، انتشارات نشر نی، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.
۱۶۱. قیائی، یدالله، بررسی تاریخی - تحقیقی - تطبیقی حقوق راهزنی و سرقت مسلحانه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی)، تهران، ۱۳۵۵.
۱۶۲. کارداشیا، گیوم، اوردالی رودخانه در بین‌النهرین باستان، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۶۳. کارداشیا، گیوم، جایگاه قصاص در تاریخ حقوق کیفری در پرتو حقوق خاور نزدیک باستانف ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۶۴. کاظمی، آرمان، مقایسه مجازات‌های ثابت و متغیر در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بین‌المللی امام

- خمینی (ره)، قزوین، ۱۳۸۹.
۱۶۵. کاظمی، زهرا، بررسی تأثیر رفتارهای جریان‌های افراطی بر تحولات مجلس اول، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشده ایبات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶.
۱۶۶. کلانتری، کیومرث، عدالت کیفری خصوصی در نظام کیفری ایران، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ ششم، بهار ۱۳۹۵.
۱۶۷. کلود برلهاریم، ژان، تاریخ جرم‌شناسی؛ عقاید و نظریات از دوران باستان تا نیمه اول قرن بیستم، ترجمه میر روح ... صدیق، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۶۸. کنسکی، نیکو فریمر، اوردالی قضایی، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۶۹. کولن، آلن، مکتب شیکاگو، ترجمه میر روح ... صدیق، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۱۷۰. کیال، مهنوش، مجازات اعدام در اسناد جهانی و قوانین ایران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۷۱. کینبرگ، ه. ج.، قانون و تدوین قانون، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۷۲. گارلند، دیوید، مجازات و فناوری‌های قدرت؛ اثر میشل فوکو، ترجمه رحیم نوبهار، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.

۱۷۳. گلشنی راد، کریم، بررسی جایگاه زن در نهاد خانواده دوره ساسانی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۸.
۱۷۴. گودرزی، محمدرضا، تاریخ تحولات زندان، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۷۵. لنگی، آندره و لوییگر، آرت، تاریخ آیین دادرسی جنایی، ترجمه و تألیف: محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۷۶. مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۷۷. مجد، محمد قلی، از قاجار به پهلوی، ترجمه سید رضا مرزانی و مصطفی امیری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۷۸. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق جزای شرعی کلیسای کاتولیک، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ - ۳۰، ۱۳۷۹.
۱۷۹. محمدی، شهرام و بیژنی میرزا، طیبه، فرآیند دادرسی کیفری در ایران از سده اول هجری تا عصر مشروطیت، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵.
۱۸۰. مرادخانی، فردین، اصول بنیادین مشروطیت در اندیشه مشروطه خواهان ایرانی، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۸۱. مصطفی زاده، فهیم، تاریخ تحولات حقوق کیفری، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۸۲. مظاهری تهرانی، مسعود و حسینجانی، بهمن، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

- با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۸۳. ملایی توانی، علیرضا، ملاحظاتی در مفهوم عدالتخانه (۱۳۲۴ ه.ق / ۱۹۰۶ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱.
۱۸۴. منشی، شیدا، نصرت‌الدوله فیروز و مجلس چهارم، مجله فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۶۸.
۱۸۵. منصور، مریم، بررسی جرایم اقتصادی در دوره ناصری (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ق / ۱۸۴۷ تا ۱۸۹۶ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۱۸۶. موسوی، سید پوریا، مبانی و آثار حقوقی - جرم‌شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری؛ موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۹۵.
۱۸۷. موسوی، سید مجید، بررسی مقایسه‌ای نظام قضایی در قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۸۸. مهدویان، محبوب، تعامل حکمرانان و علمای اهل سنت در ایجاد مشروعیت برای حکومت، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۶.
۱۸۹. مهرآبادی، میترا، قانونگذاری در اندیشه گروهی از موافقان و مخالفان مشروطه، مجله پژوهشنامه تاریخ، دانشگاه آزادی اسلامی واحد بجنورد، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۴.
۱۹۰. مهرپور، حسین، دیدگاه‌های حقوق بشری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در: آیین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها - مجموعه مقالات همایش

- قانون آیین دادرسی کیفری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵.
۱۹۱. مهرپور، حسین، سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه حقوق تطبیقی (نامه مفید)، دانشگاه مفید، قم، شماره ۸، ۱۳۷۵.
۱۹۲. مؤمنی، مهدی، اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق کیفری بین الملل، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، آبان ماه ۱۳۹۱.
۱۹۳. میلانی، علیرضا، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و رویکردهای نوین، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۹۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین (مترجمان)، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۹۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.
۱۹۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، حبس خانگی، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰.
۱۹۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: پی. فلچر، جورج، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ چهارم، تیر ۱۳۹۴.
۱۹۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیباچه در: پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران،

چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۵.

۱۹۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حق بر تأمین تا حق بر امنیت، دیباچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۲۰۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، دیباچه در: علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.

۲۰۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق (آموزه‌های حقوق کیفری)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۲۰۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی، در: آیین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها - مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵.

۲۰۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بسترهای حقوقی و اجتماعی عدالت ترمیمی در ایران، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم - دانشگاه تربیت مدرس، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵. (این کتاب در اواخر فروردین ۱۳۹۶ در دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس رونمایی می‌شود).

۲۰۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال

تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، قابل دسترس در : www.lawtest.ir

۲۰۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تولد و تحول حقوق کیفری در ایران، دیباچه در:

- رحمدل، منصور، تولد و تحوّل حقوق کیفری عمومی ایران، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۶.
۲۰۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی - مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
۲۰۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در: غلامی، حسین «به کوشش»، علوم جنایی تطبیقی - مجموعه مقالات نکوداشت‌نامه دکتر سیلویا تلنباخ، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵.
۲۰۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم دیباچه ویراست دوم - سوم - چهارم، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۲۰۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی براساسی سازی حقوق کیفری، در: گرجی، علی اکبر «به کوشش»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره اصطلاح سیاست جنایی، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
۲۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره افتراقی شدن سیاست جنایی، دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
۲۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره جرم‌شناسی سایبری «گفتگو»، مجله تعالی

- حقوق، سال چهارم، شماره ۳۶، شهریور ۱۳۸۸.
۲۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفرهای جامعه‌مدار دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۲۱۴. نجمی، شمس‌الدین، مطالعه‌ای در چگونگی برقراری امنیت و بازسازی کرمان پس از حمله آقامحمد خان قاجار، مجله پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۵، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۲۱۵. نگهی، مرجان، نظام حقوق کیفری ایران در عصر مغول، سال ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۲۱۶. نوایی، رضا، نظریه اراده و منفعت در باب حق در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.
۲۱۷. نوبهار، رحیم، اصل قضایی بودن مجازات‌ها؛ بررسی فقهی و حقوقی دادرسی عادلانه، انتشارات شهردانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۱۸. نوبهار، رحیم، اهداف مجازات در جرایم جنسی: چشم‌اندازی اسلامی، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۱۹. نوچهری، عباس و روستایی، مجتبی، حق و قانون در شعر عصر مشروطه، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۰.
۲۲۰. نوربخش، امیرحسین، تاریخ تحولات حقوق عمومی در ایران، انتشارات خرسندی، دو جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۲۱. نوروزی، صفی‌الله، سیاست واگذاری حکومت ایالات و ولایات از عصر ناصری تا پایان قاجاریه و تأثیر آن بر تشدید ناکارآمدی دستگاه حکومتی، پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد تاریخ، گرایش تاریخ دوره ایران اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۰.
۲۲۲. نیازپور، امیرحسن، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰.
۲۲۳. نیازپور، امیرحسن، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۲.
۲۲۴. واشقانی فراهانی، امیرحسین، تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه های اعمال کیفر در جوامع غربی)، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۲۵. والی نژاد، یزدان، دادرسان محلی در بافت تاریخ، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه های علوم جنایی - مجموعه مقاله ها، انتشارات میزان، تهران، کتاب اول، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۲۲۶. وزیری، شهربانو، مرور زمان و نفی مرور زمان؛ بررسی تحولات قاعده مرور زمان در جامعه بین المللی و قوانین داخلی کشورها، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۲۷. وستبروک، ریموند و دیگران، آغاز قانونگذاری تاریخ حقوق بین النهرین باستان، به کوشش حسین بادامچی، انتشارات طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۲۸. وستبروک، ریموند، انتقام، فدیة و قصاص، ترجمه حسین بادامچی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۲۹. وستبروک، ریموند، جرایم و مجازاتها در خاور نزدیک باستان، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۳۰. وستبروک، ریموند، حقوق سومری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی

- ابرنندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین «مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین
النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۳۱. ولایی، عیسی، جرایم و مجازاتها در اسلام، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد،
تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۳۲. ولوی، علی محمد و نجفیان رضوی، لیلا، حسنین زندان هاشمیه (بازکاوای علل
شمار واقعی زندانیان و کشته شدگان)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه
اصفهان، دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.
۲۳۳. الونی، رضا، واکاوی محاکمه و مجازات در عصر صفوی، فصلنامه تاریخ نو، سال ۷،
شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶.
۲۳۴. ویلیامز، ماتیو، بزهکاری مجازی: بزه، انحراف و مقررات‌گذاری بر خط، ترجمه
امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲۳۵. هاشمی، سید حسین، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی،
دانشکده حقوق دانشگاه مفید، ۱۳۷۹.
۲۳۶. هافنر، هری، قوانین هیتی‌ها؛ قانون‌نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری
رومنی، انتشارات حقوقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۳۷. هالوی، گابریل، نگاهی نو به اصل قانونمندی در حقوق جنایی، ترجمه محمد جعفر
ساعد، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۳۸. هریسی‌نژاد، کمال‌الدین، تأملی در عوامل تأثیرپذیری حقوق نوین ایران از نظام
حقوقی رومی - ژرمنی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
۲۳۹. یارون، راور، ملاحظات درباره بخش‌های جدید قانون اور - نمور، ترجمه علی
حسین نجفی ابرندآبادی، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین
«مترجمان»، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم،

۱۳۹۴.

۲۴۰. یاری، یاسمن، حقوق اجتماعی زن در اندیشه محمد قاسم امین، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

۲۴۱. یوسفی‌فر، شهرام و شکرزاده، حسن، منصب داروغه در دوره قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۳۱۳ ق / ۱۷۹۶ تا ۱۸۹۶ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳.

۲۴۲. یوسفی‌فر، شهرام، جایگاه و ساختار منصب کدخدا در مدیریت روستایی ایران از مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول (۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ شمسی / ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ میلادی)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳.